

خلاصه درس ۱

به فعالیت های آگاهانه، ارادی و هدفدار انسان، کنش انسانی می گویند. (هر فعالیتی که انسان آگاهانه انجام دهد).

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی گیرد. اگر آگاهی نسبت به معنای کلمات نداشته نباشیم نمی توانیم صحبت کنیم.

فرد آگاه تا تصمیم نگیرد و اراده نکند، کنشی انسانی صورت نمی گیرد. برخلاف فعالیت سایر مخلوقات، کنش های انسانی هدف مند و با معنی هستند. (کنش های یکسان، هدف ها و معانی یکسانی ندارند).

هر کنشی پیامدهای ارادی دارد که به کنش فردیادگران وابسته است.

مثلا: مطالعه  یادگیری (وابسته به کنش فرد)، کسب نمره (وابسته به اراده استاد)

پیامدی که به اراده ی انسان بستگی ندارد  پیامد غیر ارادی و نتیجه طبیعی کنش است. مثلا باز کردن پنجره و ورود هوای تازه به کلاس

پیامدهای غیر ارادی کنش انسانی  قطعی و حتمی اند.

پیامدهای ارادی کنش انسانی  احتمالی اند.

هویت کنش به آگاهی است. هدف رفتاری: کنش ها را کنترل کنید و به پیامدهای آن بیشتر فکر کنید.

سوالات درس ۱

۱- **کنش و کنشگر را تعریف کنید:** پاسخ: فعالیتی آگاهانه و ارادی که انسان انجام می دهد کنش انسانی است. انسانی که کنش انجام می دهد کنشگر است.

۲- **فعالیت های انسان با فعالیت های سایر موجودات زنده چه تفاوتی دارد؟** پاسخ: فعالیت های حیوانات بر مبنای غریزه است ولی انسان غیر از فعالیت های غریزی دارای فعالیت هایی است که آگاهانه، ارادی، هدف دار، معنادار است و در موقعیت های مختلف زمانی و مکانی متفاوت است.

۳- **کنش های انسان دارای چه ویژگی هایی است؟** با آگاهی انجام می شود و می داند که چکار می کند. بر اساس خواست اراده، میل و با تصمیم خود انجام می دهد. برای رسیدن به مقصد و هدفی انجام می دهد و فعالیت های انسان دارای معنا و مفهوم

است. (آگاهانه، ارادی، هدف دار، معنادار است.) هرکنش انسانی ممکن است در موقعیت های زمانی و مکانی متفاوت معانی متفاوتی داشته باشد.

۴- شک و تردید هنگام اتخاذ تصمیم، نشان دهنده کدام یک از ویژگی های کنش انسانی است؟ پاسخ:

وجوداراده

۵- آیا ممکن است یک کنش انسانی چندین معنادار داشته باشد؟ مثال بزنید: بله گاهی ظاهر کنش یکسان است ولی اطرافیان

معانی متفاوتی از آن برداشت می کنند. هرکنش انسانی در طرف زمانی و مکانی، معنای خاصی ممکن است داشته باشد. مثلاً دانش آموز در کلاس انگشت اشاره خود را بالا می برد ممکن است سوال داشته باشد. ممکن است درخواست خروج از کلاس داشته باشد و ممکن است قصد دیگری داشته باشد. بپزند گاهی معنای تشکر دارد گاهی معنای ترحم و گاهی معنای تمسخر و..

۶- کنش انسانی با آگاهی چه ارتباطی دارد؟ پاسخ: تا آگاهی وجود نداشته باشد کنشی انسانی صورت نمی گیرد. کنش

هایی که خارج از آگاهی و نیت هستند جزء کنش های غیر انسانی به حساب می آیند مثلاً اگر ضربه چکش به انگشت مان برخورد کند و ناگهان صدایی درد آلود سردهیم، این نغمه درد آلود کنشی انسانی نیست بلکه بازتابی طبیعی و غیر ارادی است.

۷- عدم شناخت آثار و پیامدهای کنش انسانی چه تاثیری بر زندگی اجتماعی مادر دارد؟ مثال بزنید: بی توجهی به

پیامدهای کنش های انسانی منجر به پشیمانی و آسیب می شود.

۸- آیا همه پیامدهای کنش وابسته به آگاهی و اراده ی انسان ها است؟ پاسخ: خیر. برخی از پیامدهای کنش های

انسان، جنبه غیر ارادی و غیر انسانی (طبیعی) دارند. مثلاً کنش سیگار کشیدن پیامد بیماری رابه دنبال دارد که کنشگر به دنبال رسیدن به آن نبوده و اراده ی در خصوص آن پیامد طراحی نکرده است.

۹- آیا پیامدهای کنش انسانی از جنس کنش هستند؟ پاسخ: برخی از پیامدها که وابسته به اراده کنشگر هستند بله

و برخی از پیامدها که غیر ارادی و طبیعی هستند خیر

۱۰- انواع پیامدهای کنش های انسانی را بنویسید: پاسخ: ۱- پیامدهای ارادی وابسته به اراده کنشگر که توسط

کنشگر قابل کنترل است ولی احتمالی است و ممکن است تحقق پیدا نکند. ۲- پیامد ارادی وابسته به اراده دیگران که دیگران با واکنش نسبت به کنش کنشگر، ایجاد می کنند. البته احتمالی هستند و ممکن است اتفاق نیفتند. ۳- پیامدهای غیر ارادی که جنبه طبیعی و قطعی دارند و کنشگر در صدد ایجاد آن نبوده است ولی حتما اتفاق می افتند.

۱۱- پیامدهای ارادی کنش انسانی با پیامدهای غیر ارادی کنش انسانی چه تفاوت هایی دارند؟ پاسخ:

پیامدهای ارادی احتمالی هستند که ممکن است روی دهند و ممکن است روی ندهند ولی پیامدهای غیر ارادی قطعی و حتمی هستند و تحت کنترل انسان نیستند.

۱۲- انواع پیامدهای کنش ورزش کردن را بنویسید: کسب سلامتی پیامد ارادی وابسته به اراده

کنشگر است. کسب مدال ورزشی پیامد ارادی وابسته به اراده دیگران است. سوزاندن چربی و انرژی پیامد غیر ارادی آن است.

۱۳- انواع پیامدهای کنش سیگار کشیدن را بنویسید: سرگرمی پیامد ارادی وابسته به اراده کنشگر است. جلب

توجه پیامد ارادی وابسته به اراده دیگران است. بیمار شدن پیامد غیر ارادی آن است.

۱۴- انواع پیامدهای کنش رعایت حیا را بنویسید: تامین نیاز روحی و روانی پیامد ارادی وابسته به اراده

کنشگر است. کسب امنیت پیامد ارادی وابسته به اراده دیگران است. تغییرات روانی پیامد غیر ارادی آن است.

۱۵- انواع پیامدهای کنش کنترل خشم را بنویسید: حفظ آرامش شخصی پیامد ارادی وابسته به اراده

کنشگر است. میزان پذیرش دیگران یا کاهش پرخاشگری پیامد ارادی وابسته به اراده دیگران است. کنترل ضربان قلب پیامد غیر ارادی آن است.

۱۶- مفهوم جمله زیر چیست: "آدمی در گرو عمل خویش است." پاسخ: معیار آدمی به عاقبت اندیشی

در خصوص رفتار و اعمالش است.

۱۷- در کلاس جامعه شناسی یک، انواع کنش های انسانی که از ابتدای جلسه ی امروز انجام داده اید را مشخص کنید.

قدم زدن در کلاس و نشستن: کنش فردی _ حضور و غیاب دبیر: کنش اجتماعی _ پرسش و پاسخ دبیر با تعدادی از دانش آموزان: کنش اجتماعی. فکر کردن: کنش درونی

۱۸- چند کنش غیر انسانی در محیط مدرسه مثال بزنید؟

تابش نور خورشید _ رشد گیاهان باغچه _ بارش باران

۱۹- چگونه ممکن است کنشی از انسان سرزند ولی کنش انسانی به حساب نیاید؟ مثال بزنید.

گاهی ممکن است انسان حرکت و کنشی داشته باشد که نسبت به آن آگاهی و برنامه ریزی ندارد مثلاً به صورت نا آگاهانه احساسات خود را در قالب جملاتی از روی هیجان به زبان آورد. با ضربه ای به انگشت خود بزند و ناخواسته بالانسی ریتمیک یا نغمه ای خاص سردهد.

۲۰- اجزا و ویژگی های یک کنش انسانی را در قالب یک مثال توضیح دهید.

چون احساس تشنگی می کنم برای رفع آن اجازه می گیرم از کلاس خارج می شوم به حیاط مدرسه رفته آب می خورم و به کلاس باز می گردم. رفع تشنگی هدف من است. اراده می کنم تشنگی خود را در حین تدریس معلم رفع کنم (ارادی بودن) با انگشت اجازه می گیرم (معنا دار بودن) آگاهی دارم که برای رفع تشنگی باید از کلاس خارج شد و چون در حضور معلم هستم بدون اجازه از کلاس خارج نمی شوم (تناسب داشتن با موقعیت زمانی، مکانی و اجتماعی)

۲۱- کنش انسانی در کلاس مثال بزنید که معنای متفاوتی داشته باشد؟

بالا بردن انگشت اشاره: معنای اجازه گرفتن جهت خروج از کلاس، سوال پرسیدن از دبیر، اعتراض نسبت به موضوعی و....

۲۲- پیامد های کنش حضور شما در کلاس در شکل ارادی و غیر ارادی (قطعی) آن را بنویسید.

کسب اطلاعات علمی، پیامدی ارادی و نگاه به قاب عکس کنار تابلو کنش طبیعی

۲۳- در نظام اقتصادی کنشی ارادی مثال بزید که پیامدی غیرارادی به دنبال داشته باشد؟

خرید خانه کنشی ارادی است که منجر به پیامد غیر ارادی افزایش تقاضا و افزایش قیمت می شود.

۲۴- در فعالیت های پزشکی کنشی ارادی مثال بزید که پیامد های غیر ارادی به دنبال داشته باشد؟ عمل جراحی

بینی کنشی ارادی است که ممکن است عفونت و بدشکل شدن بینی از پیامد های غیر ارادی آن باشد.

۲۵- کنش فردی با کنش اجتماعی چه تفاوتی دارد؟

کنشی که دیگران را تحت تاثیر و واکنش قرار می دهد کنش اجتماعی است و کنشی که تاثیری در دیگران نداشته و شخصی است کنش فردی به حساب می آید.

۲۶- کنش انسانی با کنش غیر انسانی چه تفاوت هایی دارد؟

کنش طبیعی با اراده، آگاهی و برنامه ریزی انسان بدست نمی آید و خارج از کنترل اوست ولی کنش انسانی آگاهانه، ارادی، هدف دار، معنا دار و متناسب با زمان و مکان و اجتماع است.

۲۷- پیامد های ارادی یک کنش انسانی با پیامد های غیر ارادی کنش انسانی چه تفاوت هایی دارد؟

پیامد های کنش انسانی از قبل مشخص، هدف گذاری شده، با برنامه و انسانی است. ولی پیامد های غیر ارادی غیر انسانی، قطعی، طبیعی و خود به خود می باشد و از قبل نسبت به آن ها شناسایی صورت نگرفته است.

۲۸- هر کنش انسانی چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

۱- پیامدهای ارادی و برنامه ریزی شده (پیامدهایی اند که برای رسیدن به آن برنامه ریزی می کنیم مثل : سحرخیزی برای مطالعه درس)

۲- پیامدهای غیر ارادی: پیامدهایی هستند که به صورت خود به خود و طبیعی در کنار پیامدهای ارادی بوجود می آید مثل: سحرخیزی و استفاده از هوای پاک آن

خلاصه درس ۲

کنشی که دیگران را متاثر کند کنش اجتماعی است. کنش های انسانی به صورت های فردی، اجتماعی، بیرنی و دورنی وجود دارند. پدیده اجتماعی: مجموعه ای از کنش های اجتماعی و پیامدهای آن. وقتی کنش فردی، اجتماعی می شود ارزش و هنجار پدید می آیند. برخی از کنش ها حتی بدون حضور دیگران نیز کنش اجتماعی محسوب می شود مثلاً مطالعه کتاب در

اتاقی تنها کنش اجتماعی است زیرا شما با نویسنده کتاب ارتباط برقرار کرده اید هرچند از نظر زمان و مکان فیزیکی بایکدیگر فاصله دارید. ولی گاهی فردی در جمع حضور فیزیکی دارد ولی هیچ توجه ای به شرایط اجتماعی اطراف خود ندارد. ما در کنش های اجتماعی خود با گذشتگان ارتباط داریم (مثلا تحت تاثیر پیامبران قرار داریم) با معاصران ارتباط داریم و ویروس کرونا را از معاصران خود گرفته ایم. با آیندگان ارتباط داریم مثلا مراقبیم که آیندگان نیز از امکانات و منابع طبیعی استفاده کنند و ما همه را اکنون به مصرف نرسانیم.

هنجار اجتماعی: شیوه ی انجام کنش اجتماعی که مورد قبول افراد جامعه است. ارزش اجتماعی: پدیده های مطلوبی که مورد پذیرش همگانی اند و نسبت به آنها تمایل وجود دارد. ارزش پدیده ای ذهنی است و هدف است. هنجار پدیده ای عینی و روش است.

جامعه پذیری: به فرایندی که برای مشارکت در زندگی دنبال می کنیم. (فرایندی که ما را با ارزش ها و هنجارها و نقش ها آگاه می کند). با کنش اجتماعی هنجارها و ارزش های اجتماعی شکل می گیرند. با کنش های اجتماعی ارزش ها و هنجارها تداوم می یابند. با کنترل اجتماعی، جامعه پذیری تحقق پیدا می کند.

تمام پدیده های اجتماعی از طریق کنش اجتماعی شکل می گیرند، پس تمام پدیده های اجتماعی معنادارند و به تدریج از به وجود آوردن خود مستقل هستند. انسان ها پدیده های اجتماعی را در ذهن و سپس در عمل شکل می دهند. ما هستیم که به پدیده های اجتماعی اعتبار و اهمیت می دهیم. ولی پدیده های طبیعی خارج از ذهن انسان هم وجود دارند. مثلا عدالت و صلح و آزادی پدیده هایی هستند که در ذهن انسان شکل می گیرند ولی کوه و جنگل خارج از ذهن انسان هم وجود خارجی دارند. یک ساختمان اداری را انسان می سازد و به آن معنا می دهد ولی یک دریا خارج از ذهن انسان وجود و معنا دارد. هر پدیده ای می تواند فرصت ها یا محدودیت هایی برای انسان به وجود آورد. مثلا حضور در کلاس فرصت علم آموزی فراهم می کند ولی حضور در خانه و گفتگوی با مادر را محدود می کند.

سوالات درس دو

- ۱- **کنش اجتماعی چیست؟** پاسخ: کنشی انسانی که دیگران را تحت تاثیر قرار می دهد.
- ۲- **برای کنش های بیرونی و کنش های درونی مثال بزنید:** پاسخ: نشستن، راه رفتن، غذا خوردن کنش هایی بیرونی هستند. فکر کردن، غصه خوردن، پشیمان شدن، امیدوار شدن کنش هایی درونی هستند.
- ۳- **برای کنش های فردی و اجتماعی مثال بزنید:** پاسخ: قدم زدن، مسواک زدن، فکر کردن کنش هایی فردی هستند. سلام کردن، تدریس کردن، پاسخ دادن کنش هایی اجتماعی هستند.
- ۴- **آیا کنش های اجتماعی حتما باید در حضور فیزیکی دیگران صورت گیرد؟ مثال بزنید:** خیر. رعایت مقررات حتی بدون حضور دیگران نیز کنشی اجتماعی محسوب می شود. دیگران اگر فیزیکی هم حضور نداشته باشند حضور ذهنی برای کنشگر میتواند داشته باشند و بر کنش های او تاثیر خواهند داشت.

۵- آیا کنش هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می افتد کنش اجتماعی اند؟

پاسخ: کنشی که موجب ایجاد آگاهی و تاثیر پذیری در دیگران نشود کنش اجتماعی نیست. بنابراین اگر من کنشی در حضور دیگری انجام دهم که او را متاثر نسازد این کنش من جنبه ی اجتماعی نخواهد داشت.

۶- با ذکر مثالی توضیح دهید که شما چگونه با گذشتگان ارتباط اجتماعی برقرار می کنید؟ پاسخ: وقتی ما برای

گذشتگان خود بزرگ داشت برگزار می کنیم یا فاتحه ای نثار آنها می کنیم یا طلب آمرزش برای آنها داریم در حال برقراری ارتباط با گذشتگان هستیم.

۷- با ذکر مثالی توضیح دهید که شما چگونه با آیندگان ارتباط اجتماعی برقرار می کنید؟ پاسخ: وقتی کنشی

انجام می دهیم که برای آیندگان عواقبی به دنبال دارد مثلاً مطلبی می نویسیم تا آنها را از حال خود باخبر سازیم. یا با مصرف بی رویه آب و انرژی محیط زیست نامناسبی برای آنها به ارمغان می گذاریم، در حال برقراری ارتباط با آیندگان هستیم.

۸- با ذکر مثالی توضیح دهید که شما چگونه با معاصران ارتباط اجتماعی برقرار می کنید؟ پاسخ: من در حال تایپ

این متن هستم و شما در حال خواندن آن هستید پس شما در حال تاثیر پذیری از کنش من هستید.

۹- آیا قواعد و شکل ارتباط اجتماعی مابادوست و دشمن یکسان است؟ مثال بزنید: خیر (به قول حافظ

شیرازی) بادوستان مروت بادشمنان مدارا. به قول جامعه شناسان از دشمنان فاصله می گیریم و به دوستان نزدیک می شویم.

۱۰- آیا قواعد و شکل ارتباط اجتماعی مابا غریبه و آشنایان یکسان است؟ مثال بزنید: خیر ارتباط با غریبه ها ساده

است ولی ارتباط با آشنایان پیچیده تر و گسترده تر است.

۱۱- آیا قواعد و شکل ارتباط اجتماعی مابامومن و کافر و منافق یکسان است؟ مثال بزنید: خیر به مومن

اعتماد داریم و ارتباط گسترده ای برقرار می سازیم (البته اگر خود مومن باشیم) با کافر و منافق ارتباطمان را قطع می کنیم. (اگر خودمان کافر یا منافق نباشیم). به کافر و منافق اعتماد نداریم و در صدد برقراری ارتباط پایدار با آنها نیستیم.

۱۲- منظور از پدیده های اجتماعی چیست؟ پاسخ: به کنش ها و پیامدهای کنش (تاثیرات اجتماعی کنش ها)

پدیده ی اجتماعی گفته می شود. مانند: کنش ها، نقش ها، ارزش ها، هنجارها، فرهنگ، عقاید، گروه های اجتماعی، نظام ها و نهادهای اجتماعی و....

۱۳- خردترین پدیده ی اجتماعی چیست: پاسخ: کنش اجتماعی

۱۴- چرا برخی از پدیده ها را پدیده های اجتماعی می نامند؟ پاسخ: زیرا برخی از پدیده های موجود در اطراف

ما در کنش های انسان ها نسبت به یکدیگر تاثیر دارند و دیگران را به واکنش وامی دارند مثلاً خط کشی خیابان یک پدیده اجتماعی زیراد دیگران را به واکنش و تغییر رفتار وامی دارد.

۱۵- پدیده ای اجتماعی مثال بزنید و فرصت ها و محدودیت هایی که ایجاد می کند را بنویسید:

پاسخ: قوانین راهنمایی و رانندگی یک پدیده ی اجتماعی است که فرصت آن کمک به سلامتی و تردد سالم است ولی محدودیت آن گاهی کاهش سرعت یا سپری شدن بیشتر زمان است. یا پدیده ی رعایت حجاب ..

۱۶- مفاهیم ارزش، هنجار، نماد، نقش اجتماعی، جامعه پذیری، کنترل اجتماعی را توضیح دهید و برای

هریک مثال بزنید: پاسخ: ارزش های اجتماعی: پدیده های مطلوب و خواستنی که مورد پذیرش افراد جامعه اند و اعضای

جامعه می خواهند به آنها دست یابند. (گرایش نسبت به آنها دارند). مانند تعلیم و تربیت

، موفقیت، اخلاص، سخاوت، سعادت، هنجارهای اجتماعی: شیوه های انجام کنش های اجتماعی هستند که مورد قبول

افراد جامعه اند و راه های رسیدن به ارزش های اجتماعی محسوب می شوند. مانند قوانین و مقررات، الگوهای رفتاری (ارزش

های اجتماعی ذهنی هستند و در ذهن انسان اعتبار می یابند و ولی هنجارهای اجتماعی عینی، ملموس و محسوس هستند و جنبه

بیرونی دارند.) نماد: نشان ها و علائمی هستند که به کمک آنها پیام ها و معانی به دیگران منتقل می شوند. مانند علائم راهنمایی

و راهنمایی، پرچم. نقش اجتماعی: عنوان و برجستگی است که در موقعیت و جایگاه های اجتماعی بر افراد نهاده می شود و برای

آنها مجموعه ای از وظایف و حقوق اجتماعی رابه وجود می آورد. مانند: نقش فرزند، پدر، مادر، معلم، پلیس و... جامعه

پذیری: فرایند و مرحله ای که فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی طی می کند و با نقش ها، ارزش ها، هنجارها و عقاید

و... جامعه آشنایی می شود. (فرایندی که هویت اجتماعی فرد را می سازد.) مثلاً در خانواده از طریق تعامل با اطرافیان با نقش

فرزند و شهروندی و مسلمانی و... آشنایی می یابیم. یاد در مدرسه برای نقش پذیری های اقتصادی و سیاسی و آموزشی

و خانوادگی و... آشنا می شویم. کنترل اجتماعی: مجموعه فعالیت هایی که فرد را برای انطباق با انتظارات و پذیرش فرهنگ

جامعه آماده می سازد. (اقداماتی که ما را وادار به رعایت فرهنگ و مقررات اجتماعی می کند.) مثلاً برای درس خوان تر شدن

دانش آموز معلم بانمره یا جایزه و اورا تشویق می کند و یا او را مورد مواخذه قرار می دهد.

۱۷- کنش اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و ارزش های اجتماعی با یکدیگر چه ارتباطی دارند؟ مثال

بزنید: وقتی کنشی از حالت فردی به اجتماعی تبدیل می شود نیازمند هنجار و ارزش اجتماعی می شود. بدون ارزش اجتماعی

هنجار و کنش اجتماعی به وجود نمی آید. اگر هدفی مطلوب است باید برای رسیدن به آن شیوه هایی (هنجارهایی) تعریف

شود و این شیوه ها باید قابلیت اجرا (کنش اجتماعی) داشته باشند. مثلاً برای کلاس درس جامعه شناسی علاوه بر ارزش آموزش

مفاهیم اجتماعی، ارزش تنوع و شادابی را هم اضافه می کنیم بنابراین لازم است که از جای بر خیزیم و بارعایت فاصله نسبی

با یکدیگر حرکات کششی و نرمشی را انجام دهیم تا انبساط خاطر و شادابی در فضای کلاس ایجاد شود.

۱۸- پدیده های اجتماعی چه ویژگی هایی دارند؟ پاسخ: ۱- پدیده های اجتماعی معنادار، هدف مند، آگاهانه

و ارادی هستند. ۲- پدیده های اجتماعی مستقل از پدید آورندگان خود هستند. ۳- پدیده های اجتماعی فرصت ساز و محدودیت

ساز هستند.

۱۹- پدیده ای طبیعی مثال بزنید که جنبه ی اجتماعی پیدا می کند؟ پاسخ: مثلاً خشکسالی و کم آبی که

پدیده ای طبیعی است موجب ایجاد مهاجرت یا تغییر نقش های اقتصادی که جنبه ی اجتماعی دارند می شود.

۲۰- پدیده های طبیعی چه ویژگی هایی دارند؟ پاسخ: پدیده های طبیعی توسط انسان خلق نمی شوند و نتیجه

کنش انسان نیستند. جنبه عینی و بیرونی دارند و خارج از ذهنیت انسان نیز به صورت مستقل وجود دارند.

۲۱- کنشی فردی مثال بزید که با حضور اعضای خانواده به کنش اجتماعی تبدیل می شود؟ شنیدن

موسیقی در منزل وقتی تنها بودم کنش فردی محسوب می شود ولی وقتی پدر و مادرم به منزل آمدند باتفاق به شنیدن آن پرداختیم و حین شنیدن با ابراز هیجان بر کنش های یکدیگر تاثیر گذاشتیم.

۲۲- کنشی مثال بزید که حضور دیگران در چگونگی اجرای آن موثر باشد؟

چگونگی اجرای نماز فرادای بانماز جماعت تفاوت دارد. زیرا در نماز جماعت به علت هماهنگی با امام جماعت زمان ادای نماز تحت کنترل فرد نیست.

۲۳- در فضای اجتماعی کلاستان چه رابطه ای بین آرمان های اجتماعی، ارزش ها، هنجارها و کنش های

اجتماعی وجود دارد؟ آرمان علم آموزی ما با ارزش تفکر و هنجار سکوت در کلاس مطابقت دارد و موجب می شود حین تدریس معلم به دانش آموزان دیگر اجازه ی صحبت غیردرسی ندهیم.

۲۴- هنجار ها و ارزش ها با نقش های اجتماعی چه رابطه ای دارند؟ هر نقشی مجموعه ای از انتظارات و حقوقی

است که متناسب با ارزش ها و مقررات جامعه تعریف می شود و اگر ارزش های جامعه تغییر کند مقررات و نقش های اجتماعی تغییر میکند. بنابراین یک نقش در دو جامعه ممکن است وظایف و حقوق متفاوتی داشته باشد.

۲۵- آیا ممکن است هنجار های نقشی در دو جامعه ی متفاوت یکسان باشد؟ بله، برخی از ارزش ها جنبه ی جهانی

دارند بنابراین صرف نظر از تفاوت های اجتماعی تمام جوامع از آن هنجار پیروی می کنند. مانند نظم و ترتیب

۲۶- در چه صورتی ممکن است هنجاری نا به هنجار شمرده شود؟

در صورتی که ارزش های دو جامعه متفاوت باشند ممکن است هنجاری در یکی از آن ها بهنجار و در جامعه ی دیگر نا بهنجار باشد مانند حجاب و برخی از مواد خوراکی. (رعایت حجاب چادر و مقنعه در ایران هنجار و در اروپا نا بهنجار است).

۲۷- تا چه سطحی جامعه حاضر به کنترل اجتماعی هنجار است؟

هرچه ارزشی در جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار باشد هنجار های آن بیشتر کنترل می شود و در صورت هنجار شکنی مجازات بیشتری به دنبال دارد.

۲۸- نظامی مثال بزید که هنجار ها و کنش های اجتماعی آن با یکدیگر متناسب باشد؟

کلاس درس جامعه شناسی ما مقررات انضباطی خوبی دارد از جمله حین پاسخ گویی دانش آموزی دیگران صحبت نمی کنند.

۲۹- کنشی مثال بزید که جنبه اجتماعی داشته باشد و رفتار دیگران در آن تاثیر گذار

باشد؟ لباس پوشیدن برای خروج از منزل چون حضور دیگران موجب تغییر وضعیت ما می شود

۳۰- هنجارهای اجتماعی چه رابطه ای با کنش اجتماعی و ارزش های اجتماعی دارد؟

هنجارها شیوه های انجام کنش اجتماعی هستند و به کمک هنجارها به ارزش های اجتماعی می رسیم اگر ارزش ها عوض شوند هنجارها و کنش های اجتماعی تغییر می کند.

۳۱- هنجارها و ارزش های چه رابطه ای با نظام های اجتماعی و نقش های اجتماعی دارند؟

هر نظام اجتماعی از مجموعه ی نقش ها بوجود آمده است که این نقش ها بر اساس هنجارها و ارزش که با یکدیگر ارتباط برقرار می کند.

خلاصه درس ۳

جهان یعنی مجموعه های بزرگ مانند جهان طبیعت و جهان اجتماعی یعنی مجموعه پدیده های اجتماعی که در کنار یکدیگر در ارتباط هستند. می توان جهان اجتماعی را بایک ارگانیسم طبیعی مقایسه کرد. (شباهت، تفاوت) مثلاً جهان اجتماعی را با بدن یک انسان یا کوهستان مقایسه کرد.

شباهت: از اعضای (اجزاء) مختلف تشکیل شده اند. منظم اند.

تفاوت: در موجودات زنده عضویت و نظم تکوینی (غیر ارادی) و غیر آگاهانه است و تغییرات غیر ارادی و نا آگاهانه است. (در جهان اجتماعی عضویت و نظم ارادی و آگاهانه است و اعضا از تعریف نقش خود آگاه هستند. یعنی از وظایف و حقوق نقش شان آگاه اند.)

جهان اجتماعی اعتباری است. (یعنی توسط ذهن انسان ها اعتبار و معنا پیدا کرده است). بر مبنای آگاهی عمومی و مشترک شکل می گیرد. (از نسلی به نسل دیگر از طریق فرهنگ انتقال می یابد. ولی ارگانیسم غریزی و جسمی، حسی است و بیرون از ذهن انسان وجود دارد.)

فرهنگ مجموعه ای از آگاهی های مشترک و عمومی است که انسان ها را بایکدیگر ارتباط می دهد و جامعه را شکل می دهد. اگر فرهنگ جامعه حفظ نشود یا به نسل های بعدی منتقل نشود، آن جامعه دگرگون می شود. فرهنگ (مجموعه آگاهی ها، عقاید، باورها، ارزش های عمومی و مشترک انسان ها) از طریق جامعه پذیری به دیگران انتقال و آموزش داده می شود. تمام پدیده های اجتماعی متعلق به جهان اجتماعی اند. برخی از پدیده های طبیعی هم جزء جهان اجتماعی اند زیرا در کنش های اجتماعی تاثیر می گذارند. مثلاً خشکسالی و زلزله در کنش های اجتماعی تاثیر گذار هستند. یک کوه تا زمانی که در زندگی انسان ها تاثیر نداشته باشد صرفاً یک پدیده طبیعی است ولی زمانی که در زندگی انسان ها تاثیر گذار باشد یک

پدیده اجتماعی می شود. مثلاً کوه کلیمانجارو برای من یک پدیده طبیعی است ولی برای مردم اطراف آن کوه در آفریقا یک پدیده اجتماعی هم هست چون در زندگی روزمره مردم آنجا این کوه تاثیر دارد.

جهان اجتماعی و جهان طبیعی رابطه متقابل دارند. ما با رفتارمان بر طبیعت اثر می گذاریم. طبیعت نیز در زندگی ما تاثیر دارد.

جهان طبیعی ↔ جهان اجتماعی

موجودات ماورای طبیعی (مانند فرشتگان) نیز به واسطه تاثیری که بر کنش های اجتماعی دارند جزء جهان اجتماعی هستند. با ورود پدیده های جدید به جهان اجتماعی، جهان اجتماعی گسترش می یابد. مثلاً با کشفیات یا اختراعات جدید، شناخت ما، آگاهی های ما (جهان اجتماعی مان) بزرگ تر (گسترده تر) می شود. به همین خاطر جهان اجتماعی ما با یکدیگر متفاوت است. یکی آگاهی هایی دارد که دیگری ندارد. مسلماً جهان اجتماعی معلم و دانش آموز در یک سطح و وسعت قرار ندارند.

سوالات درس سه

۱- مفاهیم جهان و جهان اجتماعی را تعریف کنید: پاسخ: مجموعه های بزرگ جهان نامیده می شوند. مجموعه

پدیده های اجتماعی جهان اجتماعی را شکل می دهند.

۲- موجود زنده (ارگانیسم) با جهان اجتماعی چه شباهت هایی دارد؟ پاسخ: ۱- از اعضاء و اجزای متفاوتی تشکیل

شده اند. ۲- اجزا و اعضای هریک از آنها به یکدیگر وابسته اند. ۳- اعضای هریک برای حفظ بقای کل عملی انجام می

دهند. ۴- اعضای هریک دارای هدف، نظم و چینش خاصی هستند. ۵- تغییر هریک از اجزاء موجب تغییر سایر اجزاء می شود.

۳- موجود زنده (ارگانیسم) با جهان اجتماعی چه تفاوت هایی دارد؟ پاسخ: عضویت موجودات زنده و نظم آنها

تکوینی است (ارادی و آگاهانه نیست). ولی عضویت انسان ها در جهان اجتماعی با اراده و آگاهی همراه است و توسط

انسان ها قرارداد و اعتبار می یابد.

۴- یکی از ویژگی های مهم جهان اجتماعی چیست؟ پاسخ: نظم

۵- جهان اجتماعی با یک بازی گروهی چه شباهت هایی دارد؟ پاسخ: ۱- عضویت افراد مختلف ۲- تعریف نقش

ها توسط افراد ۳- وجود آگاهی مشترک بین اعضا ۴- آشنایی اعضا با مقررات، وظایف و انتظارات.

۶- جهان اجتماعی چگونه طی نسل ها تداوم می یابد؟ پاسخ: از طریق آموزش و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر

۷- فرهنگ چیست؟ پاسخ: آگاهی های مشترک که بر مبنای آن جهان اجتماعی و زندگی اجتماعی شکل می گیرد.

(مجموعه آگاهی ها، عقاید، باورها، ارزش های عمومی و مشترک انسان ها)

۸- جهان اجتماعی چگونه دگرگون می شود یا فرو می ریزد؟ پاسخ: هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ

کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد.

۹- چه بخش هایی از فرهنگ توسط خانواده منتقل می شود؟ پاسخ: بخش های غیر رسمی فرهنگ توسط خانواده

منتقل می شود.

- ۱۰- چه بخش هایی از فرهنگ توسط مدرسه منتقل می شود؟ پاسخ: بخش های رسمی فرهنگ توسط مدرسه انتقال می یابد.
- ۱۱- فرهنگ چگونه منتقل می شود؟ پاسخ: از طریق آموزش عقاید، ارزش ها، هنجارها، تکالیف نقش ها و انتظارات جامعه از نسل فعلی به نسل آینده
- ۱۲- جهان اجتماعی چگونه گسترش می یابد؟ پاسخ: ورود پدیده های طبیعی به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می شود.
- ۱۳- براساس چه معیاری پدیده های اجتماعی را از پدیده های غیر اجتماعی تشخیص دهیم؟ پاسخ: اراده، آگاهی و تاثیری که بر زندگی اجتماعی انسان دارد. پدیده ای که به شکلی در زندگی و کنش انسان ها تاثیر گذار باشد آن پدیده، اجتماعی است، هر چند ظاهراً طبیعی و مستقل از وجود آدمی باشد.
- ۱۴- چگونه یک پدیده ی طبیعی در جهان اجتماعی راه می یابد؟ پاسخ: وقتی یک پدیده ی طبیعی به نوعی زندگی اجتماعی انسان را تحت تاثیر خود قرار دهد و موجب ایجاد کنش ها و پیامدهای ارادی انسان ها شود.
- ۱۵- آیا جهان طبیعی بر جهان اجتماعی تاثیر گذار است؟ مثال بزنید. پاسخ: بله ممکن است پدیده های طبیعی انسان را به واکنش و تغییرات کنش وادارد. مثلاً وقوع زلزله موجب تغییرات گسترده در کنش ها، نقش ها و ارتباط های انسان ها بایکدیگر می شود.
- ۱۶- شناخت خداوند و جهان ماوراء چگونه بر جهان اجتماعی تاثیر می گذارد؟ پاسخ:
- ۱۷- آیا جهان اجتماعی بر جهان طبیعی تاثیر گذار است؟ مثال بزنید. پاسخ: بله انسان ها با کنش های خود به حفظ جهان طبیعی یا تخریب جهان طبیعی کمک می کنند.
- ۱۸- کلان ترین (بزرگ ترین) پدیده ی اجتماعی چیست؟ پاسخ: جهان اجتماعی
- ۱۹- هویت جهان اجتماعی بر چه مبنایی قرار دارد؟ پاسخ: جهان اجتماعی بر مبنای فرهنگ آن جامعه شکل می گیرد.
- ۲۰- منظور از پدیده های اعتباری چیست؟ مثال بزنید. پاسخ: پدیده هایی هستند که در ذهن انسان اعتباری یابند و توسط انسان ها به صورت یک قرارداد اجتماعی ایجاد می شوند. مثلاً پدیده های صلح، امنیت، آرامش، عدالت توسط انسان ها و قرارداد اجتماعی شکل می یابند.
- ۲۱- منظور از پدیده های تکوینی چیست؟ مثال بزنید. پاسخ: پدیده هایی که مستقل از ذهن و اعتبار انسان ها وجود دارند. وجود آنها با آگاهی و اراده انسان شکل نیافته است.
- ۲۲- آیا ممکن است پدیده های تکوینی به جهان اجتماعی راه یابند؟ مثال بزنید. پاسخ: بله اگر پدیده ای که خارج از اراده و آگاهی انسان شکل یافته در کنش های اجتماعی انسان موثر واقع شود به درون جهان اجتماعی انسان ها وارد شده است.

۲۳- پدیده ای طبیعی مثال بزنید که برای عده ای جنبه ی اجتماعی داشته باشد و برای عده ای جنبه

ی اجتماعی نداشته باشد. پاسخ: مثلا رودخانه می سی سی پی در آگاهی مردم شهرمان قرار ندارد و زندگی ما راتحت

تاثیر قرار نمی دهد ولی زندگی اجتماعی مردم کشور آمریکا راتحت تاثیر قرار می دهد و در جهان اجتماعی آنها وجود دارد.

۲۵- یکی از جهان های اجتماعی اطراف خود را با جهان طبیعی مقایسه کنید؟ پاسخ: همان طور که بدن آدمی از دستگاه

های مختلفی تشکیل شده و این دستگاه ها با یکدیگر رابطه متقابل دارند و هر کدام از اجزای کوچکتری تشکیل شده اند، جهان

اجتماعی اطراف من نیز از نظام ها و نهادهای کوچکتر اقتصادی، سیاسی، آموزشی و خانواده تشکیل شده و هر کدام از آن ها اجزای

کوچکتری دارند و هر یک از این خرده نظام ها با دیگری رابطه متقابل دارند و تغییر هر جز موجب تغییر سایر اجزا می شود.

۲۶- چگونه فرهنگ به ایجاد جهان اجتماعی می پردازد؟ پاسخ: فرهنگ شناخت های مشترکی است که موجب می شود

بر اساس آن افراد با یکدیگر رابطه برقرار کنند و هر بار ارتباط بین اشخاص باورهای مشترکی را ایجاد کند، فرهنگ هویت و آگاهی

مشترک جهان اجتماعی است.

۲۷- جهان اجتماعی دارای چه نوع ترکیب هایی از نظر روابط بین اعضاست؟ پاسخ: اجزای تشکیل دهنده ی جهان

اجتماعی یک رابطه ی مستقیم و رودر رو دارند که ترکیبی مکانیکی است ولی ارتباطی اعتباری و غیرمستقیم نیز بین آنهاست. مثلا

رابطه ای که با گذشتگان با آیندگان داریم.

۲۸- منظور از هویت اعتباری چیست؟ پاسخ: هر گروه اجتماعی مجموعه ویژگی هایی دارد که فراتر از ویژگی های تک تک

آنهاست و یک اعتبار جدید و ارادی است که به وجود می آید. مثلا کلاس درس فراتر از جمع فیزیکی عده ای از افراد است.

۲۹- چرا جهان اجتماعی اعتباری است؟ پاسخ: چون جهان اجتماعی با اراده، قرارداد و توافق جمعی به وجود می آید و هر فرد

بر اساس مزایا (حقوق) و تکالیف آن جهان اجتماعی عضو می شود.

۳۰- شیوه های انتقال فرهنگ توسط خانواده های گذشته با خانواده های امروز چه تفاوت هایی دارد؟ پاسخ:

خانواده های قدیم بخش عمده ی تولید و انتقال فرهنگ را بر عهده داشتند ولی امروز از طریق آموزش های رسمی، فناوری های

ارتباطی جدید و تنوع گروه های اجتماعی بخش کمی از فرهنگ توسط خانواده ها منتقل می شود.

۳۱- نظام اجتماعی چگونه شکل میگیرد؟ پاسخ: انسان ها به کمک یکدیگر روابط اعتباری به وجود می آورند تا یک نظام

اجتماعی شکل گیرد. مثلا افرادی از گوشه و کنار شهر قرداد هایی مانند: دانش آموزی، معلمی، مدیری و... به وجود می آورند تا نظام

اجتماعی مدرسه شکل گیرد.

۳۲- چگونه فرهنگ به ایجاد جهان اجتماعی می پردازد؟ پاسخ: فرهنگ موجب میشود انسان ها بتوانند با یکدیگر رابطه

برقرار کنند و از جمع ارتباطشان جهان اجتماعی شکل گیرد.

۳۳- چگونه فرهنگ انتقال می یابد؟ انتقال فرهنگ چه تأثیرات اجتماعی دارد؟ پاسخ: فرهنگ از نسلی به نسل دیگر از طریق

خانواده نظام آموزشی رسانه ها و گروه های اجتماعی انتقال میابد با انتقال فرهنگ جهان اجتماعی بازتولید میشود.

۳۴- پدیده ای طبیعی در شهرستان محل زندگی خود مثال بزنید که درون جهان اجتماعی مردم قرار

داشته باشد و دلیل ورود این پدیده به زندگی اجتماعی مردم را تجزیه و تحلیل کنید؟ پاسخ: مثال: رشته

کوه؛ چون با جلوه های دیدنی و زیبایی که دارد موجب جلب گردشگر به شهرستان شده و مشاغل جدید به وجود آورده است و سکونت گاه عده های از مردم شده است.

۳۵- جهان اجتماعی شما در حال حاضر با جهان اجتماعی پنج سال قبل زندگی تان چه تفاوت هایی

دارد؟ پاسخ: اینکه دوستان بیشتری دارم، نقش های اجتماعی جدید پذیرفته ام، وظایف و حقوق نقش هایم افزایش یافته

است روابط اجتماعی ام پیچیده تر شده است ف به ارزش های بیشتری اعتقاد دارم، هنجارهای بیشتری رعایت می کنم، ارتباط اجتماعی مجازی دارم، بر افزایشی اثر می گذارم و از افراد بیشتری اثر می پذیرم و در یک کلام جهان اجتماعی ام گسترده تر شده است.

۳۶- چگونه می توان پدیده های جهان طبیعی و فراطبیعی را جزء جهان اجتماعی به کار برد؟ پاسخ: پدیده ها تا

زمانی که در زندگی اجتماعی انسان ها اثر داشته باشند، و موجب ارتباط انسان ها شوند جزء جهان اجتماعی محسوب می شوند. مانند: جنگل ها، بیابان، فلزات (طبیعی) ایمان، آخرت، روح، افسانه (فراطبیعی)

۳۷- چرا بیابان ها و کوه ها می توانند در جهان اجتماعی قرار گیرند؟ پاسخ: چون این پدیده های طبیعی در

شکل روابط و کنش های اجتماعی بر نقش های اجتماعی و زندگی اجتماعی تأثیر گذار هستند، می توانند درون جهان اجتماعی قرار گیرند.

۳۸- پدیده های زلزله، خشکسالی و آب و هوا چگونه درون جهان اجتماعی قرار می گیرند؟ پاسخ: از جهتی که

موجب برقراری ارتباط انسان ها و تغییر شیوه ی زندگی مردم می شود، درون جهان اجتماعی می باشد.

۳۹- جهان اجتماعی چگونه بسط می یابد؟ پاسخ: انسان ها از طریق تجسم ذهنی و تحت تاثیر قرار گرفتن پدیده ها جهان

اجتماعی خود را گسترش می دهند مثلاً تا زمانی که انسان پدیده ی الکتریسیته را نمی شناخت جزء جهان اجتماعی او نبود.

۴۰- چرا شناخت خداوند و فرشتگان جزء جهان اجتماعی محسوب می شود؟ پاسخ: چون ارزش ها و آرمان های جهان

اجتماعی انسان ها را تغییر می دهد.

۴۱- قنات با آب و هوای ایران چه ارتباطی دارد و دارای چه ابعاد اجتماعی می باشد؟ پاسخ: باتوجه به نیمه بیابانی

بودن ایران و کمبود آب، ایرانیان قنات را ابداع کردند که در زندگی اجتماعی و روابط مردم تاثیر گذار بوده است. قنات در ایران

موجب شکل گیری شبکه ای از روابط اجتماعی و فرهنگ سخت کوشی، تعاونی و همیاری شده است.

۴۲- چگونه پدیده های گذشتگان و آیندگان درون جهان اجتماعی قرار می گیرند؟ چرا؟ پاسخ: عبرت گرفتن از

سرنوشت دیگران در زندگی اجتماعی ما تاثیر دارد. (گذشتگان) تلاش می کنیم مایه ی عبرت دیگران نشویم (پس با آیندگان ارتباط و تاثیر متقابل اجتماعی داریم).

خلاصه درس ۴

جهان اجتماعی از اجزای مختلفی (پدیده های اجتماعی) تشکیل شده است که این اجزا از نظر اندازه و دامنه در طیفی از خرد تا کلان تقسیم می شوند. برای مثال به ترتیب از خرد تا کلان: کلاس. مدرسه. اداره آموزش و پرورش. اداره کل. وزارت آموزش و پرورش. نظام آموزشی کشور. برای اینکه بهتر بتوانیم پدیده های اجتماعی را بررسی و تحلیل کنیم لازم است که آنها را در طیف طبقه بندی کنیم. مثلاً در بررسی مشکل تحصیلی یک دانش آموز: بررسی شود که جنبه شخصی و فردی دارد و خودش مقصر است که کم کاری کرده، یا مربوط به مدرسه است و کمبود های مدرسه مشکل ساز شده، یا مربوط به برنامه های اداره منطقه است که موجب افت تحصیلی و مشکلات درسی شده است یا در سطح کشوری کتاب های درسی و برنامه های سراسری در وضعیت درسی تاثیر داشته اند. گاهی همه این سطوح بر یکدیگر اثر می گذارند ولی باید در تحلیل جامعه شناسی همه این سطوح خرد تا کلان در نظر گرفته شود. (پس تقسیم بندی پدیده های اجتماعی به خرد تا کلان مفید است).

تمام پدیده های اجتماعی دارای معنا هستند. برخی بعد محسوس ترومادی تری (عینی) دارند، (مانند راه رفتن، ساختمان تجاری و...) برخی بعد ذهنی بیشتری دارند. (مانند فکر کردن، عقیده، ارزش) بعد ذهنی از اهمیت زیادی برخوردار است. (چون تا ذهن روشن نشود آگاهی و هویت شکل نمی گیرد).

لایه های جهان اجتماعی: لایه های سطحی: نقش حیاتی و اساسی ندارند. به آسانی تغییر می کنند. اثرات محدودی دارند. با حذف یا تغییر آنها تداوم جهان اجتماعی ادامه می یابد و تحولی صورت نمی گیرد. (مانند هنجارها و نمادها) مثلاً ممکن است یک خیابان امسال یک طرفه باشد سال بعد دو طرفه شود. پارسال صورتی مد لباس و کیف و کفش بوده باشد امسال آبی مد شود.

لایه های عمیق و بنیادین: به آسانی تغییر نمی کنند. اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می ریزد. اگر لایه های عمیق تغییر کند جامعه به جامعه ی دیگری تبدیل می شود و تاثیرات همه جانبه و فراگیر خواهد داشت. (عقاید و ارزش ها). مثلاً جامعه بت پرست جاهلی عربستان به جامعه نبوی پیامبر اسلام تبدیل می شود. عمیق ترین لایه: باور نسبت به اصل جهان است. هنجارها و نمادها بر مبنای و بر اساس ارزش ها و عقاید شکل می گیرند. و عقاید و ارزش ها بر مبنای نگاه به اصل جهان (یعنی اگر در اصل جهان خدا را حاکم دیدی تمام ارزش ها و هنجارها راهم بر همین اساس الهی شکل می دهی و اگر خدا را ناظر ندانستی در هنجارها و ارزش ها هم عمل الهی نخواهی داشت).

نهادهای اجتماعی: مجموعه ای از عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادهایی که برای رفع نیازهای معینی در جهان اجتماعی به وجود می آیند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبولی برای تامین نیازهای افراد دارد. مهم ترین نهادهای اجتماعی: خانواده، تعلیم

وتریبت، سیاست و اقتصاد. نهادها مرکز اصلی جهان اجتماعی اند. هر نهاد اجتماعی به ترتیب از لایه های عمیق به سطح دارای ۱- عقاید، ۲- ارزش ها، ۳- هنجارها، ۴- نمادها است. این چهار بخش بایکدیگر در ارتباط هستند. نهاد های اقتصاد، سیاست، خانواده، آموزش بایکدیگر تاثیر متقابل دارند. (اثر می گذارند و اثر می پذیرند)

سوالات درس ۴:

- ۱- **جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است؟** پاسخ: جهان اجتماعی از لایه های عمیق مانند فرهنگ، آرمان اجتماعی، عقاید و ارزشهای اجتماعی و لایه های سطحی مانند نمادها و هنجارها و مدها تشکیل شده است همچنین از منظری دیگر دارای ابعاد خرد یا کلان، ابعاد ذهنی و عینی است.
- ۲- **پدیده های اجتماعی را بر اساس چه مبانی می توان تفکیک کرد؟** پاسخ: ۱- بر اساس اندازه و دامنه (کلان و خرد و میانه ی این دو) ۲- ذهنی و عینی و میانه ی این دو ۳- لایه های عمیق و بنیادین و لایه های سطحی
- ۳- **پدیده های اجتماعی زیر بر اساس اندازه و دامنه به ترتیب از خرد به کلان تفکیک کنید: دانش آموز، مدرسه، کارخانه، فرهنگ، کشور، شهر، اداره، کتاب، حکومت، هنجار، کنش، نظام آموزشی**
خرد دانش آموز / کنش / کتاب / هنجار / مدرسه / اداره / کارخانه / شهر / نظام آموزشی / حکومت / فرهنگ / کشور ← کلان
۱- دانش آموز / کنش / کتاب / هنجار ۲- مدرسه / اداره / کارخانه ۳- شهر / نظام آموزشی / حکومت ۴- فرهنگ / کشور (نقش اجتماعی به عنوان یک پدیده ی اجتماعی در نظر گرفته می شود. مانند دانش آموز)
- ۴- **تقسیم بندی پدیده های اجتماعی به خرد و کلان چه فوایدی دارد؟** پدیده های اجتماعی اثرگذار و اثرپذیر هستند و وقتی آنها را بر اساس اندازه و دامنه تقسیم می کنیم بهتری توانیم نحوه ارتباط و تاثیر گذاری و تاثیر پذیری آنها را بررسی کنیم مثلاً یک پدیده مانند خودکشی در سطح فردی، موردی و خرد روی داده است یا در سطح اجتماعی بروز کرده است. یا پدیده ی بیکاری در سطح فردی بررسی می شود یا در سطح منطقه ای یا در سطح کشوری یا بین المللی. یا پدیده ی یادگیری و آموزش در سطح مدرسه یا منطقه یا استان یا کشور بررسی می شود و نحوه ارتباط و نظارت بین اجزاء از نظر دامنه و اندازه مورد توجه قرار می گیرد.
- ۵- **آیا تمام پدیده های اجتماعی هویتی معنایی و ذهنی دارند؟** پاسخ: بله تمام پدیده های اجتماعی در ذهن انسان اعتبار و هویت می یابند.
- ۶- **پدیده های اجتماعی زیر بر اساس بعد ذهنی و معنایی و بعد عینی (محسوس و مادی) تفکیک کنید: عشق، نظم، قوانین، فرهنگ، ارزش ها، هنجارها، موسیقی، لذت موسیقی، برنامه کلاسی، معرفت، تابلوهای رانندگی،**

عینی ← ذهنی

۴

۳

۲

۱

(تابلوها، برنامه کلاس) (هنجارها، موسیقی، قوانین) (فرهنگ) (نظم، ارزش ها، معرفت، لذت موسیقی، عشق)

۷- در جهان اجتماعی کدام یک از ابعاد عینی یا ذهنی پدیده های اجتماعی مهم تر هستند؟

چرا؟ پاسخ: پدیده های ذهنی مهم ترند. زیرا تا ذهن روشن نشود و آگاهی به وجود نیاید هویت، عمل و عینیت شکل نمی گیرد. ذهنیت فقط محسوس انسان است ولی عینیت در سایر موجودات نیز مشاهده می شود.

۸- آیا هم اجزای جهان اجتماعی از اهمیت یکسانی برخوردارند؟ خیر پدیده های ذهنی مهم ترند زیرا

تا پدیده ی ذهنی شکل نگیرد پدیده های عینی به وجود نمی آیند. تا آگاهی شکل نگیرد عملی عینیت نمی یابد. مثلاً تا نسبت به توانایی های خود آگاه نشویم حرکتی در جهت به کارگیری آنها نخواهیم داشت.

۹- منظور از لایه های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی چیست؟ مثال بزنید. پاسخ: بخش هایی از لایه های

جهان اجتماعی که تاثیر گذار و تعیین کننده اند لایه های عمیق هستند تاثيرات همه جانبه و فراگیر در جهان اجتماعی دارند و کمتر تغییر می کنند ولی اگر تغییر کنند با تغییر این لایه ها جهان اجتماعی نیز دگرگون می شود. مانند آرمان، عقاید و ارزش های اجتماعی یک جهان اجتماعی

۱۰- منظور از لایه های سطحی جهان اجتماعی چیست؟ مثال بزنید. پاسخ: لایه های سطحی جهان

اجتماعی تاثيرات محدودتری دارند، بیشتر تغییر می کنند و نقش حیاتی و اساسی در جهان اجتماعی ندارند مانند هنجارها، نمادها، مدها

۱۱- پدیده های اجتماعی زیر در کدام یک از لایه های عمیق یا سطحی جهان اجتماعی

قرار گرفته اند؟ ارزش ها، هنجارها، شیوه آشپزی، سبک معماری، فرهنگ، مقررات، عقاید، مدل لباس، مراسم خواستگاری، مراسم عزاداری، مدروز، جشن فارغ التحصیلی، سرود ملی پاسخ: (لایه های عمیق: ارزش ها، فرهنگ، عقاید) (لایه های سطحی: هنجارها، شیوه آشپزی، سبک معماری، مقررات، مدل لباس، مراسم خواستگاری و عزاداری، مدروز، سرود ملی و جشن فارغ التحصیلی)

۱۲- در چه صورتی جهان اجتماعی دچار تحول می شود؟ پاسخ: در صورتی که تغییر لایه های سطحی

به لایه های عمیق نفوذ کند و موجب تغییر بنیادین عقاید و ارزش های یک جامعه شود. (تغییر و تبدیل عقاید و ارزش های یک جامعه به عقاید و ارزش های دیگر)

۱۳- در عمیق ترین لایه های جهان اجتماعی کدام عقاید قرار دارد؟ پاسخ: عقاید مربوط به اصل جهان

و جایگاه انسان در آن. عقاید مربوط به مرگ و زندگی. عقاید مربوط به هستی شناسی

۱۴- نهاد اجتماعی را تعریف کنید: پاسخ: مجموعه ای از عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادهایی که برای رفع

نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی با شیوه قابل قبولی به وجود می آید.

۱۵- مفهوم نهادهای اجتماعی در چه صورتی معنایی یابند؟ پاسخ: وقتی اجزای لایه ای جهان اجتماعی

را در ارتباط با هم در نظر بگیریم و روابط بین لایه های اجتماعی را بررسی کنیم.

۱۶- نهادهای اجتماعی مهم هر جامعه را نام ببرید. پاسخ: خانواده، آموزش، سیاست، اقتصاد

۱۷-

برای هر کدام از نهادهای اجتماعی مهم جامعه چندنماد نام ببرید: پاسخ: برای خانواده حلقه

ازدواج، سند ازدواج، جهیزیه، دسته گل عروس نماد محسوب می شوند. برای نهاد تعلیم و تربیت (نهاد آموزشی) برنامه کلاس، دفتر و قلم و امتحانات، نمره، زنگ مدرسه نماد محسوب می شوند. برای نهاد اقتصاد: پول، اسناد بانکی، نمودارهای عرضه و تقاضا و... شاخص ها و متغیرهای اقتصادی نماد محسوب می شوند. برای نهاد سیاست: پرچم و عکس رهبران و سرود ملی نماد محسوب می شوند.

۱۸-

هر کدام از نهادهای اجتماعی مهم جامعه (خانواده، آموزش، اقتصاد و سیاست) برای جهان

اجتماعی که اثرات مهمی خواهند داشت؟ پاسخ: نهاد خانواده: تولید نسل (ایجاد نیروی انسانی)، جامعه پذیری. نهاد تعلیم و تربیت (آموزشی): جامعه پذیری، آموزش نیروی انسانی. نهاد اقتصاد: تامین نیازهای مادی، رفاه اقتصادی. نهاد سیاست: حفظ تعادل جهان اجتماعی کل، امنیت، برنامه ریزی و سیاست گذاری

۱۹-

چرا نهادهای اجتماعی در جهان های اجتماعی انواع متفاوتی دارند؟ پاسخ: چون نیازهای

هر جهان اجتماعی می تواند با نیازهای دیگر جوامع متفاوت باشد بنابراین نهادهایی هم به به وجود می آورند بایکدیگر متفاوت هستند.

۲۰- **پدیده های ذهنی، عینی، خرد و کلان از کلاس درس خود بنویسید؟**

بخاری کلاس: عینی خرد امتحان درسی: ذهنی خرد

کل کلاس: عینی کلان موفقیت تحصیلی: ذهنی کلان

۲۱- **مثالی بزنید که نشان دهد پدیده های مربوط به نهادهای خانواده، اقتصادی، سیاسی و آموزش بر یکدیگر**

تأثیر دارند؟

بر اساس تصمیم نهاد سیاسی دختر و پسر باید در محضر رسمی خطبه ی عقد خود را ثبت کنند تا خانواده تشکیل شود. نهاد خانواده با زاد ولد نیروی انسانی در اختیار نهاد آموزشی قرار می دهد تا با آموزش نیروی انسانی متخصص در اختیار نظام اقتصادی قرار گیرد و نهاد اقتصادی با پرداخت مالیات بودجه ی نظام سیاسی را تامین کند و نهاد سیاسی بر فعالیت های دیگر نهادها نظارت می کند.

۲۲- **تغییر لایه های جهان اجتماعی در زندگی مردم چه تاثیری دارد؟**

اگر لایه های سطحی فرهنگ تغییر کند روابط اجتماعی، عقاید و ارزش ها تغییر چندانی نخواهد داشت ولی اگر لایه های بنیادی و عمیق فرهنگ تغییر کنند (حذف شوند یا تبدیل شوند) کل جهان اجتماعی دگرگون می شود.

۲۳- **نماد ها چگونه بوجود می آیند و چگونه تغییر می کنند؟**

نماد ها نشانه هایی هستند که پیام ها ، مفاهیم و معانی را منتقل می کنند. بنابراین اگر شرایط محیطی و اجتماعی جامعه از نظر کمی و کیفی تغییر کنند. نماد ها هم تغییر می کنند و اگر این تغییرات ادامه دار باشند. به تدریج ارزش های جدیدی بوجود آمده و ارزش های قبلی تغییر می کند .

۲۴ - برای هر یک از نهاد های جامعه یک پدیده اجتماعی ذهنی و یک پدیده اجتماعی عینی بنویسید؟ ۱.

آموزشی : عینی : معلم. ذهنی : پیشرفت تحصیلی ۲. خانواده : عینی : پدر. ذهنی : میان : ارتباط اجتماعی ذهنی : عشق خانوادگی ۳. سیاسی : عینی : کلانتری . ذهنی : میان : سیاست گذاری. ذهنی : امنیت ۴. اقتصادی : عینی : پول . ذهنی : میان : عرضه ذهنی : بیت کوین

۲۵ - پدیده های اجتماعی را تقسیم بندی کنید؟ ۱. از نظر اندازه و دامنه (خرد و کلان) ۲. از نظر عینی و ذهنی (حسی و غیر حسی)

۲۶ چه برداشتی از مفهوم نماد دارید؟ نشانه هایی که به کمک آن معنی و مفهومی را منتقل می کنیم نماد می گویند. مثلا هیس به معنای ساکت بودن است.

۲۷ - پدیده های اجتماعی را نام ببرید که مربوط به هر یک از نهادهای اصلی جهان اجتماعی باشد. ۲۷

۱-نهاد خانواده که پدیده هایی مانند ازدواج ، طلاق ، مراسم خواستگاری ، تولد ، سالخوردگی و کودکی مربوط به آن ۲۸ است. ۲-نهاد سیاسی که پدیده های اجتماعی مانند امنیت ، عدالت ، نظم ، برخورداری از قانون ، سیاست گذاری و... مربوط به آن است ۳-نهاد آموزشی که پدیده های اجتماعی تعلیم و تربیت ، جامعه پذیری ، فرهنگ پذیری ، مدرک تحصیلی ، مدرسه ف دانشگاه ، امتحان ، کارنامه ی تحصیلی و... مربوط به آن می شود. ۴-نهاد اقتصادی که شامل تورم ، عرضه و تقاضا ، مبادله ی کالا ، بانکداری و... مربوط به آن می شود.

۲۸ - پدیده های اجتماعی از نظر اندازه و دامنه چگونه تقسیم می شوند؟ ۲۹

مثال بزنید. ۱-پدیده های اجتماعی خرد مانند هنجارها ، کنش های اجتماعی افراد ، گروه های کوچک ۲-پدیده های ۳۰ اجتماعی کلان که پدیده های بزرگ و وسیع را بررسی می کند مانند آرمان ها ، عقاید و فرهنگ ، سازمان ها ، ملت ، نظام اجتماعی کل ۳-پدیده هایی با دامنه ی متوسط که بین دو بخش قبلی قرار می گیرد مانند نظام های اجتماعی کوچک مانند خانواده

۳۱ - پدیده های اجتماعی از نظر هویت به چند دسته تقسیم می شوند؟ ۳۱

۱-عینی که محسوس و قابل دریافت حسی است مانند جنگ ، تصادف ، معماری ، لباس پوشیدن ، هدیه دادن و ... ۲-پدیده ۳۲ های ذهنی که بیشتر جنبه ی نامحسوس و درونی دارد مانند قانون ، عقاید ، آرمان ها ، ارزش ها ، فرهنگ و... (البته برخی از پدیده های اجتماعی بین این دو هستند یعنی هم جنبه های ذهنی و هم عینی دارند مانند اینترنت ، فرهنگ ، قوانین رقابت ، فناوری ، مد و صلح) (فرهنگ به دلیل میانه ذهنی و عینی قرارداد که بسیاری از مصادیق آن مانند شیوه های معماری ، پوشش و تغذیه و... مستقیما قابل رویت هستند و برخی مانند ارزش ها و عقاید و آرمان ها قابل دریافت عینی نیستند و کاملا ذهنی هستند.)

۳۲ - لایه های جهان اجتماعی به چند بخش تقسیم می شوند برای هر یک مثال بزنید. ۳۳

۱- لایه های عمیق و بنیادی جهان اجتماعی: لایه هایی هستند که در سطح کل جهان اجتماعی تأثیر گذار هستند و تأثیرشان 34 بسیار مهم و تعیین کننده است مانند نظام خانواده ، نظام تعیم و تربیت ، اصول دین ۲- لایه های سطحی جهان اجتماعی: لایه هایی هستند که نقش حیاتی و اساسی ندارند و امکان تغییر بیشتری دارند و در صورت تغییر یا حذف آنان تغییر عمده ای در جامعه به وجود نمی آید مانند آداب ازدواج ، مراسم به خاک سپاری مردگان ، لهجه ها و آداب محلی ، بازی های گروهی ، مراسم جشن تولد و ...

۳۳- چند نماد که در چند دهه ی اخیر در جامعه ی ایران بوجود آمده است را بنویسید.

نمادهای گفتاری و نوشتاری مانند گیر داده ، کیلیک کرده ، سه شده ، تابلو شده ، قزمیت ، پاچه خواری ، اشاره ی انگشت شصت، لایک،

خلاصه درس ۵:

جهان های اجتماعی یکسان نیستند. تنوع دارند. چون آگاهی ها و کنش ها متفاوت اند. جهان اجتماعی جمع جامعه و فرهنگ است. چون اراده و میزان آگاهی انسانها متفاوت است جهان های اجتماعی نیز متفاوت هستند. انسان ها در برابر فرهنگ انتقالی نسل قبل منفعل نیستند بلکه فعال اند. با اراده در آن تغییر ایجاد می کنند.

عقاید و ارزش های جهان اجتماعی (لایه های عمیق فرهنگ) و هنجارها و مقررات اجتماعی و نمادها (لایه های سطحی فرهنگ) در طول زمان تغییر می کنند. وقتی جامعه بت پرست جاهلی عربستان به جامعه اسلامی پیامبر تبدیل می شود جامعه عربستان دچار تغییرات بنیادین و عمیق شده است. وقتی مدها و نمادها در جامعه ما تغییر می کنند دچار تغییرات سطحی شده است.

همه جوامع سرنوشت یکسانی ندارند. تاریخ یکسانی ندارند. شبیه هم حرکت نمی کنند. البته جهان های اجتماعی برهم اثر می گذارند و ارتباط دارند ولی در طول هم نیستند یعنی همه به یک روش و راه ثابت حرکت نمی کنند.

برای حرکت و روند تغییرات جوامع دو الگو توسط جامعه شناسان مطرح شده است: ۱- الگوی حرکت و پیشرفت تک خطی (جهان های در طول هم): یعنی همه جهان های اجتماعی شبیه یکدیگرند و مسیر یکسانی را طی خواهند کرد. عقب مانده ها باید الگوی پیشرفته ها را در پیش بگیرند. همه جوامع در طول تاریخ شبیه هم حرکت و تغییر می کنند فقط برخی جوامع جلوترند و برخی عقب تر هستند. ۲- الگوی جهان های در عرض هم: یعنی جهان های اجتماعی متنوع اند و هر جهان اجتماعی ارزش ها و فرهنگ متناسب با خود را دارند و مسیرهای متفاوتی را طی می کنند. جوامع از روش و نوع حرکت یکسانی پیروی نمی کنند. مثلاً جوامع چین و هند و ایران و مصر از یکدیگر پیروی و روش یکسانی نداشته اند. در دیدگاه جهان های در عرض هم، جهان اجتماعی بادیگر جهان ها ارتباط فعال دارد و از تجارب آنها استفاده می کند بدون اینکه هویت خود را از دست بدهد. تجارب دیگران را بومی سازی می کند. (متناسب با شرایط خود تغییر میدهد).

سوالات درس ۵

۱- چرا جهان های اجتماعی انسان ها یکسان نیستند و متنوع اند؟ پاسخ: چون آگاهی ، نیازها و اراده انسان

ها متفاوت است ، ارزش ها، عقاید و فرهنگ های متفاوت به وجود می آید و چون فرهنگ ها متفاوت هستند جهان های اجتماعی هم متفاوت خواهند بود.

۲- جهان اجتماعی مثال بزنید که مبتنی بر تبعیض نژادی باشد؟ پاسخ: در گذشته در کشور آفریقای جنوبی

جهان اجتماعی برقرار بود که به آپارتاید می گفتند و در آن بین ساوان و سفیدپوستان بسیار تبعیض

وجود داشت. ۴ میلیون سفیدپوست از تمامی امکانات شغلی برتر و منافع مادی جامعه برخوردار بودند و ۲۰ میلیون سیاه پوست کارگرواز طبقات پایین جامعه محسوب می شدند. حتی پارک ها و سینماها به ورت ناعادلانه بین آنها تقسیم شده بود.

نمونه دیگر تبعیض نژادی در دوران جاهلیت پیش از اسلام در جامعه عرب نشین وجود داشت که قبیله هایی ثروت مند و حاکم و بقیه طوایف و مردم تحت ستم و سلطه طبقه حاکم ثروت مند بودند.

۳- تفاوت های میان جهان های اجتماعی بر چه نوع تفاوت و تغییراتی است؟ پاسخ: در جهان های

اجتماعی برخی از تغییرات به وجود می آید. گاهی تغییرات در لایه های سطحی جامعه (هنجارها، نمادها و مدها) به وجود می آید مثلاً در رابطه با قوانین اجرایی، تغییرات زبانی و لهجه، فعالیت های اقتصادی و آموزشی ولی گاهی تغییرات در لایه های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی (عقاید، ارزش ها) به وجود می آید. اگر لایه های عمیق و محوری جهان اجتماعی تغییر کند جهان اجتماعی، جهان دیگری خواهد شد.

۴- چند نمونه تاریخی از تغییرات جهان اجتماعی در نوع عمیق و نوع سطحی آن بنویسید. پاسخ:

مثلاً وقتی ارزش ها و عقاید بت پرستی در دوران جاهلیت عرب به توحید و عبادت پروردگار یکتا جهان اجتماعی جدید اسلامی شکل گرفت. یعنی به صورت بنیادین جهان اجتماعی قبلی دگرگون شد و جهان اجتماعی جدیدی به وجود آمد. در لایه های سطحی به صورت مکرر و پیوسته تغییراتی به وجود می آید. نمونه آشکار آن تغییر نظام آموزشی است که هم اکنون دانش آموزان جدید آن راپایه دهم می نامند یا رشد اقتصادی، تولید کل، قیمت ها و... در یک جامعه هر سال نسبت به سال های دیگر افزایش یا کاهش می یابد و...

۵- آیا جهان های اجتماعی، تاریخ (سرنوشت و سرگذشت) یکسانی دارند؟ پاسخ: خیر، گذشته

اهداف، نیازها، سطح آگاهی و میزان اراده جوامع با یکدیگر متفاوت است.

۶- نگاه تک خطی به تاریخ بشر چگونه است؟ پاسخ: همه جوامع از راهی که طی می کنند شبیه

یکدیگر ندارند. همانطور که موجود زنده مراحل یکسانی را در رشد خود طی می کند و دوران

تولد، طفولیت، کودکی، نوجوانی... پیری را طی می کند، جوامع نیز دوران تولد، کودکی تا پیری را دنبال می کنند و همه یک مسیر را می گذرانند. همه جوامع در یک خط هستند فقط برخی جلوترند و برخی عقب تر. جوامع عقب تر باید از الگوهای جوامع جلوتر استفاده کنند تا از وضعیت کنونی خود جلوتر روند. (دیدگاه عده ای از جامعه شناسان)

۷- نگاه مردم شناسان به تفاوت های جهان های اجتماعی چگونه است؟ پاسخ: برخی از جمله عده ای

از مردم شناسان معتقدند که هر جهان اجتماعی فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می آورد و بر اساس آرمان ها و ارزش های خود دچار تحولات می شوند. برخی از فرهنگ ها مانند گارتروند و برخی پس از مدتی از بین می روند. هر جهان اجتماعی مسیر و راهی مخصوص خود را طی می کند مثلاً جهان اجتماعی غرب، جهان اجتماعی اسلام. جهان اجتماعی چین، جهان اجتماعی هند و...

۸- نظریه استعمار با نظریه سیر تک خطی جوامع چه ارتباطی دارد؟ پاسخ: کشورهای استعمارگر نظریه

سیر تک خطی جوامع را مطرح می کنند تا مردم این کشورها به فکرایجاد و انتخاب مسیری متفاوت در آینده خود نباشند و همچنان از آنها الگو بگیرند و ادامه دهند آنها باشند و تحت سلطه جوامع استعمارگر باقی بمانند.

۹- چگونه به تنوع جهان های اجتماعی پی می برید؟ هنگامی که جوامع مختلف در نقاط گوناگون جهان را با فرهنگ ها، ارزش ها، عقاید و هنجار های متفاوت مشاهده می کنیم.

۱۰- جهان اجتماعی ما با جهان اجتماعی گذشتگان در چه زمینه هایی متفاوت است؟ در ارزش ها، باورها، هنجار ها، نمادها، شناخت و اراده و کنش های اجتماعی متفاوت است.

۱۱- جهان اجتماعی چگونه پدید می آید؟ از طریق انسان های آگاه و خلاق که نسبت به فرهنگی که به آنها انتقال داده اند منفعل نیستند بلکه فعال، تاثیر گذار و خلاق هستند. معانی و شناخت های جدید به وجود می آورند. (مثلا پیامبر اسلام که جهان اسلام را به وجود آورد).

۱۲- ارزش های جهان اجتماعی اسلام را با ارزش های جامعه گروه تروریستی داعش مقایسه کنید؟ جهان اسلام بر مبنای عدالت، تقوا، برادری و برابری ولی گروه تروریستی حق حیات برای مخالفان قائل نیستند و دارای اندیشه های خودخواهانه، شیطانی، اساطیری و قوم مدارانه است.

۱۳- تهاجم فرهنگی به دنبال کدامیک از تغییرات جهان اجتماعی است؟ تهاجم فرهنگی به دنبال ایجاد تغییر در لایه های عمیق یک جهان اجتماعی است و تلاش می کند عناصر ثابت و محوری یک فرهنگ را تبدیل و تغییر دهد و هویت اصلی فرهنگ را نشانه می گیرد.

۱۴- جهان اجتماعی مدرنیته با جهان اجتماعی سنتی چه تفاوت هایی دارند؟ جوامع مدرنیته در لایه های سطحی به شدت به دنبال مد گرایی است و شیوه های معماری و پوشش و سایر جلوه های سبک زندگی شان با زندگی سنتی متفاوت است و لایه های عمیق و بنیادین این دو متفاوت است. مدرنیته به دنبال دنیا گرایی، جهانی شدن بوده است و جهان سنتی ارزش های معنوی را دنبال می کند.

۱۵- جهان اجتماعی مسیحیت در چه سطحی با یکدیگر تفاوت دارند. نمونه ذکر کنید؟ در لایه های سطحی مانند زبان و ادبیات، هنر، تغذیه، سرود ملی و نژاد با یکدیگر تفاوت دارند.

۱۶- چرا جهان اجتماعی با شکل های مختلف و فرهنگ های متفاوت وجود دارد؟ چون اراده و خواست

انسان ها با یکدیگر متفاوت است و ارزش ها و فرهنگ متفاوتی شکل می گیرد و شناخت انسان ها (معرفت) متفاوت می شود.

۱۷ - جهان اجتماعی چگونه شکل می گیرد؟ از طریق فرهنگ شیوه ی ارتباط شکل می گیرد وبا کنش گری فعال

انتقال میابد و جهان اجتماعی شکل می گیرد.

۱۸ جهان اجتماعی ممکن است دچار چه نوع تغییراتی شوند؟ ۱. تغییرات سطحی که درون جهان اجتماعی در

غالب هنجار ها و نماد ها و جنبه های ظاهری فرهنگ مانند : پوشش مسکن تغذیه و... به وجود می آید ۲. تغییرات

عمیقی که در آرمان عقاید و ارزش ها به وجود می آید و موجب می شود جهان اجتماعی را به جهان دیگر تبدیل

کند. مثلاً: تغییری که در فرهنگ باستانی ایران انجام شد و ایران را اسلامی کرد.

۱۹ - چه نوع معانی محوری برای جهان اسلام می توان تصور کرد؟ ۱. توحید ۲. نبوت ۳. معاد

۲۰ - چه نوع معنایی می توان برای جهان جاهلی برشمرد؟ ۱. شرک ۲. بت پرستی ۳. نگاه نژادی و قبیله ای

و اصالت خون و نصب و تعصبات قومی

۲۱-جهان اجتماعی انسانی را با جهان اجتماعی حیوان ها چه تفاوتی دارد؟ فعالیت های جمعی حیوانات غریزی ، غیر

ارادی ، ثابت و یکنواخت است ولی حرکت های اجتماعی انسان ها آگاهانه و ارادی است و زمان به زمان تغییر می کند.

۲۲-چرا انسان از نظر زیستی تقریباً شبیه به همدیگر هستند و لی از نظر اجتماعی متفاوت اند؟ چون انسان ها از نظر

زیستی تابع جهان طبیعی هستند (که ثابت است) ولی از نظر اجتماعی اراده و معانی انسان ها متفاوت است.

۲۳-سبب پیدایش جهان های مختلف اجتماعی چیست؟ آگاهی و فرهنگ انسان ها که از طریق آموزش و تربیت منتقل می

شوند متنوع است و انسان ها منفعل و بی اختیار نیستند.

۲۴ -جوامع غربی از نظریه ی تک خطی چه سوء استفاده ای می کنند؟ چون تمامی جوامع باید مسیری همچون

جوامع غربی را طی کنند با این تلقین آن ها را از خلاقیت و تغییرات اجتماعی بومی باز می دارند.

۲۵ - نمونه هایی از جهان های اجتماعی در عرض هم در ایران مثال بزنید.

تپه ی سیلک کاشان ، شهر سوخته ی سیستان ، تپه ی مارلیک و حسنلو هر یک مستقل از دیگری به شکوفایی رسیده اند .

۲۶ - چه دیدگاه هایی نسبت به رشد جوامع وجود دارد؟ ۱. جهان های اجتماعی در طول هم با نگاه تک خطی ۲.

جهان های اجتماعی در عرض هم

۲۷ برای جوامع در عرض هم مثال بزنید؟ جوامع اسلامی _ غربی _ چین و هند هر یک سابقه ی تمدن دارند ولی فرهنگ

آن ها از یکدیگر جداست با وجود ارتباطی که با یکدیگر دارند مستقل از یکدیگرند.

۲۸ -طبق نظریه ی تک خطی جوامع ، جوامع چگونه تکامل می یابند؟ طبق این نظریه همه ی جوامع در مسیر 28

مشابه و واحدی حرکت می کنند ، فقط ممکن است برخی پیشرفته تر و برخی عقب مانده تر باشند. فقط یک الگوس واحد

وجود دارد که همه ی ناگزیر هستند آن را طی کنند.

۲۹-نظریه استعمار چیست و محصول کدام از دیدگاه های پیشرفت حرکت جوامع است؟ کشورهای

غربی به نام ایجاد آبادانی برای جوامع غیر غربی ، منابع و امکانات جوامع غیر غربی را استثمار (بهره کشی) می کنند . این

نظریه پیرو الگوی رشد و حرکت جوامع به صورت تک خطی است تا بتوانند به این جوامع بقبولانند که شما این مسیر را ادامه بدهید تا در آینده همانند ما به توسعه برسید.

۳۰- جهان اجتماعی و فرهنگ مدرسه‌ی شما چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ فرهنگ و شیوه‌ی ارتباط ما، نمادها و پیام‌های ما را به وجود می‌آورد و ما به کمک آن جامعه‌ای به نام مدرسه را به وجود می‌آوریم. اگر ارتباط و زندگی مشترک نداشته باشیم جامعه‌یمان هم به وجود نمی‌آید.

۳۱- مصادیق فرهنگ شهر شما با فرهنگ دیگر شهرها چه تفاوت‌های دارد؟ نوع لباس و پوشش محلی، غذا‌های محلی، بازی‌های محلی، آداب و رسوم جشن‌های مردم شهرستان ما نشان می‌دهد که مصادیق فرهنگ ما با شهرهای دیگر فرق دارد.

۳۲- ویژگی فرهنگی که شهر شما را از دیگر شهرها متفاوت نشان می‌دهد چیست؟ آثار باستانی، پوشش محلی، لهجه‌ی مخصوص، صنایع دستی، عزاداری مخصوص، بازارهای گروهی و محلی

خلاصه درس ۶:

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده و کنش‌های افراد به وجود می‌آید ولی پس از تشکیل، پیامدها و الزام‌هایی ایجاد می‌کند — که وابسته به اراده تک تک افراد نیست و این پیامدها موقعیت‌های فرصت‌ساز یا محدودکننده‌ای برای افراد ایجاد می‌کند. هر جامعه بنا بر سطح آگاهی خود، به اعضا فرصت‌هایی می‌دهد و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. هیچ جامعه‌ی بدون — محدودیت نیست. فرصت‌ها و محدودیت‌ها دوروی یک سکه‌اند. هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت افراد پابرجا است، پیامدهای آن نیز باقی است. قوانین رانندگی که توسط انسان‌ها وضع شده است محدودیت‌هایی برای عبور و مرور ماشین‌ها و عابرین پیاده ایجاد می‌کند و از هر مسیر و به شکلی که افرادی خواهند نمی‌توانند حرکت کنند ولی در عوض فرصت تردد سالم و با امنیت را برایشان ایجاد می‌کند. هر زبان و ادبیاتی نیز محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای انتقال معانی و ایجاد ارتباط دارد. مثلاً گاهی یک ضرب‌المثل می‌تواند حجم زیادی از مطالب را به ذهن انسان انتقال دهد و فرصت‌های خوبی برای تبادل اندیشه‌ها فراهم می‌کند و گاهی برخی کلمات و جملات ممکن است ذهن انسان را از موضوعی منحرف کند و انسان دچار گیجی شود و از اصل مطلب دور شود. که این می‌تواند محدودیت باشد.

شیوه زندگی انسان و جهان اجتماعی او متناسب با نیازها، اراده و سطح آگاهی‌اش تغییر می‌کند. (فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع متفاوتند). با تولد عضو جهان اجتماعی می‌شویم که قبل از ما توسط گذشتگان ایجاد شده ولی در برابر این جهان منفعل نیستیم و با اراده و آگاهی آن را گسترش یا تغییر می‌دهیم. (البته گاهی جهان اجتماعی نسبت به این تغییر مقاومت می‌کند).

جهان اجتماعی تا زمانی پابرجاست که مشارکت اجتماعی وجود دارد. —

هر جهان اجتماعی عقاید و ارزش‌ها و فرصت یا محدودیت‌های خاص خود دارد که براساس آن می‌توان به ارزیابی آنها پرداخت.

برخی استعداد‌های معنوی را نادیده می‌گیرند (فرصت نمی‌دهند). برخی نیازهای مادی و دنیوی را نادیده می‌گیرند. —

فرصت‌ها شکلی از حقوق هستند و محدودیت‌ها شکلی تکلیف و وظیفه هستند. —

- جهان متجدد، جهان غرب بعد از عصر رنسانس (حدود ۴۰۰ سال پیش که کم کم صنعتی شد) است این جهان متجدد که — دارای فرهنگ سکولار است دارای ویژگی هایی است که عبارت اند از: ۱- عقاید و ارزش ها فقط مربوط به این جهان مادی اند ۲- همه ظرفیت های انسان در خدمت دنیا به کار گرفته می شود. ۳- معنویت فراموش می شود.
- ارزش های جهان معنوی توحیدی: اعتقاد به خدای واحد است. جهان معنوی اساطیری: اعتقاد به چندین خداوند و قدرت های فوق طبیعی مثل سحر و جادو (یعنی از توحید و یگانگی خداوند انحراف پیدا کرده اند.) است.
- ماکس وبر جامعه شناس آلمانی ویژگی های جهان متجدد را این گونه برمی شمارد: ۱- رویکرد دنیوی (سکولار) و این — جهانی یعنی فقط یک جهان مادی، قابل حس و تجربه را قبول دارند. ۲- بسط و توسعه عقلانیت ابزاری، یعنی از طریق عقل و تجربه و حس بتوانند بر طبیعت تسلط پیدا کنند و طبیعت را پیش بینی و کنترل کنند. به این نوع از عقلانیت، عقلانیت مدرن نیز گفته می شود. در این نوع عقلانیت هر چه توسط حس و تجربه اثبات و اندازه گیری شود علم است. ۳- زوال عقلانیت ذاتی یعنی ارزش ها و اهداف معنوی انسان ها اهمیت خودشان را از دست می دهند. (عقلانیت ذاتی اهداف معنوی زندگی انسان را شکل می دهد و معیارهایی برای اخلاق، دوستی، انسانیت، وفاداری و... است.) با کمک عقلانیت ذاتی می توانیم ارزش های جوامع مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم یعنی داوری ارزشی انجام دهیم. اگر عقلانیت ذاتی از بین برود امکان داوری ارزشی نیز از بین می رود. ۴- کنار رفتن قداست و پدیده های مقدس یعنی وقتی عقلانیت ذاتی زوال پیدا کرد دیگر هیچ پدیده ای در جامعه نزد مردم مقدس و فرا انسانی و الهی نخواهد بود. (به این ویژگی تقدس زدایی گفته می شود.) ۵- غلبه کنش های عقلانی به سمت اهداف دنیوی و مادی (کنار رفتن معیارهای اخلاقی و انسانی و الهی و صرفاً به عناصری توجه می شود که در اختیار و کنترل بشرند.) ۶- قفس آهنین یعنی انسان اسیر دست ساخته های خودش بشود به گونه ای که اختیار و آزادی و آرامش انسان را برهم بزند.

سوالات درس ۶

- ۱- آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟ پاسخ: جهان اجتماعی در ابتدا جهت تشکیل خود تابع اراده افراد به وجود آورنده خود است ولی پس از ایجاد جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد نیست و پیامدهای الزامی (فرصت ها و محدودیت هایی) برای اعضای خود به وجود می آورد.
- ۲- آیا پیشینیان در ساختن جهان اجتماعی ما تاثیر گذار هستند؟ پاسخ: بله بخشی از جهان اجتماعی کنونی ما ساخته پیشینیان است و بخش هایی از آن را خودمان می سازیم.
- ۳- جهان اجتماعی چه پیامدهایی بر زندگی اجتماعی ما دارد؟ جهان اجتماعی موقعیت های جدیدی در قالب فرصت ها و محدودیت ها برای کنش ها و انتخاب های بعدی ما فراهم می کند.
- ۴- نیازمندی ساختن جهان اجتماعی جدید چیست؟ پیدایش و گسترش آگاهی و اراده های جدید
- ۵- تاچه زمانی پیامدهای جهان اجتماعی پابرجاست؟ تازمانی که مشارکت اجتماعی افراد در جامعه پابرجا باشد.

۶- آیا جهان اجتماعی به پیدایش و گسترش هر نوع آگاهی واراده ی نوین (جدید) در جامعه

اجازه بسط و توسعه می دهد؟ پاسخ: خیراگر این آگاهی های جدید خارج از چارچوب عقاید اصلی آن

جهان اجتماعی باشد اجازه بروز و بسط نمی یابد. مثلا در جامعه دینی اندیشه های ضد دینی و مادی گرایانه ممنوع هستند.

۷- پیامدهای اجتماعی فرصت سازند یا محدود کننده اند؟ پاسخ:

پیامدهای اجتماعی هم فرصت هستند و هم محدودیت. فرصت ها و محدودیت ها دوروی سکه هستند یکی از یکدیگر جدا نیستند. وقتی به چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی برمی خوریم از یک سو محدودیت است و ما را متوقف می کند ولی از سوی دیگر به طرف مقابل امکان می دهد تا با آرامش و سلامتی عبور کند و البته بعدا همین برای ما اتفاق خواهد افتاد پس هر محدودیتی فرصتی در درون خود دارد.

۸- رابطه فرصت ها و محدودیت های اجتماعی را در زبان و ادبیات توضیح دهید: پاسخ:

مملو از قواعد و پیچیدگی هایی هستند که یادگیری انها را محدود و سخت می کند ولی همین محدودیت و اجازه ندادن به هر شکل تلفظ کردن و گفتار فرصت انتقال معانی پیچیده و برقراری ارتباط مناسب را به ما می دهد.

۹- آیا جهان های اجتماعی به صورت یکسان به انسان ها فرصت و محدودیت می دهند؟

پاسخ: خیر هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش های خود (لایه های عمیق) افق ها و ظرفیت های جدیدی برای انسان فراهم می کنند و ممکن است برخی از توانمندی های بشر را نادیده بگیرند. مثلا جهان های متجدد توانایی های فکری و روحی بشر که جنبه معنوی، دینی، الهی دارد را نادیده می گیرند و به آنها اعتقاد ندارند و گاهی آنها را مسخره می کنند و اجازه حضور در جامعه را نمی دهند.

۱۰- نمونه ای از فرصت ها و محدودیت های محیط خانواده خود بنویسید: پاسخ:

در محیط خانواده خود در برابر پدر و مادر و خواهر و برادرم وظیفه کمک کردن، همراهی، احترام، محبت کردن و... را دارم و متقابلا انتظار دارم که آنها نیز همین وظایف را انجام دهند. محدودیت هایی که برای اطرافیانم فرصت ساز است.

۱۱- جهان های اجتماعی معنوی و جهان های اجتماعی غیر معنوی را از نظر فرصت ها

و محدودیت های اجتماعی مقایسه کنید؟ پاسخ: جهان اجتماعی معنوی برای ارزش های دینی

و معنوی فرصت بروز و گسترش فراهم می کند و ارزش های مادی گرایانه و دنیوی را محدود می کند. در جوامع مادی و غیر دینی ارزش های دنیوی و مادی فرصت دارند و ارزش های معنوی محدود شده و به کناری گذاشته می شوند. مثلا رعایت حجاب در جامعه اسلامی تشویق می شود ولی در جوامع غیر دینی محدود می شود و افراد نمی توانند با حجاب اسلامی در برخی از اماکن حضور یابند.

۱۲- منظور از جهان متجدد چیست؟ پاسخ: جهان اجتماعی که در غرب پس از دوره رنسانس

در حدود ۴۰۰ سال پیش شکل گرفت. (دوره ای که علم گرایی، دنیا گرایی، مصرف گرایی، لذت گرایی گسترش بسیار یافت و اندیشه های دینی و معنوی کنار گذاشته شد).

۱۳- جهان متجدد بر اساس اندیشه های ماکس وبر دارای چه ویژگی هایی است؟۱-

رویکرد دنیوی (سکولار) و این جهانی یعنی فقط یک جهان مادی، قابل حس و تجربه را قبول دارند. ۲- بسط و توسعه عقلانیت ابزاری، یعنی از طریق عقل و تجربه و حس بتوانند بر طبیعت تسلط پیدا کنند و طبیعت را پیش بینی و کنترل کنند. به این نوع از عقلانیت، عقلانیت مدرن نیز گفته می شود. در این نوع عقلانیت هر چه توسط حس و تجربه اثبات و اندازه گیری شود علم است. ۳- زوال عقلانیت ذاتی یعنی ارزش ها و اهداف معنوی انسان ها اهمیت خودشان را از دست می دهند. (عقلانیت ذاتی اهداف معنوی زندگی انسان را شکل می دهد و معیارهایی برای اخلاق، دوستی، انسانیت، وفاداری و... است). با کمک عقلانیت ذاتی می توانیم ارزش های جوامع مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم یعنی داور ارزشی انجام دهیم. اگر عقلانیت ذاتی از بین برود امکان داور ارزشی نیز از بین می رود. ۴- کنار رفتن قداست و پدیده های مقدس یعنی وقتی عقلانیت ذاتی زوال پیدا کرد دیگر هیچ پدیده ای در جامعه نزد مردم مقدس و فرا انسانی و الهی نخواهد بود. (به این ویژگی تقدس زدایی گفته می شود). ۵- غلبه کنش های عقلانی به سمت اهداف دنیوی و مادی (کنار رفتن معیارهای اخلاقی و انسانی و الهی و صرفاً به عناصری توجه می شود که در اختیار و کنترل بشرند). ۶- قفس آهنین یعنی انسان اسیر دست ساخته های خودش بشود به گونه ای که اختیار و آزادی و آرامش انسان را برهم بزنند.

۱۲ - چگونه می توان جهانی جدید ساخت و آن را بسط داد؟ هر گاه فعالانه به کنش پردازیم و آگاهی و اراده را

گسترش دهیم یعنی بر مبنای عقاید و باور ها، قواعد، مقررات، هنجار ها و نماد را شکل دهیم جهان اجتماعی جدید ایجاد و گسترش می یابد زیرا پیامد های الزامی آن جهان، با مشارکت اجتماعی بوجود آمده است.

۱۳- چگونه یک جهان اجتماعی تغییر شکل می دهد؟ هر گاه پیامدهای الزامی و قواعد یک جهان اجتماعی تغییر کند،

شکل جهان اجتماعی تغییر می کند.

۱۴- خداوند در خصوص امکان تغییر شکل جهان اجتماعی چه می فرماید؟

(ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیر ما به انفسهم) سوره رعد آیه ۱۱

خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد تا آن که خود حال خود را تغییر دهند.

۱۵- پدیده های اعتباری مثال بزنید که فرصت ساز باشند؟ چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی به ظاهر محدودیتی است که

موجب فرصت عبور سالم را به افراد را می دهد.

۱۶- در جهان متجدد ماکس وبر کدام عقلانیت رو به افول و کدام عقلانیت رو به افزایش است. چرا؟

از آن جا که جهان متجدد بر مبنای حس و تجربه بنا شده است عقلانیت ابزاری در آن از مفاهیم کلیدی به حساب می آید ولی عقلانیت ما فوق حسی شناخته شده نیست و روبه زوال می رود.

۱۷- نمونه ای از قفس آهنین ماکس وبر در فضای اطراف خود بنویسید. فناوری های ارتباطی جدید برخلاف گسترش

ارتباطات و سهولت آن موجب ایجاد اعتیاد و اتلاف وقت برخی از افراد می شود.

۱۸- حجاب فرصت است یا محدودیت؟ چون از طریق آن می توان سلامتی جسم و روان را در جامعه ی آلوده ی کنونی حفظ

کرد فرصت محسوب می شود.

۱۹ - کدام یک از ویژگی های جهان متجدد فرصت (مثبت) و کدام یک محدودیت (منفی) است؟ توسعه ی

عقلانیت ابزاری و غلبه کنش های عقلانی معطوف به هدف فرصت ساز و مثبت اند ، ولی رویکرد این جهانی ، قفس آهنین و زوال عقلانیت ذاتی محدودیت اند و طرد عناصر مقدس اگر به معنای اگر به معنای کنار گذاشتن خرافات باشد مثبت است و اگر به معنای کنار گذاشتن عناصر فوق طبیعی جهان و مقدسات باشد ، محدودیت است .

۲۰- جهان اجتماعی با پیامدها و الزام ها چه رابطه ای دارد؟ جهان اجتماعی در آغاز با اراده و اعتبار انسان ها شکل می

گیرد ، ولی پس از تشکیل پیامدهای الزامی برای ما به دنبال دارد. مثلاً گروه دوستی را خودمان تشکیل می دهیم ولی پس از تشکیل باید معرفت و مردانگی گروه دوستی را رعایت کنیم

۲۱- چگونه ممکن است جهان اجتماعی دچار تغییر اجتماعی شود؟ زمانی که پیامدهای الزامی تغییر کند جهان اجتماعی نیز

تغییر می کند مثلاً در کشور تونس الزام اطاعت از حکومت تونس تغییر کرد ، نتیجه ی آن تغییر روابط اجتماعی و سیاسی جامعه شد.

خلاصه درس ۷

ارزش ها، راهنمای کنش های اجتماعی اند. وقتی به ارزش ها عمل کنند، ارزش ها به واقعیت تبدیل می شوند.

آرمان اجتماعی: به مجموعه اهداف و ارزش های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن

هستند. (تصور مطلوب اعضاء از وضعیت فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و...)

قلمرو آرمانی فرهنگ و جهان اجتماعی: ارزش هایی که مردم از آنها جانب داری می کنند و رعایت آنها را لازم می دانند ولی

در عمل ممکن است برخی از آنها نادیده گرفته شوند. (مانند اخلاص عمل و...) قلمرو واقعی فرهنگ و جهان اجتماعی: ارزش

هایی که مردم به آن عمل می کنند. (احترام به والدین و...) هدف برنامه ریزان فرهنگی: ورود هر چه بیشتر آرمان ها به

قلمرو واقعی جهان اجتماعی است. اگر مردم مطابق آرمان های خود عمل کنند فاصله ی میان قلمرو واقعی و آرمانی کاهش می

یابد.

مهم ترین آرمان ها و ارزش های جهان اسلام: عمل به حق و پرهیز از باطل است. عقایدی از جهان اجتماعی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و خرافی باشد باطل است. عقایدی که از نظر علمی صحیح و مطابق با فطرت انسان باشد، حق است.

ارزش های حق: اعتقاد به توحید، وفای به عهد، دفاع از عدالت و.. ارزش های باطل: ظلم، شرک، دنیا پرستی، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و.. حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی با علم متناسب با همان لایه شناخته می شود. حق و باطل بودن ارزش ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را باید با ابزار عقل و وحی شناخت نه با روش های علوم تجربی

جهان اجتماعی که علوم را فقط تجربی می دانند و عقل و وحی را روش معتبر علمی نمی دانند نمی توانند داوری ارزشی کنند. (از حق و باطل بودن ارزش ها سخن بگویند). و علوم اجتماعی که علم را به علوم تجربی محدود نمی کند و از عقل و وحی هم استفاده می کند می تواند ارزش های جوامع را مقایسه (داوری ارزشی) کند.

قلمرو پدیده ها در جهان های اجتماعی متفاوت هستند. یعنی یک پدیده ممکن است در یک جهان آرمانی باشد و در جهانی دیگر واقعی (مثلا امنیت، سیاست و..). دیدگاه جهان های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می کنند:

ما فقط می توانیم بودن یا نبودن این ارزش ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری ارزشی راهی نداریم.

آگاهی یا جهل، توجه یا عدم توجه مردم، ملاکی برای تشخیص حق یا باطل بودن ارزش، هنجار، کنش یا عقیده ای نیست.

اگر جوامع حق را شناسند و به آن عمل نکنند، از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی دارند.

حقایق خود ثابت اند ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند یعنی برای جهان های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد.

سوالات درس ۷

۱- **فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی را تعریف کنید.** بخشی از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند فرهنگ واقعی جامعه است. بخشی از فرهنگ که مردم از آن جانبداری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما به آن عمل نمی کنند فرهنگ آرمانی است.

۲- ملاک های تشخیص فرهنگ حق از باطل چیست؟

۱- قابل دفاع باشد ۲- مطابق فطرت و وحی باشد. ۳- از عقلانیت برخوردار باشد.

۳- در فرهنگ اسلامی مهم ترین ارزش های اجتماعی کدامند؟ ۱- عمل به حق ۲- پرهیز از باطل

۴- چگونه بخشی از فرهنگ آرمانی خارج از فرهنگ واقعی قرار می گیرد و بخش های داخل یک فرهنگ

آرمانی کدامند؟ با مثال تفسیر کنید. بخش هایی از فرهنگ آرمانی توسط مردم رعایت می شود و به آن عمل می کنند که

داخل فرهنگ واقعی است مثلاً خون ریزی نکردن و به ناحق خون نریختن که هم در فرهنگ واقعی و هم در فرهنگ آرمانی (یا احترام به والدین و...) اما بخش هایی از فرهنگ فقط آرمانی است و در عمل رعایت نمی شود یعنی خارج از فرهنگ واقعی است مثلاً غیبت نکردن و صرفه جویی و دروغ نگفتن که به صورت فرهنگ آرمانی است ولی در عمل اکثر مردم آن ها را رعایت نمی کنند.

۵- در چه صورتی ارزش ها به واقعیت تبدیل می شوند؟ پاسخ: وقتی مردم مطابق با ارزش ها عمل کنند.

۶- آیا تمام مردم به ارزش ها و آرمان های جامعه پای بند هستند و به آن عمل می کنند؟ پاسخ خیر برخی از مردم ارزش ها را در عمل رعایت نمی کنند. مثلاً در عمل به اخلاص اعتقاد ندارند.

۷- آرمان اجتماعی را تعریف کنید: به مجموعه اهداف و ارزش های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند. (تصور مطلوب اعضای یک جهان اجتماعی نسبت به فرهنگ و سیاست و اقتصاد و خانواده و....)

۸- دو ابزار مهم برای شناخت عقاید در ارزش ها چیست؟ ۱- عقل ۲- وحی

۹- حقیقت را با واقعیت مقایسه کنید. ۱- حقیقت خارج از وجود انسان است ولی واقعیت درون تصور انسان است. ۲- حقیقت پدیده ای ثابت است و تحت تأثیر قرار نمی گیرد ولی واقعیت پدیده ای است که در بیرون روی داده و تحت تأثیر قرار می گیرد.

۱۰- در چه صورتی جوامع فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارند؟ اگر جوامع به حقیقت ایمان نیاورند و بر اساس آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود به حقیقت و کنش هایی که بر اساس آن سازمان داده اند تغییر دهند فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارد.

۱۱- تعدادی از ارزش های فرهنگ باطل را نام ببرید. قدرت طلبی ، شرک ، نژادپرستی ، ثروت اندوزی ، انکار مبدأ الهی ، شقاوت ، تجاوز به حقوق دیگران ، دنیا پرستی ، ظلم ، بی عدالتی

۱۲- تعدادی از ارزش های فرهنگ حق را نام ببرید. دفاع از عدالت - حمایت از مظلومان - توحید - ربوبیت خداب سبحان نسب به همه ی مخلوقات - آزادی انسان ها و موانع سعادت.

۱۳- مدیران و برنامه ریزان فرهنگی جامعه از چه طریقی فرهنگ آرمانی را به عرصه ی فرهنگ واقعی وارد می کنند؟ از طریق تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر - استفاده بیشتر از افراد متخصص در عرصه ی رسانه ها - به مقتضیات زمان و مکان و نحوه ی ورود عناصر فرهنگی به جامعه توجه کنند - کمک به جامعه پذیری افراد جامعه

۱۴- کدام بخش از فرهنگ حق و کدام بخش باطل است؟ بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد باطل و بخش هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد حق است.

۱۵- نقش مدیران و برنامه ریزان فرهنگی در جامعه چیست؟ تلاش می کنند از طریق نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه فرهنگ واقعی فراهم آورند.

۱۶- چرا ماناچار به پذیرش حکمت الهی و وحی در تشخیص حق و باطل هستیم؟ چون عقلانیت ابزاری (حس و تجربه

مادی) نسبی و محدود است.

۱۷- کدام جوامع نمی توانند از حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها سخن بگویند؟ چرا؟ جوامعی که علم را محدود

به دانش تجربی و آزمون پذیری می دانند و عقل و وحی را به عنوان دو وسیله ی معرفت علمی معتبر نمی دانند و ارزش ها و عقاید

اجتماعی را صرفاً پدیده های تاریخی می دانند که ملاکی برای داوری نسبت به درست و غلط بودن آنها نداریم .

۱۸- چند نمونه از عناصر فرهنگ حق که در اغلب جوامع حضور دارد نام ببرید : وفای به عهد، راستگویی، پرستش

خدا، عدالت خواهی، گذشت ، رعایت پوشش، دفاع از مظلوم ، احترام به ممنوع، کمک به هم نوع ،

۱۹- چه تفاوتی بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق وجود دارد؟ حق یا باطل بودن فرهنگ (عقاید، ارزش ها ، هنجارها،

کنش ها) بر اساس آگاهی یا جهل، علاقه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی شود. ولی فرهنگ آرمانی با

اعتبار دادن و توجه مردم شکل می گیرد .

۲۰- عناصری از فرهنگ باطل که در فرهنگ آرمانی و واقعی ما وجود دارد را بنویسید: قبیله

گرایی ، تجمل گرایی ، پارتی بازی ، قدرت طلبی ، مال اندوزی ، خودخواهی ، برتری طلبی ، خودمحوری

۲۲- آیا حقیقت با عدم تایید مردم در جامعه باطل می شود؟ خیر اگر حقیقت به واقعیت درنیاید نشان دهنده ی باطل بودن

آن نیست. مقبولیت مردم نسبت به یک ارزش به معنای حقیقی بودن آن ارزش نیست.

۲۳- در چه صورتی حقیقت به حوزه فرهنگ واقعی راه پیدا می کند؟ در صورتی که جوامع عقاید و ارزش های حقیقی

را به عرصه فرهنگ آرمانی درآورند و سپس به انها شکل هنجار و کنش دهند (حقیقت را به ارزش و عمل درآورند). حقیقت به حوزه

ی فرهنگ واقعی راه پیدا می کند .

۲۴- چرا حقیقت در قلمرو واقعیت ثابت نیست؟ چون ممکن است حقیقت به صورت عقاید آرمانی و هنجارهای عملی (

فرهنگ واقعی) در نیامده باشد. جامعه ممکن است از حقیقت انحراف داشته باشد و به سوی باطل برود.

۲۵- آیا آرمان ها و ارزش های مردم ایران با هنجارهایی که به کار می گیرند مطابق و هماهنگ است؟

خیر مردم همواره به آنچه خوب و آرمانی می دانند عا نمی کنند. ارزش های مشترک عملیاتی و اجرا نمی شوند. مثلاً اخلاص ارزش

مشترک و پسندیده ی جامعه است که عمل کردن به آن توسط برخی از مردم ساده لوحی به حساب می آید.

۲۶- چگونه شما به عنوان یک دانش آموز و شهروند ایرانی می توانید آرمان های فرهنگی را به عرصه ی

فرهنگ واقعی وارد کنید. من به عنوان یک دانش آموز وقتی چیزی را خوب و آرمانی می دانم در عمل و رفتارهایم نشان دهم

و فاصله ی بین حرف و عمل را کم کنم فردی هستم که به نزدیک شدن فرهنگ آرمانی به فرهنگ واقعی جامعه کمک کرده ام .

اگر آنچه از معلمان و والدینم دریافت می کنم را عمل کنم به فرهنگ آرمانی واقعی شده ام پرداخته ام.

۲۷- اگر علوم اجتماعی محدود به معنای تجربی نباشد چه توانایی های پیدا می کند؟ داوری ارزشی انجام دهد. یعنی می تواند در مورد حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کند.

۲۸- اگر در جامعه ی محل زندگی شما فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی دچار تغییر شده است آن را توضیح دهید. در گذشته تحصیل دختران جنبه ی واقعی نداشته است و تحصیل فقط برای پسران مجاز شمرده می شد ولی امروز دختران نیز همانند پسران تحصیل می کنند فرهنگی که که آرمانی و درون فرهنگ آرمانی است.

۲۹- چرا ملاک حق و باطل بودن عقاید ، ارزش ها و کنش ها ، علاقه یا بی توجهی مردم جوامع نسبت به آنها نیست؟ علاقه یا بی توجهی مردم در قلمرو واقعیت است و تغییر پذیر ، ولی حقیقت ثابت است و ملاکی برای حقانیت یا باطل بودن ارزش هاست . انسان نمی تواند ملاک حقانیت را وضع کند ؛ خدا ملاک حقانیت و ملاک حق است.

۳۰ تلاش نهادهای فرهنگی در خصوص برنامه ریزی فرهنگی چگونه است؟ تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه ی فرهنگ واقعی فراهم می کند.

۳۱ ارزش های حق و باطل از چه جایگاهی برخوردارند؟ اغلب از ارزش های آرمانی تاریخ بشریت بوده اند و دو فرهنگ در سطح جهانی به وجود آورده اند. (فرهنگ حق و فرهنگ باطل)

۳۲ چرا خرافات را جزء فرهنگ باطل به حساب می آوریم؟ چون خرافات از نظر علمی صحیح و قابل دفاع نیست و با فطرت انسان مطابقت ندارد.

۳۳ در محیط زندگی خود ارزش های آرمانی مثال بزنید که بیرون فرهنگ واقعی باشند؟ اخلاص عمل ، نیکی به همه مخلوقات عالم ، شهر ما خانه ی ما

۳۴ چرا جوامعی که علم را محدود به علوم تجربی می دانند نمی توانند عقاید و ارزش های کلان دربارهی انسان و جهان را داوری کنند؟

چون از دو ابزار مهم شناخت عقاید یعنی عقل و وحی استفاده نمی کنند و ارزش ها و عقاید اجتماعی را پدیده های صرفاً تاریخی می دانند و صرفاً بودن یا نبودن آن ها را می شناسند و راهی برای داوری ندارند.

۳۵ ملاک حق یا باطل بودن ارزش ها و کنش های انسانی را چه چیزی تعیین می کند؟ حقیقت و مبدأ الهی

۳۶ ارزش هایی مثال بزنید که درستی و حقانیت آن ها با نظر آدمیان تغییر نمی کنند. عدالت ، آزادی ، توحید ، سعادت انسان ها

۳۷ ارزش های باطلی مثال بزنید که با موافقت آدمیان تغییر نمی کند و حقانیت نمی یابد. نژاد پرستی ، قدرت طلبی ، ثروت اندوزی ، شرک ، انکار مبدأ الهی ، برتر دانستن یک قوم

۴۰- چگونه بخشی از فرهنگ آرمانی خارج از فرهنگ واقعی قرار می گیرد و بخش های داخل یک فرهنگ آرمانی کدامند؟ با مثال تفسیر کنید. یخش هایی از فرهنگ آرمانی توسط مردم رعایت می شود و به آن عمل می کنند که داخل فرهنگ واقعی است مثلاً خون ریزی نکردن و به ناحق خون نریختن که هم در فرهنگ واقعی و هم در فرهنگ آرمانی (یا احترام به

والدین و...) اما بخش هایی از فرهنگ فقط آرمانی است و در عمل رعایت نمی شود یعنی خارج از فرهنگ واقعی است مثلاً غیبت نکردن و صرفه جویی و دروغ نگفتن که به صورت فرهنگ آرمانی است ولی در عمل اکثر مردم آن ها را رعایت نمی کنند.

۴۱-حقیقت را با واقعیت مقایسه کنید. ۱-حقیقت خارج از وجود انسان است ولی واقعیت درون تصور انسان است. ۲-حقیقت پدیده ای ثابت است و تحت تأثیر قرار نمی گیرد ولی واقعیت پدیده ای است که روی داده و تحت تأثیر قرار می گیرد.

۴۲-در چه صورتی جوامع فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارند؟ اگر جوامع به حقیقت ایمان نیاورند و بر اساس آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود به حقیقت و کنش هایی که براساس آن سازمان داده اند تغییر دهند فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارد.

خلاصه درس هشتم:

هویت پاسخی برای من کیستم، است. وجوه تمایزبخش مانسبت به دیگران. هویت ویژگی های فردی و اجتماعی دارد که در وجود فرد خود را نشان می دهد. هویت آگاهانه است ولی انسان ها همه هویت شان رانمی شناسند. هویت داشتن ویژگی های متعدد به صورت کل یکپارچه و واحد است. گاهی برخی از ویژگی ها و لایه های وجودی خودمان رانمی شناسیم (باید در موقعیت های مختلف قرار بگیریم تا ابعاد مختلف هویتی ما شکل بگیرد. مثلاً تا ما در فعالیت های ورزشی شرکت نکرده باشیم نمی توانیم بفهمیم که استعداد ورزشی خوبی داریم یا خیر)

بخشی از هویت مان ثابت است و بخش بزرگی از آن متغیر است که خودمان آنها رامی سازیم. بخشی فردی و بخشی اجتماعی است. برخی از ویژگی ها رابه ما نسبت می دهند و برخی را خودمان کسب می کنیم. هویت فردی دو بخش جسمانی و نفسانی (روانی) دارد. هویت فردی (با دو بخش جسمانی و روانی) با هویت اجتماعی رابطه متقابل دارند. هویت اجتماعی هر فرد درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد. در جهان اجتماعی اسلام هویت اجتماعی افراد بر مبنای تقوا، عدالت و علم ارزیابی می شوند. در جهان اجتماعی دینی، هویت افراد، براساس ارزش های دینی ارزیابی می شود. در جهان اجتماعی سرمایه داری، هویت افراد بر مبنای ثروت و توان اقتصادی ارزیابی می شود. در جهان اجتماعی قبیله ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله ای ارزیابی می شود.

بعد جسمانی هویت مان بر بعد نفسانی تأثیر می گذارد مثلاً وقتی گرسنه هستیم اعصاب مان خوب کار نمی کند. بعد نفسانی نیز بر بعد جسمانی مان تأثیر دارد. مثلاً وقتی غمگین هستیم اشتها به غذا نداریم. بعد جسمانی و طبیعت بر بعد اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر دارد مثلاً آب و هوای شمال یا جنوب کشور در فرهنگ لباس پوشیدن، غذا خوردن و خانه سازی مردم تأثیر می گذارد. بعد نفسانی و روانی نیز بر بعد اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر دارد. مثلاً قدرت روحانی و ذهنی پیامبر موجب به وجود آمدن یک جامعه و فرهنگ اسلامی شد. بعد اجتماعی و فرهنگی بر بعد جسمانی و طبیعت تأثیر دارد مثلاً زندگی اجتماعی انسان های امروزه سلامت جسمانی و طبیعت را تهدید می کند. بعد اجتماعی و فرهنگی بر بعد نفسانی و روانی انسان ها تأثیر دارد مثلاً زندگی در برخی از جوامع موجب پرخاشگر شدن یا افسردگی افراد می شود.

نگاه دنیوی جهان متجدد به طبیعت: هر دخل و تصرفی در طبیعت مجاز است برای بهره برداری بیشتر

نگاه جهان معنوی اسلام به طبیعت: طبیعت موجودی زنده و نشانه خداست. انسان در طبیعت خلیفه خداست تا با اراده خدا در آن آبادانی انجام دهد. هر جهان اجتماعی با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی سازگار است و به آن امکان رشد می دهد یا ناسازگار است و امکان رشد را تضعیف می کند.

ویژگی های فرهنگی جهان متجدد با ویژگی ای اخلاقی و معنوی سازگار نیست. (مثلاً رفاه طلبی و تجمل گرایی با قناعت و تقوا سازگار نیست.)

برای شناخت خود از دیگران (والدین، دوستان، مشاوران، روان شناسان، روان کاوان، جامعه شناسان، انسان شناسان، فیلسوفان) کمک می گیریم. در شناخت هویت نظریات متفاوت و امکان خطا وجود دارد.

سوالات درس هشتم:

۱- هویت چیست؟

به مجموعه ویژگی ها و خصوصیات هر فرد که خود را با آنها می شناسد هویت گفته می شود. وجوه تمایز بخش افراد نسبت به یکدیگر را هویت افرادی نامند.

۲- افراد در موقعیت های مختلف خود را چگونه معرفی می کنند؟

باهوش ؛ زرنگ ، تنبل ، بی نظم ، فهمیده ، بی مبالا ، کارمند ، سریع ، پزشک ، معلم و...

۳- انواع ویژگی های هویت را نام ببرید.

اکتسابی ، انتسابی ، ثابت ، متغیر ، فردی ، اجتماعی

۴- هر یک از ویژگی های هویتی ، انتسابی ، اکتسابی ، فردی ، اجتماعی ، ثابت و متغیر را با ذکر مثال توضیح دهید.

ویژگی هایی که در ایجاد آن موثر نبوده ایم پس از آن هم نمی توانیم در آن موثر باشیم ، ویژگی های انتسابی اند مانند پسر بودن ، دختر بودن ، پسر دایی ، دختر عمه ، متولد تهران ، سفید پوست ، سیاه پوست ، زشت بودن ، زیبا بودن ، آفریقایی تبار ، چینی تبار ایرانی ، یتیم ، نوجوان ، کودک

ویژگی هایی که در ایجاد آن ها موثر هستیم ویژگی های اکتسابی اند ، مانند: پدر ، مادر خوش اخلاق ، مهندس معلم ، کشاورز ، بخشنده ، خون گرم ، تنبل ، سر به هوا ، امین ، فهمیده ، وراج ، بی نظم ، وقت شناس

ویژگی هایی که شخصی و متعلق به یک فرد است، ویژگی های فردی هستند. مانند: مرد، زن، پسر، بچه، قدبلند، تپل، کله پوک، پزشک، قصاب، راست گو، زبل خان، باشخصیت، شوخ طبع

ویژگی هایی که بدون حضور در اجتماع به دست نمی آید، ویژگی های اجتماعی اند مانند: ایرانی، روستایی، شهری، رئیس جمهور، فوتبالیست.

ویژگی هایی که قابل تغییر نیستند را ویژگی های ثابت گویند مانند: پسر، دختر، زن، مرد، ایرانی الاصل، آمریکایی تبار، متولد تیرماه، سیاه پوست

ویژگی هایی که قابلیت تغییر در موقعیت های مختلف را دارند ویژگی های متغیر هستند مانند: دانشجو، دانش آموز، زرنک، کشاورز، معلم، مهربان، نماینده مجلس، رئیس جمهور، تاجر، معلم

۵-نسبت هویت فرهنگی و هویت اجتماعی را تحلیل کنید.

هویت فرهنگی مامجموعه ای از آرمان ها، ارزش ها، عقاید و باورهایی است که ما را از دیگران متمایز می سازد. هویت اجتماعی مجموعه ای از نقش ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی است که ما را نسبت به دیگران متمایز می سازد. هویت فرهنگی و هویت اجتماعی افراد دوروی شخصیت و هویت ما هستند. هویت اجتماعی ما در بستر هویت فرهنگی مان شکل می گیرد و بروز می کند. مثلاً یک پدر ایرانی مسلمان وظایف و تکالیف نقشش با یک پدر آمریکایی مسیحی متفاوت است.

۶-خودتان را از ابعاد مختلف هویتی معرفی کنید.

پسر، ۱۶ ساله، ایرانی زرنک، چاق، قد متوسط، درس خوان، شوخ، خوش اخلاق با مرام، ایرانی، نوجوان، شهری، پولدار

۷-در چه صورتی هویتی استمرار نخواهد داشت؟

در صورتی که همه ی ابعاد هویت انسان تغییر پیدا کند.

۸-آیا هویت افراد ابعاد تقریباً ثابتی دارد؟

هر فرد با آن که در طول زندگی خود تحولات و تغییرات بسیاری را پشت سر می گذارد می داند همان شخصی است که همه ی آن تغییرات را پذیرفته است مثلاً با وجودی که دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته ایم می دانیم همان فردی هستیم که الان ۴۰ ساله شده ایم.

۹-چرا هویت همواره ابعاد ثابتی دارد؟

چون با ورود تغییرات و تحولات زندگی ویژگی های ثابت ما تغییر نمی کنند. مثلاً مرد بودن، پسر حاج حسین بودن، ایرانی بودن، متولد ۱۳۵۰ بودن. متولد تهران بودن

۱۰- بخش آگاه (آشکار) و ناآگاه (پنهان) هویت را با ذکر مثال توضیح دهید.

هویت آشکار: بخشی از ویژگی های هویت ما، که آن را می شناسیم یا دیگران به آن پی می برند. مثلاً می دانیم که در دروس حفظ کردنی قوی تر از دروس محاسباتی و حل کردنی هستیم.

بخشی از هویت و ویژگی هایمان که از آن ها بی اطلاع هستیم هویت پنهان و ناشناخته ماست. مثلاً تا امروز نمی دانستیم که سریع ترین دوندۀ ی کلاس ولی با شرکت در مسابقه ی جمعی به این نکته پی بردم. شاید اگر در مسابقه شرکت نمی کردم هرگز به این موضوع پی نمی بردم.

۱۱- مادر کدام بخش از ویژگی های هویتی مان نقشی نداریم؟ ویژگی هایی که مربوط به مکان و زمان تولد است. ویژگی های جنسیتی (زن بودن، مرد بودن)

۱۲- مثالی بزنید که نشان دهد برخی از ویژگی های هویتی ما تغییر می کند؟ برخی از ویژگی های اجتماعی که مربوط به جایگاه و موقعیت اجتماعی است مانند هویت شغلی. برخی از ویژگی ها که مربوط به سن افراد است مثلاً کودکی، نوجوانی، جوانی و...

۱۳- ما درباره ی ویژگی هایمان که از وجودشان آگاه (واقف) نیستیم چگونه عمل می کنیم؟

تأمل می کنیم (فکر می کنیم) و گاهی از دیگران برای شناخت بهتر از خودمان کمک می گیریم و درباره ی نقاط قوت و ضعفمان آگاه می شویم. مثلاً نزد مشاوره، روان کاو، جامعه شناس، پزشک، روان شناس می رویم.

۱۴- جامعه شناسان و انسان شناسان درباره ی کدام ابعاد انسان بحث می کنند؟

درباره ی ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت انسان ها.

۱۵- وجود نظریات مختلف درباره هویت افراد نشان گر چیست؟

در شناخت هویتی خود و دیگران دچار خطا و اشتباه شده ایم.

۱۶- پیامبران و اولیای الهی درباره ی کدام ابعاد هویتی انسان ها سخن گفته اند؟

ابعاد الهی، فردی و اجتماعی انسان ها و غفلت و فراموشی از هویت حقیقی انسان ها

۱۷- مطالبی بیان کنید که نشان دهنده ی نظریات پیامبران الهی، فیلسوفان، روان شناسان، انسان شناسان و جامعه شناسان درباره ی غفلت و فراموشی انسان ها از هویت واقعی شان باشد.

نظر جامعه شناسان: غفلت از هویت ملی می تواند باعث تزلزل نظام اجتماعی شود. هویت اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و در عصر حاضر این انتقال با مشکل روبه روست.

نظر انسان شناسان: هویت فرهنگی کلید فهم نظام اجتماعی است و غفلت از هویت فرهنگی تهدیدی جدی برای جامعه است. هویت سردرگم و بحران زده نسبت به جامعه تعهدی ندارد.

نظر پیامبران: مردم خوابند وقتی می میرند بیدار می شوند (حضرت محمد صل الله علیه و آله)

حضرت امام حسین علیه السلام - در دعای عرفه: کسی که تو را یافت چه چیزی را گم کرد و کسی که تو را گم کرد چه چیزی را یافت.

انسان ظرفیت زیادی دارد و انسان می تواند خلیفه ی الهی در زمین باشد. باید با استفاده از تعلیمات الهی فطرت و سرشت خداشناسی را تقویت کرد، تابه خدا رسید.

نظر روان شناسان: فراموشی توانایی ها و شناخت انسان ها را کاهش می دهد و موجب بیگانگی از خود می شود. داشتن هویت موجب احساس ثبات درونی می شود.

نظر فیلسوفان: فراموشی و یکنواختی موجب بیگانگی از خود و بیگانگی از جامعه می شود به نحوی که فرد هویت جمعی و جایگاه اجتماعی خود را گم می کند. هرچه اعتباریات فردافزایش یابد خودشناسی و خداشناسی فردافزایش می یابد.

۱۸- در مراسم خواستگاری خانواده ی دختر و پسر در پی شناخت چه مواردی هستند؟

شناخت شغل - موقعیت خانوادگی، ویژگی های فردی (جسمانی، ظاهری و اخلاقی، روانی) یکدیگر هستند.

۱۹- انواع هویت فردی را با مثال توضیح دهید.

هویت فردی جسمانی که شامل مواردی از قبیل وزن، قد، گروه خونی، سال تولد، رنگ چشم، رنگ مو، تیپ و هیکل زنگ بدن، نوع مو می شود.

هویت فردی غیر جسمانی که شامل صفات اخلاقی و روانی به طور کلی نفس آدمی است مانند: پشت کار، دل گرمی، اخلاص، ایمان، شاکر بودن، تقوی، بی دینی، مهربانی، ترش رویی و عبوس، خیالاتی، عصبی، افسرده، مجنون، عابد، پرهیزکار، سخاوتمند.

۲۰- منظور از هویت اجتماعی چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

شناخت و هویتی که با حضور دیگران شکل می گیرد و جامعه قواعد آن را تعریف می کند. صفاتی که ریشه در جامعه و فرهنگ دارد و در جهان اجتماعی شکل می گیرد (هویتی که نشان دهنده نقش ها، هنجارها، وظایف و تکالیف اجتماعی و رفتارهای اجتماعی است). مثلاً پدر خانواده، دختر ارشد خانواده، پسر کوچک خانواده، مادر بزرگ، زن عمو، دایی، عمه

۲۱- چند نقش خانوادگی خود را نام برده و برای هریک وظایف (تکالیف) و حقوقی بنویسید.

فرزند ، دختر خانواده ، پسر خانواده ، برادر ، خواهر تکالیف : کمک به والدین ، کمک به خواهر و برادران ، احترام به گذاشتن اطاعت کردن ، همدلی با اعضای خانواده ، حقوق نقش :تأمین هزینه های زندگی توسط والدین ، تربیت صحیح ، نام نیکو داشتن ، مورد مشورت قرار گرفتن.

۲۲-ابعاد متمایز هویت انسان را نام ببرید: ابعاد جسمانی (بدن). ابعاد نفسانی (روانی، اخلاقی). ابعاد اجتماعی (نقشهایی که ایفا می کنیم و گروه هایی که عضو هستیم).

۲۳- آیا بخش های فردی و اجتماعی هویت با یکدیگر ارتباط دارند و بر هم اثر می گذارند؟

بله هر یک از این دو بر یکدیگر اثر می گذارند. جامعه در برابر ویژگی های فردی ما واکنش نشان می دهد و آن را تایید یا رد می کند. هویت فردی افراد هم در جامعه در روابط اجتماعی مردم تاثیر گذار است.

۲۴- بین ویژگی های جسمانی افراد و خصوصیات روانی افراد چه رابطه ای وجود دارد؟ در این رابطه مثال بزنید.

بین ویژگی های جسمانی و ویژگی های روانی رابطه ی متقابل وجود دارد و هر یک بر دیگران اثر می گذارد. بسیاری از بیماری های جسمانی سلامت روانی انسان را به خطر می اندازد مثلاً زیادی غده ی تیروئید موجب عصبانی شدن انسان و کم کاری غده تیروئید موجب تبلی فرد می شود و یا اضطراب ها ریشه در عوامل جسمانی دارند. همچنین با تقویت روحیه ی روانی می توان برخی بیماری ها را کاهش داد.

۲۵- تاثیر متقابل جهان اجتماعی و طبیعت (بدن انسان) را با ذکر مثال توضیح دهید.

محیط طبیعی و جغرافیایی بر مناسبات و روابط اجتماعی اثر می گذارد. شرایط طبیعی و خصوصیات بدنی انسان فرهنگ های مختلفی را شکل می دهد مثلاً آب و هوای مرطوب و گرم جنوب کشور در هنر موسیقی ، شیوه ی زندگی ، معماری ، شیوه ی غذا پختن و فعالیت های اقتصادی مردم اثر گذاشته است.

فعالیت ها و کنش های اجتماعی انسان ها هم موجب بهبود محیط زیست یا نابودی آن می شود مثلاً با فعالیت های کارخانه آب و هوا آلوده می شود.

۲۶- تاثیر متقابل جهان اجتماعی و ویژگی های انسانی و روانی افراد جامعه را تحلیل کنید.

این دو با یکدیگر تعامل و تاثیر متقابل دارند. خصوصیات روحی روانی افراد مسیر زندگی اجتماعی و تحولات فرهنگی تاریخی انسان را دگرگون می سازد مثل انسان های باتقوایی که جهان را تغییر می دهند یا انسان های با شقاوتی که جهانی را نابود می کنند. جهان اجتماعی هم در خصوصیات روحی افراد اثر می گذارد و امکان رشد برخی فضایل یا ردائل را از بین می برد یا افزایش می دهد.

۲۷- آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

خیر هر جهان اجتماعی براساس عقاید و آرمان ها و ارزش های خود هماهنگ باشد سازگار است.

۲۸- هر جهان اجتماعی بر چه اساسی شکل می گیرد؟ و چگونه سامان می یابد؟

هر جهان اجتماعی براساس عقاید ، آرمان ها و ارزش های کلان خود شکل می گیرد و براساس آن ها قواعد ، هنجارها نهادها و سازمان های جامعه سازمان می یابد.

۲۹- هویت اجتماعی هر فرد چگونه شکل می گیرد؟

هویت اجتماعی هر فرد براساس عقاید و ارزش های جهان اجتماعی که در آن زندگی می کند شکل می گیرد.

۳۰- در جامعه ی قبیله ای هویت جمعی افراد بر چه مبنایی مشخص می شود؟

بر مبنای جایگاه قبیله ی آن ها

۳۱- در جامعه ی سرمایه داری هویت اشخاص بر چه مبنایی شناخته می شود؟

بر مبنای ثروت و توان اقتصادی آن ها

۳۲- در جامعه ی دینی هویت جمعی افراد بر چه مبنایی قرار دارد؟

بر مدار ارزش هایی است که آن دین مقدم می شمارد. مثلاً اسلام در فرهنگ آرمانی خود هویت افراد را با علم ریال تقوی ، و عدالت ارزیابی می کند.

۳۳- نگاه جهان متجدد به طبیعت را با نگاه جهان معنوی مقایسه کنید.

جهان متجدد به طبیعت به عنوان یک ماده ی بی جان برای تصرف و خدمت گرفتن نگاه می شود و به دنبال بهره وری بیشتر از طبیعت است در جهان معنوی اسلام طبیعت موجودی زنده نشانه ی خداست و انسان به عنوان خلیفه ی خدا بر اساس اراده خدا تصرف در طبیعت دارد و حق ندارد مخالف اراده ی الهی در طبیعت و جسم خود تصرف کند.

۳۴- جهان اجتماعی چگونه زمینه ی پیدایش و رشد هویت را فراهم می سازد؟ با مثال توضیح دهید.

هر جهان اجتماعی با هویت اخلاقی و روانی خاصی سازگار است و زمینه ی پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر ویژگی ها و هویت را از بین می برد. مثلاً چون جهان متجدد دارای ارزش های دنیوی و مادی است در ورزش به اخلاق پهلوانی و مروت بهانمی دهد.

۳۵- جهان اجتماعی غرب چه نوع هویت اخلاقی و روانی را رشد می دهد؟

جهان غرب با رویکرد این جهانی خود با آن دسته از اوصاف (هویت) اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان ها و ارزش های دنیوی آن شکل می گیرند مثلاً دم غنیمت شماری، تبرج، تجمل گرایی، اخلاق قهرمانی

۳۶- جهان اجتماعی و دنیوی با چه نوع هویتی سازگار است و آن را رشد می دهد و با کدام هویت ناسازگار است؟

جهان غرب ارزش های دنیوی فرد گرایی، رفاه طلبی، تجمل گرایی و مال اندوزی را رشد و گسترش می دهد و جهان اجتماعی معنوی با ارزش های دنیوی سازگار نیست و ارزش های همچون قناعت و حیا و تقوا و خوف و رجای الهی را رشد و گسترش می دهد و با آنها سازگار است.

۳۷- اخلاق پهلوانی را با اخلاق قهرمانی در ورزش جهان مقایسه کنید.

ایثار- گذشت- مروت- تواضع- جوانمردی- انسانیت= اخلاق پهلوانی جهان اسلام که با ارزش قرب الهی (نزدیک شدن به خدا) و شکوفا شدن اخلاق هماهنگ است.

دلالتی، دوپینگ، سود، مدال و جایزه، معروف شدن، رتبه و تشویق، شهرت و فخر فروشی (تفاخر)= اخلاق قهرمانی جهان جدید که با ارزش های مادی و دنیوی هماهنگ است.

۳۸- اخلاق قهرمانی و اخلاق قهرمانی با کدام ارزش های اجتماعی تناسب دارند؟

اخلاق پهلوانی با ارزش های جهان معنوی سازگار است که باورهای معنوی در آن اولویت دارند و باورهای جسمانی در رده ی دوم هستند و وسیله ای برای ارزش های متعالی دینی اند. اخلاق قهرمانی با ارزش های جهان دنیوی سازگارند که در آن باورهای جسمانی مهم اند و هدف هستند نه وسیله

۳۹- منظور از خودآگاهی یا ناخودآگاهی در هویت چیست؟ بخشی از ویژگی های هویتی مان که آنها را می شناسیم و به

آنها پی برده ایم بخش خودآگاه ماست و بخشی از ویژگی های ما که هنوز نسبت به آنها آگاهی نداریم و بر ایمان پنهان است بخش ناخودآگاه می گوئیم.

۴۰- افراد چقدر خود و موقعیت شان را به درستی می شناسند؟ و شناخت خودآگاهی چه تاثیرات اجتماعی

دارد؟ کودکان شناخت کمتری از موقعیت اجتماعی دیگران دارند و هر چه ارتباطات اجتماعی افراد بیشتر شود شناخت نسبت به موقعیت اجتماعی دیگران هم افزایش می یابد. هر چه افراد بیشتر ویژگی های هویتی خود را بشناسند بهتر می توانند در جهان اجتماعی به ارتباط بپردازند. (متأسفانه در سطح جامعه افراد کمتر به خودشناسی دست می زنند).

خلاصه درس نهم:

هویت اجتماعی: شناختی که ما از موقعیت اجتماعی، جایگاه اجتماعی، نقش هایمان، انتظارات و حقوق مان در جامعه و گروه های اجتماعی داریم. هویت اجتماعی ما را تشکیل می دهد. هویت فرهنگی: شناختی که از عقاید، باورها و ارزش های اجتماعی جامعه ی خود داریم. هویت فرهنگی ما را تشکیل می دهد. جهان اجتماعی برای تداوم خود اعتقادات، ارزش ها و فرهنگ (شیوه زندگی) خود را به فرد آموزش می دهد، تا فرد با موقعیت اجتماعی و تکالیف و حقوقش آشنا شود و مشارکت اجتماعی پیدا کند. جامعه با آموزش های خود به ما کمک می کند تا هویت اجتماعی و هویت فرهنگی کسب کنیم.

اولین و مهم ترین آشنایی با جهان اجتماعی توسط خانواده صورت می گیرد سپس گروه همبازی ها، مدرسه، مجالس علمی و مذهبی و رسانه های جمعی

جامعه پذیری: فرایندی که برای مشارکت اجتماعی دنبال می شود و هویت اجتماعی را شکل می دهد. (انتقال شیوه زندگی از نسلی به نسل دیگر)

کژروی اجتماعی: رفتارهایی که برخلاف عقاید، ارزش ها و هنجارهای جامعه اند.

کنترل اجتماعی: فعالیت هایی که موجب پذیرش فرهنگ و انطباق با انتظارات جامعه می شود.

روش های کنترل کجروی های اجتماعی: تبلیغ و اقناع. تشویق و تنبیه (رسمی و غیررسمی)

اقناع: روشی برای درونی سازی فرهنگ است. هرچه فرهنگ با فطرت سازگارتر باشد از قدرت اقناعی بیشتری برخوردار است. فرهنگی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری داشته باشد و با فطرت انسان ها سازگارتر باشد از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند. تشویق و تنبیه رسمی توسط سازمان ها و موسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس، دادگاه و زندان ها صورت می گیرد و تشویق و تنبیه غیررسمی بیشتر توسط خانواده و همسالان و عموم مردم انجام می شود.

در جهان اجتماعی اسلام روش مناسب جامعه پذیری و کنترل اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر است. (به صورت تبلیغی، تشویقی یا تنبیهی گاهی رسمی و گاهی غیررسمی)

سوالات درس نهم:

۱- **جامعه پذیری را تعریف کنید:** به فرایند و مسیری که افراد برای مشارکت در زندگی اجتماعی و شکل گیری هویت اجتماعی طی می کنند جامعه پذیری می گویند. (به فرایند مشارکت اجتماعی جهت تکوین و شکل گیری هویت اجتماعی افراد جامعه پذیری می گویند).

۲- کنترل اجتماعی را تعریف کنید:

به مجموعه اقداماتی که برای پذیرش فرهنگ و منطبق کردن افراد با انتظارات جامعه انجام می شود کنترل اجتماعی می گویند.

۳- **آیا جامعه پذیری در جوامع مختلف شیوه واحد و ثابتی دارد یا متفاوت است؟** شیوه های جامعه پذیری جوامع مختلف متفاوت است. چون عوامل جامعه پذیری این جوامع بایکدیگر متفاوت است. خانواده، رسانه ها، مدارس و شیوه های آموزشی و میزان اهمیتشان متفاوت است. (میزان تاثیر گذاری و قدرت هریک از عوامل فوق در جوامع مختلف متفاوت است).

۴- **عواملی که افراد را جامعه پذیر می کند. نام ببرید:** خانواده، مدرسه و مراکز آموزشی، گروه همبازی و دوستان، رسانه ها، مجالس علمی و مذهبی

۵- **انسانها چگونه به موقعیت اجتماعی خود پی می برند؟ چگونه هویت اجتماعی خود را شکل می دهند؟** برخی از موقعیت های اجتماعی انتسابی اند (محل تولد، جنسیت) و برخی اکتسابی اند (معلم بودن، دانشجوی بودن و...) انسانها از طریق عضویت در گروه ها (خانواده، دوستان و...)، تعامل با دیگران، برعهده گرفتن نقش ها و فرایند جامعه پذیری نهادهای فرهنگی و آموزش این نهادها هویت اجتماعی شان شکل می گیرد.

۶- آیا فرایند جامعه پذیری همیشه با موفقیت انجام می شود؟ خیر انسان موجودی مختار است و می تواند از پذیرش عقاید، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سرباززند.

۷- اگر افراد از پذیرش ارزش ها و عقاید سرباززند چه پیامدهایی برای آن جامعه به دنبال خواهد داشت؟ جامعه از طریق شیوه های سه گانه (تبلیغ واقناع - تشویق و پاداش - تنبیه و مجازات) به کنترل اجتماعی می پردازد و در صورت عدم تاثیر هویت اجتماعی جامعه تغییر خواهد کرد.

۸- کژروی اجتماعی را تعریف کنید: رفتارهایی که برخلاف عقاید و ارزش ها و قواعد و هنجارهای جامعه می باشد.

۹- جامعه برای تداوم جامعه پذیری و پیش گیری و کنترل کجروی اجتماعی از چه روش هایی استفاده می کند؟ ۱- تبلیغ

واقناع یعنی از طریق نهادهای آموزشی و فرهنگی باورها و عقاید خود را تبلیغ می کند تا افراد اقناع شوند. (این شیوه قوی ترین روش است). ۲- تشویق و پاداش یعنی دادن پاداش به کسانی که مطابق ارزش های جامعه رفتار می کنند. ۳- تنبیه و مجازات یعنی منحرفین از ارزش های اجتماعی تنبیه می شوند. (کمترین قدرت را در بین سه شیوه فوق دارد).

۱۰- هویت و جامعه پذیری با کنترل اجتماعی چه رابطه ای دارند؟ افراد جامعه از طریق کنترل اجتماعی قواعد و ارزش های اجتماعی جامعه را می شناسند و خود را با آنها تطبیق می دهند و جامعه پذیر می شوند.

۱۱- اولین و مهم ترین نهادی که افراد را جامعه پذیر و دارای هویت اجتماعی می کند چیست؟ خانواده

۱۲- در جامعه برای جذب افراد به نقش هایی که اهمیت حیاتی تر دارند از جمله رشته ی پزشکی چه کارهایی انجام می شود؟ جامعه پاداش بیشتری از جمله منزلت اجتماعی بالاتر و امکانات مادی بیشتر به این نقش ها و رشته ها اختصاص دهد.

۱۳- برخی از کژروی های اجتماعی پزشکی را نام ببرید و راه های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید: انجام جراحی توسط پزشکان غیر متخصص، عدم تعهد نسبت به سلامتی جسمی و روحی بیماران، گرفتن هزینه های اضافی و دستمزد بالا، سقط جنین، جراحی های غیر متعارف و اشتباه، سهل انگاری، راه های کنترل و پیشگیری: ۱- تشویق پزشکان متعهد و کارا ۲- تنبیه پزشکان خطا کار (مثلا لغو پروانه پزشکی) ۳- تبلیغ زندگی اخروی و دنیوی توأم بایکدیگر ۴- تقبیح پول پرستی و نیاززدگی ۵- امر به معروف و نهی از منکر

۱۴- مسئولیت کدام مراتب امر به معروف و نهی از منکر همگانی است و کدام مراتب آن وظیفه ی نهادها و مراکز رسمی است؟ مراتب تبلیغ واقناع همگانی و عمومی است. تشویق گاهی همگانی و عمومی و گاهی توسط مراکز رسمی صورت می گیرد و تنبیه و مجازات فقط از طریق نهادها و مراکز رسمی صورت می گیرد.

۱۵- مراتب کنترل اجتماعی را نام ببرید: ۱- تبلیغ واقناع ۲- تشویق و پاداش ۳- تنبیه و مجازات

۱۶- آیا مراتب کنترل اجتماعی در همه جوامع دارای روش های یکسان است؟ خیر در جوامعی که فرهنگ آنها زمینه منطقی و عقلانی بیشتری دارد و با فطرت انسان سازگارتر است از اقناع بیشتر استفاده می شود. در جوامعی که ارزش های فرهنگی کمتر درونی شده باشند از تشویق و تنبیه استفاده می کنند. (به دو صورت رسمی و غیر رسمی)

۱۷- در کدام جوامع از روش اقناع در کنترل اجتماعی و پیشگیری استفاده می کنند؟ در جوامعی که زمینه ی منطقی و عقلانی بیشتر دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند.

۱۸- از طریق کدامیک از مراتب کنترل اجتماعی افراد فرهنگ را درونی می سازند ؟ از طریق اقناع

۱۹- در چه صورتی افراد رفتارهای متناسب با فرهنگ را بهتر انجام می دهند؟ در صورتی که قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد

۲۰- آیا تشویق و تنبیه نسبت به پدیده های مختلف فرهنگی یکسان انجام می شود ؟ خیر هر پدیده ی فرهنگی به میزان اهمیتی که دارد از تشویق یا تنبیه بیشتری برخوردار است .

۲۱- تشویق و تنبیه بیشتر در مورد چه کسانی به کار برده می شود ؟ در مورد کسانی که ارزش های فرهنگی را به میزان کمتری درونی کرده اند .

۲۲- تشویق و تنبیه به چه اشکال و صورت هایی انجام می شود ؟ ۱- شکل غیر رسمی که آثار عمیق تری دارند و توسط خانواده ، همسالان و عموم مردم جامعه انجام می شود . ۲- رسمی که بیشتر توسط سازمان ها و موسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس و دادگاه وزندان صورت می گیرد .

۲۳- در صورتی که جامعه و فرهنگ روش های مناسبی برای تبلیغ و تشویق و تنبیه نداشته باشند دچار چه وضعیتی می شوند؟ در معرض آسیب ها و ناهنجاری های بیشتری قرار می گیرند و دوام و بقای آنها تهدید می گردد.

۲۴- دو عنصر فرهنگی آموزه های اسلامی که در فرایندهای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارند را نام ببرید ؟ ۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر

۲۵- مراتب و روش های امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید ؟ ۱- روش های تبلیغی ۲- روش های تشویقی ۳- روش های تنبیهی

۲۶- رفتار حیوانات با رفتار انسان ها چه تفاوت اساسی دارند؟ رفتار حیوانات بر مبنای غریزه است ولی رفتارهای انسان بر مبنای آگاهی، معانی، اراده و فرهنگ است.

۲۷- جامعه پذیری و کنترل اجتماعی چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ برای تحقق جامعه پذیری نیازمند کنترل اجتماعی هستیم. بدون کنترل اجتماعی، جامعه پذیری به وجود نمی آید. یعنی باید مجموعه اقداماتی انجام دهیم تا بتوانیم افراد جامعه را به انطباق با فرهنگ جامعه وادار نماییم.

خلاصه درس دهم :

موقعیت اجتماعی: جایگاهی که فرد در جامعه یا گروه اجتماعی دارد. (باچه کسانی ارتباط دارد؟ چه انتظاراتی از اومی باشد؟...)

تغییر موقعیت اجتماعی ← تغییر هویت اجتماعی (یعنی با تغییر موقعیت اجتماعی، هویت اجتماعی ما تغییر می کند).

تحرك اجتماعی: جابه جایی موقعیت اجتماعی افراد در جامعه که به سه صورت صعودی، نزولی، افقی وجود دارد. جابه جایی به موقعیت بالاتر صعودی است. مثلا کارمندی به ریاست اداره اش برسد. تحرك نزولی یعنی جابه جایی به موقعیت پایین تر مثلا یک مدیر کل به کارمندی عادی شود. تحرك افقی وقتی که موقعیت تغییر کرده است ولی از نظر جایگاه اجتماعی بالاتر یا پایین تر نرفته است. مثلا کارمند اداره مخابرات کارش را تغییر بدهد و کارمند اداره ثبت احوال شود که تفاوتی در جایگاه وی به وجود نیامد است. در طبقه بندی تحرك اجتماعی گاهی یک فرد موقعیتش تغییر می کند مثلا قبلا کارگر

بوده والان مهندس شده است که این نوع تحرک صعودی درون نسلی می گویند یعنی فرد خودش را باخودش مقایسه می کند ولی گاهی تحرک میان نسلی است یعنی خودش با والدینش مقایسه می شود مثلاً پدرش کارگر بوده ولی پسرش مهندس می شود. (پس هر نوع تحرکی را ملاک رتبه بندی و تحرک اجتماعی و جایگاه اجتماعی افراد بیشتر تحت تاثیر شغل افراد است البته عوامل دیگری نیز مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام و.. وجود دارد که در کشورهای مختلف اثرات یکسانی ندارند و رتبه بندی مشاغل و ملاک های موقعیت اجتماعی در کشورهای مختلف یکسان نیست.

انسداد اجتماعی: مسدود بودن امکان تحرک اجتماعی صعودی. مثلاً در قرن گذشته در آمریکا و اروپا سیاه پوست تان نمی توانستند نماینده مجلس شوند. جامعه آپارتاید، سیاه پوستان را با انسداد اجتماعی مواجه کرده بود. یعنی امکان تحرک اجتماعی صعودی برای سیاه پوستان ایجاد نمی کرد. (جامعه آپارتاید، در کشور آفریقای جنوبی بود که چهار میلیون سفید پوست بریست میلیون سیاه پوست حکومت و کشورداری می کردند که با ۴۰ سال مبارزه رهبر سیاه پوستان (نلسون مندلا) به آزادی و برابری با سفید پوستان رسیدند.

فرهنگ هر جهان اجتماعی فرصت تغییراتی را در تحرک اجتماعی و جایگاه افراد می دهد و از برخی تغییرات جلوگیری می کند. مثلاً در یک جامعه دنیوی و سکولار از طریق عبادت و دین نمی شود اعتبار و جایگاه بهتری کسب کرد. یا در جامعه دینی و معنوی نمی توان ابعاد الهی و دینی را نفی کرد و جامعه با آن هویت ها برخورد می کند. محدوده ی تغییرات هویت اجتماعی در محدوده ی فرهنگ جامعه تعیین می شود.

جامعه تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید اساسی و بنیادین خودش باشد این تغییرات را می پذیرد و حتی تشویق هم می کند ولی اگر خارج از چارچوب عقیدتی و ارزشی جامعه باشد، این تغییرات را نمی پذیرد و با آن افراد برخورد می کند. مثلاً وقتی فردی در فعالیت اقتصادی یا آموزشی خود ابتکار و نوآوری به خرج می دهد چون با عقاید و ارزش های جامعه تعارضی ندارد مورد تشویق هم ممکن است قرار گیرد ولی افرادی که عقاید متضادی با عقاید جامعه بیان کنند در جامعه با آنها برخورد می شود مانند عقایدی که پیامبران در جامعه های بت پرست خود ارایه می کردند و مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند. یا برعکس در جامعه دینی فردی عقاید غیر توحیدی ارایه بدهد. (تعارض فرهنگی وقتی به وجود می آید که تغییرات هویتی و ارزشی خارج از مرزهای مقبول جامعه رخ دهد). تعارض فرهنگی گاهی از درون جامعه به وجود می آید مثلاً فرد یا افرادی عقاید جدیدی متفاوت با عقاید اساسی جامعه ارایه کنند و گاهی تعارض ناشی از ارتباط با دیگر جوامع است و در ارتباطات اجتماعی بین جوامع، عقایدی از دیگر کشورها وارد می شود و با عقاید اساسی جامعه تعارض ایجاد می کند.

سوالات درس دهم:

- ۱- **هویت های اجتماعی جدید (اکتسابی) چگونه شکل می گیرند؟** انسان ها پس از تولد و پذیرش هویت انتسابی خود به گونه ای فعال با محیط اجتماعی برخورد می کنند و به هویت اجتماعی اکتسابی دست می یابند.

۲- چگونه افراد به موقعیت های اجتماعی نوین دست می یابند؟ با کسب هویت های اجتماعی جدید به موقعیت های

اجتماعی نوین دست می یابند.

۳- **تحرك اجتماعی را تعريف كنيد :** جابه جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر

۴- **انواع تحرك اجتماعی را توضیح دهید و مثال بزنید :** - تحرك اجتماعی صعودی : باشغل جدید فرد از موقعیت اجتماعی

خود بالاتر رود مثلاً مدیر یک بخش مدیر کل شود. - تحرك اجتماعی نزولی : باشغل جدید موقعیت اجتماعی فرد پایین تر رود

مثلاً مدیر اداره از مدیریت عزل شود و به صورت کارمند عادی به کار ادامه دهد. - تحرك افقی : باشغل جدید موقعیت

اجتماعی فرد تغییر نکند مثلاً کارمندی از یک بخش اداره به بخش دیگری انتقال پیدا کند .

۵- **تحرك اجتماعی درون نسلی و تحرك اجتماعی میان نسلی را با ذکر مثال توضیح دهید .** وقتی فردی در طول زندگی و

فعالیت شغلی اش موقعیت اجتماعی اش تغییر کند تحرك اجتماعی درون نسلی داشته است. مثلاً تا ۴۰ سال پیش کارمند بوده

الان مدیر کل شده . وقتی موقعیت اجتماعی بین دو نسل تغییر کند تحرك اجتماعی میان نسلی است مثلاً پدرش کارمند بوده

ولی خودش مدیر کل شده است .

۶- **موقعیت اجتماعی افراد به جز شغل، تابع چه ملاک ها و عوامل دیگری می تواند قرار گیرد؟** علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام، نوآوری

و خلاقیت، ارتباطات اجتماعی و...

۷- **آیا افراد در جهانی که زندگی می کنند ، می توانند هر نوع هویت اجتماعی را به دست بیاورند؟ مثال بزنید:** خیر تحرك

اجتماعی در جوامع مختلف وابسته به فرصت هایی است که جامعه در اختیار افراد قرار می دهد. مثلاً معلولان جسمی در برخی

از مشاغل نمی توانند فعالیت کنند. در ایران زنان نمی توانند قاضی یا رئیس جمهور شوند.

۸- **بر چه اساسی جوامع برخی از تغییرات هویتی را تشویق و برخی را منع می نمایند؟** به تناسب عقاید و ارزش هایی که

دارند، برخی تغییرات و تحركات اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می نمایند.

۹- **منظور از فرصت های هویتی چیست ؟ مثال بزنید .** هر جامعه متناسب با عقاید و ارزش هایی که دارد برخی تغییرات هویتی

و تحركات اجتماعی را برای عده ای تشویق می کند و مجاز می داند مثلاً جامعه ای که بر اساس ارزش های نژادی شکل

گرفته صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرك اجتماعی صعودی فراهم می آورد و یا در جهان سکولار فعالیت هایی که

هویت دینی افراد را آشکار کند منع می شوند.

۱۰- **فرصت های هویتی در جامعه ای که بر اساس ارزش های نژادی شکل گرفته است چگونه است؟** صرفاً برای یک نژاد

خاص امکان تحرك اجتماعی صعودی فراهم می آورد.

۱۱- **فرصت های هویتی در جامعه ای که مناسبات و روابط آن بر مدار ارزش های اقتصادی شکل می گیرد چگونه است؟**

تحركات اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.

۱۲- **فرصت های هویتی برای تحركات اجتماعی در جامعه ای که بر مدار ارزش های دنیوی و این جهانی شکل گرفته است**

چگونه است؟ تحركات اجتماعی را در محدوده ی همان ارزش ها به رسمیت می شناسد.

۱۳- **در چه جوامعی امکان رای دادن به قوانین معنوی و الهی وجود ندارد؟** جوامع سکولار و دنیوی

۱۴- **در جوامع سکولار کدام فعالیت ها منع می شوند؟** فعالیت هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند. مثلا استفاده از حجاب در اماکن عمومی.

۱۵- **چرا در جوامع سکولار و دنیوی امکان رای دادن به قوانین معنوی والهی وجود ندارد؟** چون در این جهان فعالیت هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند منع می شوند.

۱۶- **در جهان دینی و معنوی کدام هویت ها به رسمیت شناخته نمی شوند؟** هویت هایی که ابعاد متعالی والهی انسان را نفی کنند

۱۷- **جامعه آپارتاید چگونه جامعه ای است؟** جامعه ای است که بر ارزش های تبعیض نژادی بین سیاهان و سفیدپوستان در کشور آفریقای جنوبی شکل گرفته بود. بسیاری از فرصت های هویتی اجتماعی و شغلی و امکانات اجتماعی و اقتصادی صرفا در اختیار سفیدپوستان قرار داشت. این نظام پس از مبارزات طولانی در سال ۱۹۹۱ کنار گذاشته شد.

۱۸- **عبارت رئیس جمهور امریکا "مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند" نشان دهنده ی چیست ؟** جامعه الجزایر باید همچنان هویت سکولار خود را حفظ کنند و در جامعه ی سکولار هویت دینی و نظام سیاسی دینی نباید جایگاهی داشته باشد.

۱۹- **در چه صورتی تغییرات هویتی مورد تشویق قرار می گیرند؟ چرا؟ مثال بزنید.** در صورتی که تغییرات هویتی و هویت جمعی در چارچوب عقاید و ارزش های اجتماعی کلان جامعه باشد. چون می تواند مستلزم گسترش و توسعه ی فرهنگ اجتماعی باشد. مثلا فردی که در یکی از عرصه های اجتماعی دست به نوآوری می زند و از این طریق موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقاء می بخشد. (یعنی کارآفرینی)

۲۰- **در چه صورتی تعارضات فرهنگی در جامعه به وجود می آید؟** اگر تغییرات هویتی از مرزهای مورد قبول یک فرهنگ فراتر رود و با شیوه هایی از زندگی و عقاید و ارزش های مقبول جامعه تقابل داشته باشد به تعارض فرهنگی منجر می شود.

۲۱- **تعارضات فرهنگی چه پیامدهایی به همراه دارد؟** اضطراب و نگرانی های اجتماعی فراوان

۲۲- **اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزش های جامعه نباشد و فراتر از فرصت هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد. چه اتفاقی می افتد؟** جامعه دچار تعارضات فرهنگی، اضطراب و نگرانی های اجتماعی فراوان می شود.

۲۳- **علل تعارضات فرهنگی در جامعه چیست ؟ مثال بزنید.** ۱- علل درونی: به نوآوری ها و فعالیت های افرادی که درون فرهنگ اجتماعی حضور دارند مثلا تعارض فرهنگی پیامبر با جامعه مشرک عرب ۲- علل بیرونی: تاثیرپذیری از فرهنگ های دیگر جوامع. مثلا بهار عرب در حال حاضر (جنبش های اخیر برخی از کشورهای عربی) یا مشروطه خواهی ایرانیان در دوره قاجار.

۲۴- **آیا هر نوع از ابداع و نوآوری و یا هر نوع مواجهه و اقتباس از فرهنگ های دیگر به تعارضات فرهنگی منجر می شود ؟ مثال بزنید.** خیر استفاده از وقت شناسی یا شیوه رانندگی غرب یا علم آموزی، اخذ فناوری، تشکیل مجلس که اقتباس کرده ایم باعث تعارضات فرهنگی نمی شود ولی ورود اینترنت و چت شبکه های ماهواره ای می تواند باعث تعارضات فرهنگی شود

خلاصه درس یازدهم :

هویت اجتماعی : شناختی که ما از موقعیت اجتماعی، جایگاه اجتماعی، نقش هایمان، انتظارات و حقوق مان در جامعه و گروه های اجتماعی داریم هویت اجتماعی ما را تشکیل می دهد. هویت فرهنگی: شناختی که از عقاید، باورها و ارزش های اجتماعی جامعه ی خود داریم هویت فرهنگی ما را تشکیل می دهد. جهان اجتماعی برای تداوم خود اعتقادات، ارزش ها و فرهنگ (شیوه زندگی) خود را به فرد آموزش می دهد، تا فرد با موقعیت اجتماعی و تکالیف و حقوقش آشنا شود و مشارکت اجتماعی پیدا کند. جامعه با آموزش های خود به ما کمک می کند تا هویت اجتماعی و هویت فرهنگی کسب کنیم. هویت فرهنگی جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش های اجتماعی شکل می گیرد.

نقش های اجتماعی هویت اجتماعی افراد را می سازند. با عضویت در جهان های اجتماعی دارای هویت اجتماعی می شویم. (البته توان نقد و تحلیل و خروج از یک جهان اجتماعی و ورود به جهان اجتماعی دیگری را داریم).

هویت جهان اجتماعی به فرهنگ اش می باشد. (هویت اجتماعی و هویت فرهنگی دو روی یک سکه اند. هویت اجتماعی افراد، هویت فرهنگی را تحت تاثیر قرار می دهد و هویت فرهنگی، هویت اجتماعی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد).
نقش ها هنجار سازند. هنجارها نقش سازند. نقش ها، ارزش سازند و ارزش ها نقش سازند.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی گسترده تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می گیرد. مثلاً یک پدر ایرانی مسلمان نقش پدری اش متناسب با فرهنگ ایران و اسلام شکل می گیرد و اجرا می شود. یک پدر غربی متناسب با فرهنگ غرب نقش خود را ایفا می کند. چارچوب هویت اجتماعی در قالب هویت فرهنگ سازماندهی می شود.

هویت فرهنگی فرصت شکل گیری هویت های اجتماعی (شغلی، خانوادگی، علمی و...) متناسب با خود را فراهم می کند و گاهی در برابر این شکل گیری مقاومت می کند. (چون آن را با عقاید اساسی خود ناسازگار می بیند).

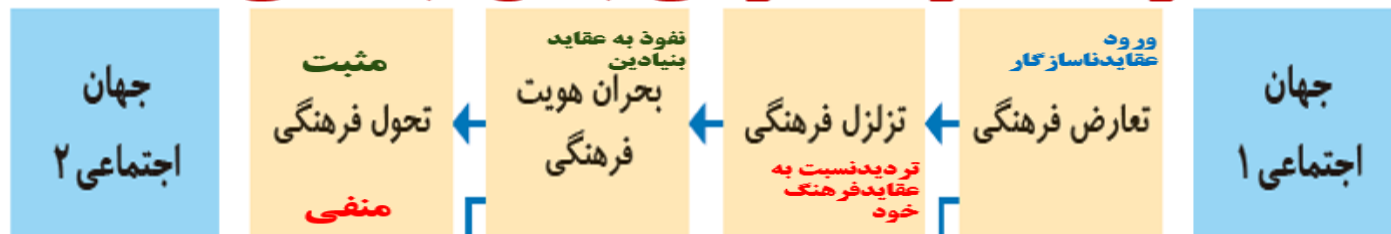
تازمانی عقاید و ارزش های جهان اجتماعی نزد اعضا با اهمیت و با اعتبار باشد هویت فرهنگی آن جهان دوام خواهد داشت.

تحول فرهنگی : به تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می کند و یک جامعه را به یک جامعه دیگر تبدیل کند. جامعه به فرهنگ اش زنده است. اگر فرهنگ یک جامعه کامل عوض شود می گوئیم آن جامعه تبدیل به جامعه ی دیگری شده و دچار تحول شده است.

تزلزل فرهنگی : جهان اجتماعی نمی تواند کنش های اجتماعی را بر اساس عقاید و ارزش های خود سامان دهد و از آنها دفاع کند. ثبات ارزش ها و هنجار در زندگی مردم از دست می رود.

وقتی بی ثباتی رفتارها و هنجارها گسترده شود و به لایه های عمیق وارد شود و امکان حفظ فرهنگ نباشد، جامعه دچار بحران هویت می شود.

فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی



ورود عقاید ناسازگار با عقاید اصلی یک جامعه موجب به وجود آمدن تعارض فرهنگی می شود و وقتی تردید نسبت به عقاید فرهنگ خودی به وجود آید تزلزل فرهنگی به وجود می آید و اگر تزلزل ادامه یابد و عقاید جدیدی که با تعارض ورود پیدا کرده به عقاید اساسی جامعه نفوذ کند جامعه دچار بحران هویت می شود و اگر این بحران هویت برطرف نشود جامعه دچار تحول و تبدیل فرهنگی می شود یعنی جامعه به جامعه ای دیگر و فرهنگی دیگر تبدیل می شود.

حرکت از فرهنگ باطل به سوی حق: تحول فرهنگی مثبت (جاهلی به نبوی) - حرکت از فرهنگ حق به سوی باطل: تحول فرهنگی منفی (نبوی به اموی) - علل درونی تحولات فرهنگی: کاستی و بن بست های درونی که مانع پاسخگویی به نیازهای جسمانی و معنوی انسان ها باشد. (مرگ جهان اجتماعی) - نتیجه مرگ جهان اجتماعی: پوچ انگاری، ازبین رفتن نشاط اجتماعی، یاس، ناامیدی و خودکشی و... - دلیل بازاندیشی بنیان های عقیدتی و ارزشی توسط متفکران اجتماعی: کاستی و خلاء معنوی جامعه - دلیل تشویق از عبور از مرزهای هویت فرهنگی: خلاء و کاستی های معنوی است.

سوالات درس یازدهم:

- ۱- **هویت فرهنگی جامعه چگونه و بر چه مداری شکل می گیرد ؟** بر مدار عقاید و ارزش های اجتماعی مشترک در جامعه شکل می گیرد. یعنی بر مدار ارزشهای پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شده جامعه
- ۲- **هویت اجتماعی افراد محصول چیست؟** محصول عضویت افراد در گروه های اجتماعی است. مابا پذیرش نقش ها در گروه های مختلف اجتماعی دارای هویت اجتماعی می شویم.
- ۳- **هویت فرهنگی جامعه با هویت اجتماعی آن جامعه چه ارتباطی دارد؟** هویت اجتماعی جامعه در پرتو هویت فرهنگی جامعه شکل می گیرد. اگر هویت های اجتماعی افراد با عقاید و ارزشهای هویت فرهنگی ناسازگار باشد در مقابل آن مقاومت صورت می گیرد. به تناسب هر نهاد اجتماعی یک هویت اجتماعی شکل می گیرد مثلاً هویت شغلی، هویت خانوادگی، هویت ایرانی، هویت شهرضایی و...
- ۴- **هویت جهان اجتماعی چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟** هویت جهان اجتماعی مجموعه ای از عقاید، ارزش ها و باورهای (فرهنگ) است که مبنای شکل گیری هویت اجتماعی افراد است. به عبارت دیگر هویت اجتماعی افراد بر اساس هویت فرهنگی جامعه شکل می گیرد. وظایف و تکالیف هر نقش اجتماعی (هویت اجتماعی) در قالب

فرهنگ (ارزش ها و عقاید) آن جامعه تعریف و اجرایی شود. هویت اجتماعی افراد جنبه عملی (بیرونی) هویت است و هویت جهان اجتماعی جنبه ذهنی و فرهنگی هویت است.

۵- **هویت فرهنگی تا چه زمانی دوام می آورد؟** تازمانی که عقاید و ارزشهای مربوط به آن مورد پذیرش افراد جامعه و برای آنها مهم باشند.

۶- **در چه صورتی هویت فرهنگی دچار چالش می شود؟** هرگاه عقاید و ارزش ها در جامعه اهمیت و اعتبار خود را از دست بدهند.

۷- **آیا هویت فرهنگی جامعه می تواند مستقل از هویت اجتماعی افراد وجود داشته باشد؟** خیر هویت فرهنگی اجازه شکل گیری هویت اجتماعی را می دهد جامعه بدون فرهنگ معنادار و نمی تواند شکل بگیرد. هویت فرهنگی بستر هویت اجتماعی است. نقش ها در پرتو ارزش ها شکل می گیرند.

۸- **منظور از تحول فرهنگی چیست؟** تغییرات در لایه های عمیق فرهنگ جهان اجتماعی که موجب می شود هویت جهان اجتماعی متحول و دگرگون شود.

۹- **جهان اجتماعی چگونه دچار تحولات فرهنگی می شود؟** با ایجاد تغییرات عمیق و بنیادین در معانی اساسی یک جهان اجتماعی

۱۰- **منظور از تزلزل فرهنگی چیست؟** شیوه زندگی مردم با عقاید و ارزش های اجتماعی فرهنگ ناسازگار شود و فرهنگ نتواند رفتارهای اجتماعی را با این ارزش ها سازمان بخشد و بین ارزش ها و عقاید فرهنگی و شیوه زندگی تعارض ایجاد شود. به عبارت دیگر عقاید و ارزشها ثبات و استقرار خود را در متن فرهنگ از دست بدهند.

۱۱- **چرا تزلزل فرهنگی با بحران هویت همراه می شود؟** چون بحران هویت درجایی به وجود می آید که جامعه توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزشهای اجتماعی خود را نداشته باشد.

۱۲- **چگونه بحران هویتی منجر به تحولات فرهنگی می شود؟** با تغییر هویت جامعه، تغییرات اجتماعی از محدوده ی تغییرات سطحی درون فرهنگ جامعه خارج می شود و به لایه های عمیق وارد می شود و فرهنگ دچار تحول می شود. یعنی ارزشها و عقاید فرهنگی جامعه جایگاه خود را از دست می دهند و جای خود را به عقاید و ارزش های دیگر می دهند.

۱۳- **آیا هر تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می انجامد؟** خیر اگر تغییرات فرهنگی عمیق و طولانی و پایدار و خارج از چارچوب پذیرفته شده باشد فرهنگ متحول می شود.

۱۴- **آثار تعارضات و تحولات فرهنگی ناگهانی هستند؟** خیر به تدریج تغییرات فرهنگی به لایه های عمیق فرهنگ سرایت می کنند.

۱۵- **در چه صورتی تحولات فرهنگی مثبت است ؟ مثال بزنید :** اگر فرهنگ متحول شده باطل بوده باشد و از باطل به سوی حق رفته باشد تحول مثبت است مانند تحول جامعه جاهلی عصر پیامبر که به سوی جامعه نبوی حرکت نمود.

۱۶- **در چه صورتی تحولات فرهنگی منفی است؟ مثال بزنید :** اگر فرهنگی که رسمیت و اعتبار اجتماعی خود را از دست داده از حق به سوی باطل رفته باشد دچار تحول منفی شده است مانند جامعه نبوی که به جامعه اموی تبدیل شد.

- ۱۷- **تزلزل فرهنگی با تعارض فرهنگی چه تفاوتی دارد؟** تزلزل فرهنگ را نابودمی کند ولی تعارض ممکن است جنبه مثبت داشته باشد. در تعارض فرهنگی مبانی ارزشی فعال است و در حال برخورد و دفاع است اما در تزلزل فرهنگی مبانی ارزشی سست شده و قدرت دفاع را از دست داده است. البته تعارض منفی منجر به تزلزل فرهنگی می شود.
- ۱۸- **آیا تعارض فرهنگی به تزلزل فرهنگی می انجامد؟** تعارض منفی منجر به تزلزل فرهنگی می شود.
- تعارض مثبت فرهنگی موجب تقویت فرهنگ می شود.
- ۱۹- **علل تحولات فرهنگی چیست؟** ۱- علل درونی: مربوط به کاستی ها و بن بست های درون فرهنگ است یا ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد درون فرهنگ ۲- علل بیرونی: مربوط به ارتباطات بین فرهنگ هاست.
- ۲۰- **در چه صورتی فرهنگی دچار مرگ طبیعی می شود؟** فرهنگی به سبب به کارگیری تمامی ظرفیت های خود با هویت جسمانی و معنوی افراد اصطکاک پیدا کند و از پاسخ به نیازهای طبیعی و جسمانی (فطری و معنوی) آنها بازماند.
- ۲۱- **در چه صورتی فرهنگی با بحران های زیست محیطی، اقتصادی و معیشتی به بن بست می رسد؟**
- جواب:** فرهنگی که نتواند نیازهای جسمانی و طبیعی مردم خود را سازمان دهد.
- ۲۲- **در چه صورتی فرهنگی موجب یاس، ناامیدی، پوچ انگاری و خودکشی افراد می شود؟**
- در صورتی که فرهنگی نتواند پاسخ های مناسب درباره وجود آدمیان و معنای زندگی به افراد خود بدهد و افراد را نسبت به مرگ و زندگی دچار شکاکیت و پوچی کند.
- ۲۳- **در چه صورتی متفکران اجتماعی به عبور از مرزهای هویت فرهنگی تشویق می شوند؟** کاستی و خلا معنوی عقاید و ارزش های فرهنگ موجب بازاندیشی متفکرین می شود.
- ۲۴- **دلیل بازاندیشی درباره بنیان های عقیدتی جهان اجتماعی توسط متفکران اجتماعی چیست؟**
- کاستی ها و خلا معنوی که نشاط زندگی افراد جامعه را از بین می برد و ناامیدی و یاس ایجاد می کند.
- ۲۵- **در چه صورتی بحران هویت در سطح افراد، به بحران هویت در سطح جهان اجتماعی می انجامد؟** در صورتی که بحران هویت اجتماعی موجب ازدست رفتن اعتبار عقاید و ارزش ها در جامعه شود و فراگیر و عمیق باشد. یعنی بابه هم خوردن هویت اجتماعی افراد هویت جهان اجتماعی برهم بخورد.
- ۲۶- **در چه صورتی بحران هویت افراد و خانواده ها به بحران هویت در نهاد خانواده منجر می شود؟** در صورتی که عقاید و ارزش های نهاد خانواده (هویت فرهنگی خانواده ها) اهمیت، اعتبار و دوام خود را از دست بدهند و جنبه فراگیر داشته باشد.

خلاصه درس دوازدهم:

جوامع با یکدیگر در ارتباط هستند و این ارتباط گاهی موجب تحول هویت فرهنگی یک جامعه می شود. جوامع به سه صورت با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند: ۱- روابط جهان های اجتماعی، گاهی در محدوده ی هنجارها و نمادها یا در شیوه

زندگی است. در صورتی روابط اجتماعی موجب فراهم کردن زمینه گسترش و پیشرفت می شوند که جهان اجتماعی عقاید، آرمان ها و ارزش های خود را حفظ کنند ولی در صورت لزوم در محدوده ی هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرند مانند (تعامل جهان اسلام با فرهنگ یونان و روم در سده های نخستین) اخذ عناصر عقلی، آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یا: (رویارویی غرب طی جنگ های صلیبی با فرهنگ اسلام) ۲- در سطح عقاید، آرمان ها و ارزش های اجتماعی است. لایه های عمیق دو فرهنگ بایکدیگر تماس دارند. دادوستد فرهنگی به لایه های عمیق آنها سرایت می کند. و به مرور موجب تحولات هویتی آن فرهنگ ها می شود. مانند رویارویی فرهنگ اعراب مسلمان با ایرانیان باستان، مصر ۳- تحولات فرهنگی، مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شدن، از دست دادن خلاقیت در گزینش عناصر فرهنگی دیگران، فرهنگ خود را باختن، خود باختگی، تقلیدی عمل کردن در عناصر فرهنگی بدون تحقیق، قطع ارتباط با تاریخ خود، ناتوانی در تداوم و گسترش فرهنگ خود، ناتوانی در ملحق شدن به فرهنگ جهان اجتماعی دیگر، ناتوانی در داد و ستد فرهنگی (از اینجا رانده و از آنجا مانده)

اثرات خود باختگی فرهنگی: ۱- به روش تقلیدی عمل می کند. ۲- ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می دهد ۳- نمی تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم دهد. ۴- نمی تواند گذشته فرهنگی خود را رها کند و از آن بگذرد. ۵- نمی تواند به فرهنگی که در برابر آن مبهوت شده ملحق شود.

غرب زدگی: خود باختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب

از خود بیگانگی یعنی با خود غریبه شدن و فراموش کردن خود. از خود بیگانگی فرهنگی یعنی فراموش کردن فرهنگ خود، که به دو صورت وجود دارد. ۱- از خود بیگانگی تاریخی: فراموش کردن تاریخ و هویت فرهنگی در مواجهه با جهان های دیگر

۲- از خود بیگانگی فطری (حقیقی): عقاید و ارزش های یک جهان اجتماعی غیر حق، مانع از آشنایی افراد جامعه با حقیقت انسان و جهان می گردد. پیامدهای از خود بیگانگی حقیقی (فطری) ۱- نمی گذارند انسان به تفسیر و شناخت صحیح از عالم و آدم نایل شوند. ۲- انسان ها از حقیقت خود و حقیقت هستی دور می مانند. ۳- جهان را سرایی از حقیقت معرفی می کند. ۴- فطرت آدمی را به آرامش نمی رساند و به تشویش گرفتاری می کند. ۵- انسان را به عصیان و اعتراض وامی دارد.

از دیدگاه قرآن، انسان چگونه به شناخت حقیقت می رسد؟ نگاه توحیدی به خود و جهان، فراموش نکردن خداوند، توجه به آیات و نشانه های خداوند، دوری از فرهنگ مشرکانه اساطیری، جهان اجتماعی دنیوی

سوالات درس دوازدهم:

۱- انواع ارتباطات بین فرهنگی را توضیح دهید و مثال بزنید: جواب: ۱- ارتباط بین دو فرهنگ در محدوده هنجارها

و شیوه های زندگی (لایه های سطحی دو فرهنگ تماس بایکدیگر دارند و در عقاید اصلی خود استوار باقی می مانند) مانند

ارتباط جهان اسلام با فرهنگ یونان و روم در سده های نخستین رویارویی دو فرهنگ ۲ - ارتباط بین دو فرهنگ

در محدوده ارزش ها و آرمان های اجتماعی (لایه های عمیق دوفرهنگ بایکدیگرتماس دارند و دادوستد فرهنگی به لایه های عمیق آنها سرایت می کند و به مرور موجب تحولات هویتی آن فرهنگ ها می شود) مانند رویارویی فرهنگ اعراب مسلمان با ایرانیان باستان ۳- در رویارویی دوفرهنگ یکی از آنها کاملاً مقهور و تسلیم فرهنگ دیگر می شود و خلافت و فعالیت خود را از دست می دهد و دچار خود باختگی می شود. (مانند جوامع غرب زده در برابر غرب

۲- در چه صورتی ارتباط جهان های اجتماعی به تحولات فرهنگی منجر می شود؟ در صورتی که

دادوستد و نفوذ فرهنگی به لایه های عمیق فرهنگ سرایت کند و فرهنگ را دچار تغییرات بنیادین کند.

۳- در چه صورتی روابط اجتماعی موجب فراهم کردن زمینه گسترش و پیشرفت جهان اجتماعی می

شود؟ اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان ها و ارزش های خود، با جهان های اجتماعی دیگر تعامل و دادوستد داشته

باشد و در محدوده ی هنجارها و شیوه ی زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم

را در آنها پدید آورد. مانند مواجهه جهان اسلام با جهان یونان و روم باستان

۴- مواجهه جهان اسلام با دیگر فرهنگ ها چگونه بود؟ در چه سطحی ارتباط فرهنگی داشتند؟ جواب: جهان

اسلام با حفظ اصول خود به تعامل با آنها پرداخت و عناصر سازگار با اصول خود را از آن فرهنگ ها اخذ کرد و در صورت نیاز

به بازسازی آنها پرداخت. ارتباط در محدوده ی هنجارها بود و عقاید و ارزش های خود را حفظ کرد.

۵- چگونه ارتباطات فرهنگی منجر به تحولات فرهنگی می شود؟ مثال بزنید. جواب: هرگاه در تعاملات فرهنگی

یک فرهنگ بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و دادوستد فرهنگی به لایه های عمیق آن سرایت کند و به مرور به عقاید

خود پشت کند و عقاید فرهنگ دیگر را بپذیرد و به فرهنگ دیگر ملحق شود و دچار تحولات فرهنگی می شود. مثال: جهان

غرب در طی جنگ های صلیبی پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی دچار تحولات هویتی شد.

۶- در چه صورتی فرهنگی به فرهنگ دیگر ملحق می شود؟ جواب: در صورتی که ارزش ها و عقاید فرهنگ

دیگر را بپذیرد و به ارزش های خود پشت کند. مثلاً فرهنگ هایی که با مواجهه با جهان اسلام عقاید توحیدی را پذیرفتند و به

هویت اسلامی ملحق شدند.

۷- چگونه ارتباطات فرهنگی منجر به هویت جدید می شود؟ جواب: اگر فرهنگی از مسیر ابداعات و نوآوری های

درونی عبور کند هویت جدیدی مناسب با آن نوآوری ها به دست می آورد. مثلاً جهان غرب پس از رویارویی با فرهنگ

اسلامی از ارزش های مسیحیت عبور کرد و به ارزش های سکولار روی آورد.

۸- جهان غرب در قرون وسطی پس از مواجهه با فرهنگ اسلامی کدام بخش را پذیرفت و کدام بخش را

نپذیرفت؟ اعتقادات اصلی جهان اسلام مانند توحید (عدم تثلیث) را نپذیرفت ولی موسیقی و مبانای پزشکی را پذیرفت.

۹- خود باختگی فرهنگی چیست؟ جامعه خود باخته چه ویژگی هایی دارد؟ جواب: ۱- افراد آن جامعه مبهوت و مقهور

جامعه دیگر شده اند ۲- حالت فعال در گزینش عناصر فرهنگی دیگران را از دست داده اند ۳- عناصر فرهنگی دیگران را بدون

تحقیق و تقلیدوار فرامی گیرند ۴- ارتباطشان را با فرهنگ و تاریخ خودشان از دست داده اند ۵- امکان تداوم و بسط فرهنگ

گذشته خود را ندارد و حتی توان عبور از فرهنگ گذشته را هم ندارد. ۶- نمی تواند به فرهنگی که مقهور آن شده ملحق شود.

- ۱۰- چرا خودباختگی فرهنگی یک آسیب عمیق فرهنگی است؟ جواب: چون مانع تعامل و دادوستد فرهنگی می شود.
- ۱۱- در چه صورتی فرهنگ به دادوستد و تعامل فرهنگی می پردازد؟ جواب: در صورتی که افراد متعلق به آن فرهنگ به گونه ای فعال بر اساس نیازها و مسایل درون فرهنگی با فرهنگ دیگر رویارو شوند.
- ۱۲- غرب زدگی چیست ؟ جواب: خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر فرهنگ غرب و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب شدند.
- ۱۳- انواع تحولات فرهنگی را به اختصار بیان کنید: ۱- کاملاً ارزش ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر را می پذیرد. مانند مصر و تمدن های شمال آفریقا که اسلام و عربیت را پذیرفتند. ۲- بخش هایی از ارزش و عقاید جهان اجتماعی دیگر را پذیرفتند و از بخش هایی از ارزش های خود عبور کردند مانند اروپاییان بعد از جنگ ای صلیبی ۳- خودباختگی فرهنگی که مقهور فرهنگ جهان اجتماعی دیگر شدند و نتوانستند به فرهنگ دیگر ملحق شوند و نه از مرزهای فرهنگی خود عبور کنند و فرهنگ جدیدی بسازند.
- ۱۴- جوامع غرب زده برای دست یابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را به پیمایند؟ تعامل سازنده با تکیه و آگاهی نسبت به فرهنگ خود و مرعوب نشدن در برابر غرب. یعنی به جای فرصت دادن به تهاجم فرهنگی غرب، با غرب به مبادله فرهنگی پردازند و ارتباط فرهنگی آنها یک سویه نباشد. خودباوری، بازگشت به خویش، شناخت میراث فرهنگی خود، شناخت نیازهای مادی و معنوی خود
- ۱۵- جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می شود؟ وقتی تحت تاثیر فرهنگ جهان اجتماعی دیگر از گذشته فرهنگی خود جدا می شود و نمی تواند افراد جامعه خود را با حقیقت انسان و جهان آشنا و سازگار کند.
- ۱۶- انواع خود بیگانگی فرهنگی (خودباختگی فرهنگی) را نام ببرید. ؟ جواب: ۱- خود بیگانگی تاریخی ۲- خود بیگانگی فطری و حقیقی
- ۱۷- منظور از خود بیگانگی تاریخی چیست ؟ جواب: یک جامعه در مواجهه با دیگر فرهنگ ها، فرهنگ تاریخی و هویت خود را فراموش کنند.
- ۱۸- منظور از خود بیگانگی فطری (حقیقی) چیست ؟ جواب: عقاید و ارزش های یک جامعه مانع آشنایی درست افراد جامعه با انسان و جهان گردند و نگذارند که انسانها به تفسیر و شناختی صحیح از عالم و آدم نایل شوند.
- ۱۹- از خود بیگانگی فرهنگی چه پیامدها و ویژگی هایی دارد؟ جواب: ۱- نمی گذارند انسان به تفسیر و شناخت صحیح از عالم و آدم نایل شوند. ۲- انسان ها از حقیقت خود و حقیقت هستی دور می مانند ۳- جهان را سراسری از حقیقت معرفی می کند ۴- فطرت آدمی را به آرامش نمی رساند و به تشویش گرفتاری می کند. ۵- انسان را به عصیان و اعتراض وامی دارد.
- ۲۰- بر اساس نگاه قرآن ، چگونه انسان به شناخت حقیقت می رسد؟ جواب: با نگاهی توحیدی به انسان و جهان بنگرد.

۲۱- **دلیل فراموشی انسان از خود از نگاه قرآن چیست؟** فراموش کردن خداوند. کسی که خدا را فراموش کند خودش را فراموش می کند.

۲۲- **کدام فرهنگ انسان را به حقیقت می رساند؟** جواب: فرهنگ توحیدی که انسان را با خود و جهان هستی آشنا می کند و تمام جهان را آیات و نشانه های خداوند می یابد و انسان را انیس و هم نشین خداوند می کند.

۲۳- **کدام فرهنگ ها موجب از خودیگانگی فرهنگی انسان ها می شوند؟** جواب: ۱- فرهنگ های مشرکانه اساطیری، ۲- فرهنگ های سکولار و دنیوی

۲۴- **از خودیگانگی تاریخی با از خودیگانگی فطری (حقیقی) چه ارتباطی دارد؟ یعنی آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از خودیگانگی دچار شود ناگزیر به دیگری هم مبتلا می شود؟ یا آيا ممکن است جامعه ای در یک معنا از خودیگانه نباشد ولی در معنای دیگر از خودیگانه باشد؟** تاریخ هویت اجتماعی انسان ها ریشه در حقیقت جویی و هویت عالم دارد. بنابراین گم کردن حقیقت انسان و جهان آفرینش با گم کردن تاریخ هویت اجتماعی انسان ها همراه و مرتبط است. یعنی تاریخ بشریت، تاریخ حقیقت جویی و فطرت جویی است و فراموشی هر یک به فراموشی دیگری منجر می شود.

خلاصه درس سیزدهم:

گروه ها، اقوام، ملت ها و امت ها خودشان را با ویژگی های سرزمین، تاریخ، جمعیت، اقتصاد، سیاست و فرهنگ و... می شناسند و می شناسانند. (هویت ملی) - هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام: هویتی توحیدی و دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر (هویت ایرانی در قالب آیین زرتشت هویتی واحد پیدا کرده بود).

هویت ایرانی پس از اسلام: عناصر مشرکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشت و به جهان اسلام ملحق شد. فارسی دری زبان سیاسی دربار ایران، زبان دوم جهان اسلام شد. زبان و ادبیات فارسی در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان، تبت در چین تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت. (بازرگانی چون مولوی و سعدی و حافظ و..)

مواجهه و مقابله جهان اسلام و ایران با هجمه های نظامی و سیاسی سایر اقوام در طول تاریخ: مهاجمان را در خود جذب و هضم کرد. مواجهه مسلمانان با جهان غرب: بخش هایی از ذهنیت مسلمانان را به خود باختگی فرنگی دچار ساخت.

دیدگاه مستشرقان: هویت فرهنگی جوامع اسلامی سکولار و به ابعاد جغرافیایی و تاریخی محدود است و قالب قوم گرایانه و ناسیونالیستی دارد. (ترک، عرب، فارس) (توحیدی یا حتی اساطیری نیست).

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب را نقد کردند و آثاری مانند بازگشت به خویش (دکتر شریعتی)، فطرت (شهید مطهری)، خدمات متقابل اسلام و ایران، خویشن الهی (شهید مطهری) غرب زدگی (جلال آل احمد) نوشته شد.

تأثرات انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی: بازگشت ایران به اسلام، بلکه بازگشت به خویشن الهی و توحیدی. ایران قلب تپنده بیداری اسلامی شد. اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر شد و موجب بازبینی نظریه پردازان غربی در خصوص سکولاریسم شد: تردید در اینکه سکولاریسم سرنوشت مشترک حتمی بشریت است.

هویت اسلامی ایران، تاریخ و جغرافیای خود را در ذیل آسمان معنوی توحید قرارداد و از مرزهای جامعه ایمانی خود تا امروز دفاع می کند.

سوالات درس سیزدهم:

۱- **هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام چگونه بوده است؟** هویتی دینی آمیخته با اساطیر. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت های اجتماعی متفاوتی داشته اند در عقاید و ارزش های زرتشت که با آموزه های اساطیری در آمیخته بود هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

۲- **هویت ملی با چه ویژگی هایی شناسایی می شوند؟** سرزمین (جغرافیا)، تاریخ، زبان

و ادبیات، سیاست، اقتصاد، فرهنگ (هنر، سبک زندگی، معماری، پوشاک و...) جمعیت، مفاخر و قهرمانان و...

۳- **اسلام چه تاثیری در هویت ایرانی داشته است؟** اسلام عناصر مشترکانه ی اساطیری هویت ایرانی را پذیرفت و ایرانیان با پذیرش اسلام به تفسیری توحیدی از هویت خود دست یافتند. عقاید و ارزش های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت هویت اجتماعی بخشی از جهان اسلام درآمد.

۴- **فارسی دری چگونه زبانی بود؟** فارسی دری زبان سیاسی دربار و زبان رسمی مشترک اقوام مختلف ایرانیان بود.

۵- **نقش فارسی دری در جهان اسلام چگونه بود؟** به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی عبور کرد و زبان فرهنگی دوم جهان اسلام شد و مرزهای هند و عثمانی تبت و بالکان و آسیای صغیر را در نوردید و گسترش یافت.

۶- **مولوی، سعدی و حافظ در گسترش زبان فارسی به عنوان زبان دوم فرهنگی جهان اسلام چه نقشی داشتند؟** این بزرگواران با مفاهیم لطیف عرفانی که مغز جهان اسلام است زبان فارسی را در سطح جهانی گسترش دادند.

۷- **مواجهه جهان اسلام با هجمه های نظامی و سیاسی دیگر اقوام چگونه بود؟** فرهنگ اسلامی در طی سده های مختلف یا به دفع مهاجمان پرداخت (مانند جنگ های صلیبی) یا آنها را درون خود جذب و هضم کرد (مانند حمله مغول)

۸- **جهان غرب چه تاثیری در ذهنیت مسلمانان و هویت فرهنگ ایرانی داشته است؟** بخش هایی از ذهنیت مسلمانان را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت و تصویر تاریخ نگاران و مستشرقین غربی از جامعه اسلامی در جوامع اسلامی و ایرانی رواج داد.

۹- **بر خورده جهان غرب با جهان اسلام چگونه بوده است؟** تجربه جدیدی است که هنوز به پایان نرسیده است و بخش هایی از ذهنیت مسلمانان را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت.

- ۱۰- **هویت فرهنگی جوامع اسلامی در تصویر غرب زده و خودباخته چگونه است؟** هویتی توحیدی
و حتی اساطیری نیست. بلکه هویتی سکولار و دنیوی است که به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود است و در قالب عناوین قوم
گرایانه و ناسیونالیستی امت اسلامی را با اقوام مختلف مانند ترک و فارس و عرب و... تقسیم می کند.
- ۱۱- **واکنش متفکرین ایرانی نسبت به رویارویی با فرهنگ غرب چگونه بود؟** آثاری را در نقد تقلیدی به
فرهنگ غرب و هویت های کاذب پدید آوردند. مانند غرب زدگی (جلا آل احمد)، بازگشت به خویش (دکتر شریعتی)
خدمات متقابل اسلام و ایران (شهید مطهری) و فطرت (شهید مطهری)
- ۱۲- **مهم ترین نتیجه تحولات در جهان اجتماعی چیست؟** انقلاب ها
- ۱۳- **انقلاب ها چه نوع پیامدهایی به دنبال دارند؟** تحولات هویتی
- ۱۴- **انقلاب اسلامی چه آثار هویتی در ایران و جهان به دنبال داشت؟** ۱- احیای اندیشه بازگشت به
هویت اسلامی ۲- **تاریخ و جغرافیای هویت اسلامی** را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد. (امت به جای ملت) ۳-
هویت اسلامی قلب تپنده بیداری اسلامی شد. ۴- اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر ساخت. ۵- منجر به بازبینی
و تأمل در اندیشه های اندیشمندان غربی در خصوص اینکه سکولاریسم سرنوشت حتمی بشریت است، شد.
- ۱۵- **انقلاب اسلامی ایران چگونه حاصل شد؟** انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی
جامعه در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود که به سبب خودباختگی فرهنگی نخبگان و رجال سیاسی به مدت یک سده
ادامه داشت .
- ۱۶- **انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت ایرانی دارد و چه تأثیری در احیای جهان اسلام**
داشته است ؟ انقلاب اسلامی مقاومتی در برابر خودباختگی فرهنگی نخبگان بود که موجب بازگشت به خویش
اسلامی ، الهی و توحیدی بود نه خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی دنیوی غربی.
- ۱۷- **نقش امام خمینی در هویت جامعه ایرانی چگونه بود؟** ایشان با استفاده از آموزه های قرآن و اهل بیت (ع)
بابازگشت به هویت اسلامی ، تاریخ و جغرافیای خود را در ذیل آسمان معنوی توحیدی قرار داد و از مرزهای جامعه ایرانی خود
در برابر جهان مقابل دفاع کردند.
- ۱۸- **انقلاب اسلامی چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است ؟** جامعه ایران بابازگشت به
هویت اسلامی خود به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد و جهان اسلام از تصویر القاشده ی غرب خارج شده و به
عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می گردد.
- ۱۹- **انقلاب اسلامی و حیات معنوی اسلام چه تأثیری بر اندیشمندان جهان غرب داشته است ؟** حیات
معنوی اسلام ، افق های جدیدی بر روی اندیشمندان غرب گسترده و نظریه پردازان غربی که دنیوی شدن را به عنوان
سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می دانستند را به تأمل و بازبینی فرخوانده است .

چرا موضوع حجاب در درون کشورهای اروپایی به صورت یک مسئله درآمده است؟ جواب: چون

حجاب رانوعی نماد هویت دینی و اسلامی می دانند که در حال گسترش است و باید با مصادیق فرهنگ اسلامی ستیز کنند تا ارزش های اسلامی در آن جوامع رواج نیابند.

خلاصه درس چهاردهم (متناسب با شرایط محیط اجتماعی مدارس مطالب تنظیمی می تواند متفاوت باشد.)

- خانواده مطلوب دارای ویژگی های زیر است: تعامل صمیمانه و گرم با یکدیگر داشتن اعضای خانواده، احترام متقابل به حقوق یکدیگر، شناخت وظایف نقش خود و تعهد به ایفای وظایف، فراهم آوردن نیازهای مادی در حد توان، تامین نیازهای عاطفی متعادل، تامین نیازهای معنوی و آرامش روحی، آراستگی و پاکیزگی تن و جان،
- خانواده اولین نهاد و گروهی است که با تولد مان در آن عضو می شویم و اولین جامعه پذیری مان در آن شکل می گیرد. هویت اجتماعی و هویت فرهنگی ما با خانواده شروع می شود. شخصیت کودک که در خانواده شکل می گیرد مبنای کل شخصیت در طول زندگی انسان هاست. خانواده علاوه بر شکل گیری شخصیت فرزندان به تثبیت شخصیت آنها نیز می پردازد. محبت، علاقه و عشق در خانواده و در تعامل اعضای خانواده با یکدیگر شکل می گیرد. در محیط خانواده اولین آموزش ها نسبت به جامعه و فرهنگ صورت می گیرد. زندگی در خانواده یک نیاز فطری و دائمی افراد است. در همه ادیان نهاد خانواده را کانون آرامش و آسایش معرفی کرده اند و از پیروان خود می خواهند که با تشکیل خانواده به خود و جامعه صفا و ارتباط سالم هدیه کنند و به معنای حقیقی زندگی دست رسی پیدا کنند.
- کارکردهای خانواده: فرزندآوری و تولید نسل جهت حفظ جامعه. نگهداری از نوزادان، کودکان و سالمندان نیازمند. تعلیم و تربیت فرزندان جهت ایفای نقش های اجتماعی (خانوادگی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی). تامین نیازهای عاطفی و روانی اعضای خانواده و کمک به کاهش فشار عصبی و روحی. کمک به تامین نیازهای مادی و جسمانی و اقتصادی اعضای خانواده (خانواده در کسب شغل و فعالیت های اقتصادی به فرزندان خود کمک های اساسی و شایانی دارد). کمک به تامین نیازهای شناختی، معرفتی و معنوی (هویت های اجتماعی افراد یعنی شناسایی موقعیت ها و جایگاه های اجتماعی در روند ارتباطی خانواده شکل می گیرد. همچنین هویت فرهنگی یعنی شکل گیری مجموعه ای از عقاید و ارزش های اجتماعی که بر اساس آنها می توانیم نقش های خود را در جامعه به درستی ایفا کنیم).
- شناسایی و توصیف تکالیف و حقوق نقش های خانوادگی: پدر، مادر و فرزندان (دختر و پسر) هریک در برابر دیگر اعضای خانواده خود دارای وظایف و تکالیفی هستند و متقابلاً از حقوق و درخواست هایی نیز برخوردار هستند. حیط خانواده مساعدترین مکان برای رشد کودک و تعالی فکری و جسمی اوست و در صورت برخورداری کودک از تربیت و حفاظت از سوی والدین، او می تواند به عنوان سرمایه ای گران بها وارد جامعه شود. اما زمانی که والدین برخلاف مسئولیت خود عمل کرده و در تربیت کودک سهل انگاری کنند، آن زمان کودک پرورش یافته در این نوع خانواده به سهولت در معرض بزهکاری قرار می گیرد.

- ارتباط نوجوان با والدینش، شکل گیری هویت او را تحت تأثیر قرار می دهد. الگوی تعامل خانواده بر رشد نوجوان در حیطه هویت تأثیرگذار است. شکل گیری هویت موفق در نوجوان محصول ۴ عامل: رشد شناختی، ارتباط با والدین، تجارب خارج از خانواده و زمینه های گسترده تر اجتماعی است. «انعطاف پذیری خانواده» و «انسجام» به گونه ای معنادار شکل گیری هویت نوجوانان دختر و پسر را تحت تأثیر قرار می دهد. بحث هویت از آن جهت دارای اهمیت است که اصولاً احساس هویت انسان در مورد جامعه یا هر پدیده دیگر حتی احساس هویت در خصوص خداوند، وی را به رعایت هنجارها ملزم می کند و مانند عاملی بازدارنده در انحرافات او عمل می کند. اگر به نوجوانان و جوانان اعتماد شود، احترام به شخصیت و هویت آنها گذاشته شود و حقوق آنان به رسمیت شناخته شود، مسلماً آنها در جامعه فرصت های بی نظیری را خلق خواهند کرد. اما اگر بی اعتمادی ترویج شود، زمینه بروز آسیب های اجتماعی فراهم شده و این آسیب های اجتماعی ممکن است به بحران اجتماعی تبدیل یا هدایت شوند.
- خانواده به فرزندانش می آموزد که چگونه ارتباط برقرار کنند، هماهنگی ایجاد کنند، تأثیر گذاشته و تأثیر پذیرند و چگونه ارزش ها و میراث فرهنگی و اجتماعی را به نسل بعد از خود منتقل کنند. در واقع خانواده حلقه واسطه بین فرد و جامعه تلقی می شود و نقش اساسی و بی مانندی در پیوند فرد و جامعه دارد و این نوع تربیت فرزند و کارآمد کردن او، بهترین خدمتی است که خانواده به جامعه ارائه می کند جو مثبت خانواده های منسجم که همراه با احساس مسئولیت پذیری متقابل است، زمینه مساعدی برای به دست آوردن ویژگی های مثبت مانند: هدفمندی، تلاش برای عالی بودن و نظام و سازماندهی در فرزندان به وجود می آورد اگر کودکان در خانواده ای قرار گیرند که نسبت به نیازهای فکری و روحی کودکان بی توجه نبوده و پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده به سؤالات آنها با حوصله و به طور صحیح پاسخ دهند، اساس و چارچوب فکری کودکان درست پایه ریزی خواهد شد.
- تفاوت های خانواده ایرانی نسبت به خانواده غربی: خانواده در غرب از واژه فامیلیا گرفته شده است و فامیلیا واحدی اقتصادی خویشاوندی بود که بیشتر کارکرد تولیدی و مادی داشت. امروزه واحد خانواده هسته ای و کوچک شده است. در گذشته های نه چندان دور در محیط خانواده سه نسل (پدربزرگ و مادر بزرگ ها، والدین و فرزندان) در کنار یکدیگر زندگی می کردند ولی امروزه بعد خانواده کوچک تر شده است. در ایران تلاش ها می شود که خانواده سنتی را حفظ کنند اما در کشورهای غربی این بینش وجود ندارد. در غرب خانواده به هر شکلی از زندگی افراد با فرزندان گفته می شود و همه این سبک های زندگی پذیرفته شده است اما در ایران تمرکز بر شکل کامل خانواده یعنی پدر، مادر و فرزندان است و سیاست ها در این راستا تنظیم می شود. در غرب از طریق نهادهای اجتماعی مانند اداره کار یا بهزیستی یا خانه سالمندان تلاش می شود تا بخشی از کارکردهای خانواده سنتی فراهم شود.
- هویت تاریخی خانواده ایرانی را توضیح دهد. خانواده ایران باستان خانواده ای پدرسالار و پدرتبار بوده است. یعنی اصل و نسب افراد از طریق پدر مشخص می شده است. خانواده ها گسترده بوده است یعنی چند نسل شامل پدربزرگ و مادر بزرگ ها، پدر و مادر، عموها و عموزادگان، دایی ها و دایه ها و نوادگان و نوادگان می شده است. ازدواج در ایران امری مقدس بوده است

در گذشته ها سن ازدواج پایین بوده و بیشتر براساس نظر والدین تصمیم می گرفتند که این پدیده امروزه تغییراتی یافته است. سبک زندگی خانوادگی در دهه های اخیر با توجه به ورود فناوری های ارتباطی جدید دستخوش تغییراتی شده که بازتاب های مثبت و منفی در پی داشته است. خانواده سنتی در عصر قدیم با خانواده دوران مدرن (صنعتی) و دوران پسا مدرن دارای تفاوت های معنا داری است. خانواده سنتی بسیار عاطفی بودند و از نظر شغلی با یکدیگر پیوستگی داشتند. در دوران مدرن خانواده ها کوچک از نظر تعداد شدند و در بعد عاطفی سردتر و کم ارتباط تر شدند و فاصله بین نسلی بیشتر شد. در دوران پسا مدرن تلاش می شود به کمک نهادهای اجتماعی و آموزشی بعد عاطفی و اقتصادی خانواده بهبود یابد. در این دوران پدرسالاری یا مادرسالاری کم کم کنار می رود و به جای آن شایسته سالاری و مشارکت گروهی قرار می گیرد. در دوران سنتی و دوران مدرن پدر نقش محوری و سالاری دارد. در دوران سنتی افراد زود ازدواج می کردند و معمولاً با اقربا و خویشان وصلت صورت می گرفت که در دوران مدرنیته و پسا مدرن این الگوی همسرگزینی تغییر یافته است. هویت فطری خانواده: انسان فطرتاً، نیازمند زندگی اجتماعی و خانوادگی است. نیروی درونی و فطری انسان او را به سمت تشکیل خانواده به پیش می برد. در کانون خانواده انسان با معنای حقیقی عشق، عطف، صفا، مهربانی و انسانیت آشنا می شود. در محیط خانواده فرد می تواند نارسایی ها و آسیب های اجتماعی را پاک کند و مجدداً برای حضور در عرصه های اجتماعی آماده شود.

پرسش های درس چهاردهم

۱- خانواده مطلوب از چه ویژگی هایی برخوردار است؟ ۱- تعامل صمیمانه با یکدیگر ۲- رعایت حقوق یکدیگر ۳- ایفای

نقش و وظایف به نحو مناسب ۴- تلاش جهت تامین نیازهای مادی و روانی یکدیگر

۲- چرا خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی و رکن اصلی جامعه است؟ زیرا خانواده اولین نهاد و گروهی است که با تولد مان

در آن عضو می شویم و اولین جامعه پذیری مان در آن شکل می گیرد. هویت اجتماعی و هویت فرهنگی ما با خانواده شروع می شود.

شخصیت کودک که در خانواده شکل می گیرد و سپس تثبیت می شود.

- **۳- خانواده در ادیان مختلف چه جایگاهی دارد؟** در همه ادیان نهاد خانواده را کانون آرامش و آسایش معرفی کرده اند و از پیروان خود می خواهند که با تشکیل خانواده به خود و جامعه صفا و ارتباط سالم هدیه کنند و به معنای حقیقی زندگی دست رسی پیدا کنند.

- **۴- مهم ترین کارکردهای خانواده را بنویسید: ۱-** فرزندآوری و تولید نسل ۲- نگهداری از نوزادان، کودکان و سالمندان ۳- تعلیم و تربیت، جامعه پذیری و فرهنگ پذیری فرزندان ۴- تامین نیازهای عاطفی و روانی ۵- تامین نیازهای مادی و اقتصادی ۶- نیازمند هویت یابی اجتماعی و فرهنگی

• **۵- منظور از تکالیف و حقوق متقابل چیست؟** یعنی هر نقشی در مقابل دیگر نقش ها دارای وظایفی است که اگر به آنها عمل

کنند نقش مقابل خود را به حقوقش رسانیده است. و عکس آن. دو نقشی که متقابل هستند در برابر یکدیگر وظایفی دارند که وظیفه هریک حقوق نقش مقابل اش خواهد بود. مثلاً وظایف پدر از حقوق مادر است و وظایف مادر از حقوق پدر محسوب می شود.

- **۶- برخی از تکالیف و حقوق متقابل نقش های خانوادگی را بنویسید:** برخی از وظایف والدین: فراهم ساختن محیط مناسب و با انسجام جهت رشد فکری و جسمی فرزندان ۲- نگهداری و مراقبت از فرزندان و سالخوردگان ۳- کمک به کسب شناخت و هویت یابی فرزندان ۴- کمک به ایجاد مهارت های شغلی و استقلال شخصیت . برخی از وظایف فرزندان در برابر والدین عبارتند از: ۱- همراهی و کمک به والدین در امور خانه ۲- اطاعت از اوامر والدین ۳- تلاش جهت کسب استقلال فکری، اجتماعی و اقتصادی ۴- همراهی با ارزش ها و آرمان خانوادگی

- **۷- عوامل موثر در شکل گیری درهویت نوجوانان چیست؟ ۱-** رشد شناختی (توانایی در تفکر، تصمیم گیری، حل مسئله، قضاوت) ۲- ارتباط با والدین، ۳- ارتباطات با گروه همسالان ۴- نقش پذیری

- **۸- اعتماد به نوجوانان چه تاثیراتی به دنبال دارد؟** موجب شکوفایی استعداد ها، رشد شناختی، افزایش بلوغ عاطفی و هیجانی او می شود و احتمال درگیری با آسیب های اجتماعی را در او به حداقل می رساند.

- **۹- ایفای نقش ها در خانواده ایرانی با خانواده غربی چه تفاوت هایی دارد؟** خانواده ایرانی بر انتقال ارزش های معنوی و دینی تاکید دارد ولی خانواده غربی به این موضوع کمتر اهمیت می دهد. خانواده ایرانی بر انتخاب نقش های اقتصادی و اجتماعی فرزندان حساس تر است.

- **۱۰- خانواده در طول تاریخ دچار چه تحولات هویتی شده است؟** خانواده سنتی بسیار عاطفی بودند و از نظر شغلی با یکدیگر پیوستگی و ارتباط بیشتری داشتند. در دوران مدرن خانواده ها کوچک از نظر تعداد شدند و در بعد عاطفی سردتر و کم ارتباط تر شدند و فاصله بین نسلی بیشتر شد. در دوران پسمادرن تلاش می شود به کمک نهادهای اجتماعی و آموزشی بعد عاطفی و اقتصادی خانواده بهبود یابد. در دوران سنتی و دوران مدرن پدر نقش محوری و سالاری دارد. در دوران سنتی افراد زود ازدواج می کردند و معمولاً با اقربا و خویشان وصلت صورت می گرفت که در دوران مدرنیته و پسمادرن این الگوی همسرگزینی تغییر یافته است.

- **۱۱- آیا تشکیل خانواده یک نیاز فطری محسوب می شود؟** بله، نیروی درونی و فطری انسان او را به سمت تشکیل خانواده به پیش می برد. در کانون خانواده انسان با معنای حقیقی عشق، عطف، صفا، مهربانی و انسانیت آشنا می شود.

خلاصه درس پانزدهم :

قدرت اجتماعی به معنای توانایی به اطاعت در آوردن اراده دیگران برای رسیدن به اهداف است. (قدرت اجتماعی در کنار ثروت و دانش از مهم ترین ابزارهای کسب منزلت و جایگاه اجتماعی است. سیاستمداران، ثروتمندان، دانشمندان همیشه مورد توجه هستند.)

نهادهای اجتماعی، سازمان ها و گروه های اجتماعی دارای قدرت اجتماعی هستند. قدرت اجتماعی بدون پذیرش (تبعیت) و توافق دیگران به وجود نمی آید. تبعیت از اراده دیگران به دو صورت بارضایت (میل درونی) و با کراهت (ترس و تهدید و عامل بیرونی) وجود دارد. قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد اقتدار نامیده می شود. قدرت با اکراه تا زمانی که با زور و اجبار همراه باشد تداوم می یابد.

مقبولیت یعنی پذیرش قدرت اجتماعی دیگران بدون اکراه، مشروعیت یعنی اعمال قدرت بر اساس یک نظام عقیدتی و ارزشی

مدار مقبولیت خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود. مدار مشروعیت ارزش های حق و باطل است. مقبولیت و مشروعیت قدرت می توانند با یکدیگر همراه باشند و می توانند جدا و بدون دیگری باشند.

اعمال سازمان یافته قدرت برای رسیدن به هدفی معین، سیاست است. در معنای عام هر نوع برنامه ریزی نوعی سیاست است. هر جهان اجتماعی متناسب با فرهنگ خود دارای اهداف و سیاست است. نظام سیاسی مجموعه سازکارهایی است که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی به وجود می آید. نظام فرهنگی جامعه (مجموعه عقاید و باورها و ارزش های جامعه) بر شکل گیری و جهت سیاست های آن جامعه تاثیر دارد. نظام فرهنگی می تواند به نظام سیاسی اقتدار و دوام بدهد و می تواند آن را ضعیف و نابود کند. تعارض و تزلزل فرهنگی می تواند نظام سیاسی را سست کند. نظام سیاسی نیز می تواند در گسترش یا عدم گسترش عقاید و فرهنگ تاثیر

بگذارد. نظام سیاسی و اقتصاد نیز رابطه متقابل دارند: مثلاً سیاست های انقباضی و انبساطی که در درس اقتصاد خوانده اید در نظام سیاسی طراحی و اجرا می شود. پس سیاست در شکل و جهت اقتصاد تاثیر مستقیم دارد. اقتصاد نیز ابزارها و امکانات پیشبرد اهداف سیاسی را فراهم می کند. نظام سیاسی نیز به پول و توانایی های مادی نیاز دارد تا بتواند به فعالیت خود ادامه دهد.

نظام های سیاسی با ملاک های زیر طبقه بندی می شوند: ۱- تعداد افراد تصمیم گیرنده (یک نفره، چند نفره، همه مردم) ۲- روش تصمیم گیری (فضیلت و اخلاق، خواست و میل شخصی افراد) ۳- گرایش دینی یا دنیوی داشتن تصمیم گیرندگان و روش حکومت داری

از دیدگاه فارابی جامعه ای که ارزش ها و هنجارهای الهی نباشد جامعه جاهلی است.

لیبرالیسم آزاد دانستن انسان برای هر آنچه که دوست دارد، است. دموکراسی یعنی حاکمیت مردم بر مردم.

سوالات درس پانزدهم:

۱- **قدرت چیست؟** توانایی انجام کاری با آگاهی و اراده قدرت است.

۲- **انواع قدرت انسان را توضیح دهید:** ۱- قدرت (فردی): انجام کارهای فردی با آگاهی و اراده ۲- قدرت اجتماعی:

وقتی بتوانیم اراده دیگران را تحت تاثیر خود قرار دهیم قدرت اجتماعی داریم.

۳- **قدرت فردی با قدرت اجتماعی چه تفاوتی دارد؟** - قدرت فردی محدودتر از قدرت اجتماعی است و انسان ها بی

نیاز از دیگران نمی توانند به زندگی خود ادامه دهند. ۲- در قدرت فردی دیگران نقشی ندارند و در قدرت اجتماعی دیگران

مؤثرند. ۳- در قدرت فردی نیازی به جلب رضایت دیگران نیست. ولی در قدرت اجتماعی نیازمند توافق و تبعیت دیگران

هستیم.

۴- **چه کسانی از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟** کسانی که در زندگی توان تاثیرگذاری بیشتری بر اراده ی

دیگران دارند.

۵- **مقبولیت در قدرت اجتماعی به چه معنایی است؟** رضایت نسبت به قدرت دیگران و پذیرش و تبعیت از آن با میل

درونی

۶- **تبعیت اراده ی یک انسان از انسان دیگر به چند صورت انجام می پذیرد؟** ۱- تبعیت با کرهت یعنی تبعیت

ناشی از ترس، تهدید و زور که برای گریز از تنبیه انجام می شود (به دلیل قدرت طرف مقابل) ۲- تبعیت با رضایت یعنی عمل به

اراده ی دیگران از روی میل درونی، بدون استفاده از زور (که دارای مقبولیت است).

۷- **مشروعیت قدرت چیست؟ بر چه مبنایی می باشد؟** قدرت بر اساس شریعتی که موافق حکم خداوند اعمال می شود.

بر مبنای قوانین و احکام الهی می باشد.

- ۸- **درچه صورتی قدرت مقبول ودرچه صورتی قدرت مقبولیت ندارد؟** در صورتی که نسبت به اعمال قدرت رضایت وخواست مردم باشد قدرت مقبولیت دارد و اگر اعمال قدرت با اکراه وبدون رضایت وخواست مردم باشد قدرت مقبولیت ندارد.
- ۹- **درچه صورتی قدرت مشروعیت دارد؟** ودرچه صورتی مشروعیت ندارد؟ در صورتی که قدرت براساس شریعت وموافق حکم خداوندباشد مشروع است ودر غیراین صورت مشروعیت ندارد.
- ۱۰- **مدارمقبولیت بامدارمشروعیت چه تفاوتی دارد؟** مدارمقبولیت قدرت، خواست واراده مردم بارضایت است ولی مدار مشروعیت حق وباطل بودن است براساس حکم و اراده ی تشریعی خداوند.
- ۱۱- **درچه صورتی قدرت هم مقبولیت وهم مشروعیت دارد؟** در صورتی که خواست وارده ی مردم مطابق با حکم الهی واراده ی تشریعی خداوندباشد.
- ۱۲- **آیا درجامعه ای که فرهنگ عمومی مردم فرهنگ دینی باشد قدرت نامشروع می تواند مقبولیت داشته باشد ؟** خیر چون مردم به حکم الهی اعتقاددارند اگر قدرتی نامشروع وضداحکام الهی باشد از مقبولیت ورضایت مردم بی بهره می شود.
- ۱۳- **سیاست راتعریف کنید:**
چگونگی اعمال قدرت سازمان یافته برای هدفی معین سیاست است.
- ۱۴- **حکومت راتعریف کنید:**
مجموعه عواملی که سیاست های کل جامعه راپیش می برند.
- ۱۵- **سیاست درمعنای عام ودرمعنای خاص راتوضیح دهید:**
هرنوع سازماندهی قدرت درجامعه ونظام اجتماعی کل سیاست درمعنای عام است و سازماندهی قدرت درنظام سیاسی ، سیاست به معنای خاص است.
- ۱۶- **حکومت وسیاست چه ارتباطی بایکدیگدارند؟**
سیاست سازوکاراعمال قدرت است که بدون حکومت امکان تحقق ندارد. تاحکومتی برقرارنشود سیاستی اجرایی شود.
- ۱۷- **براساس چه ملاک هایی می توان نظام های سیاسی راطبقه بندی کرد؟**
براساس الف) تعدادافرادتاثیرگذاروتصمیم گیردرحکومت (۱- حکومت یک نفر۲- حکومت چندنفرمحدود۳)اقلیت)-
حکومت اکثریت مردم)ب) روش تصمیم گیری وتاثیرگذاری (۱- براساس اغراض،خواسته هاوتصمیمات شخصی ۲- براساس فضیلت وموازن عقلی برمدارحقیقت)ج) دینی یادیوی(۱-حکومت هایی که برمداراحکام وقوانین الهی هستند. ۲- حکومت هاونظام های سیاسی سکولارودیوی)
- ۱۸- **براساس دیدگاه ارسطو نظام های سیاسی که یک نفر در آنها حاکمیت دارند چند دسته اند؟** ۱- نظام سیاسی مونارشی که حکومت یک نفر براساس فضیلت ومدارحقیقت است . ۲- استبدادی(تیرانی)یا دیکتاتوری که حکومت یک نفر براساس خواست ومیل شخصی خوداست.

۱۹- دموکراسی و جمهوری از دیدگاه ارسطو را تعریف کنید.

حاکمیت اکثریت مردم در صورتی که بر مدار خواسته های آنها باشد دموکراسی نامیده می شود. حکومتی که اکثریت مردم آن بر اساس حقیقت و فضیلت در نظام سیاسی حضور داشته باشند حکومت جمهوری است.

۲۰- از نظر ارسطو چه تفاوتی بین نظام سیاسی دموکراسی و جمهوری وجود دارد؟

جمهوری حاکمیت اکثریت بر اساس فضیلت و حقیقت است ولی دموکراسی بر اساس خواست و میل اکثر افراد به دور از حقیقت است.

۲۱- جوامع فاضله و جاهله از دیدگاه فارابی چگونه جوامعی هستند؟

مدینه فاضله جامعه الهی بر اساس سنت و قانون الهی با نظریه حقیقت و اراده الهی با کمک عقل و وحی است. مدینه جاهلی ارزش هایش عقلانی، الهی و وحیانی نیست. ارزش هایش ارزشهای دنیوی می باشد.

۲۲- لیبرالیسم یعنی چه ؟

اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان. آزادی انسانها مرجع تمام ارزش ها و آرمان های اجتماعی است.

۲۳- لیبرالیسم با کدام فرهنگ و رویکرد سازگار است؟

فرهنگ غرب و رویکرد دنیوی به عالم هستی و انکار شناخت علمی ارزشهای اجتماعی

۲۴- چرا پیروان لیبرال دموکراسی دچار تناقض (پارادوکس دموکراسی) هستند؟

چون از یک سو معتقدند کسی که از حدود نظام سیاسی لیبرالیسم خارج شود شایسته دریافت رای نیست و از سوی دیگر فرد لیبرال آزاد است که هر نوع عقیده ای را دارا باشد و این دو بایکدیگر جمع نمی شوند. (با کسانی که عدالت را برتر از آزادی می دانند راحت برخورد نمی کنند و آنها را طرد میکنند).

۲۵- مفهوم جمهوری اسلامی چیست؟

جمهوری به معنای رسمیت داشتن حضور مردم در نظام سیاسی. اسلامی یعنی فعالیت اجتماعی سیاسی مردم بر مبنای عقاید و ارزش های اسلامی است.

۲۶- در عقاید اسلامی مقررات چگونه تعیین میشوند و شکل می گیرند؟

با اراده و مشیت خداوند نه مردم و انبیا و اولیا، با دو وسیله عقل و وحی مسولیت ما انسانها فقط شناخت احکام و اجرای آن است ما در ایجاد مقررات اسلامی اراده و اختیاری نداریم.

۲۷- تعدادی از ارزش های اجتماعی اسلامی را نام ببرید :

عدالت، آزادی، استقلال، امنیت، تامین اجتماعی، نفی وابستگی، عقلانیت، مشورت،

۲۸- وظیفه امت اسلامی چیست ؟ خودداری از پذیرش طاغوت و قدرت های غیر الهی و فعالیت در شکل گیری امامت و

ولایت بر اساس موازین اسلامی هوشمند.

۲۹- نمونه ای از ارزش ها و آرمان های اجتماعی بنویسید که در جامعه لیبرال دموکراسی با جمهوری

اسلامی متفاوت باشد. چرا؟ پاسخ: معنای آزادی در این دو جامعه متفاوت است. در نگاه اسلامی ارزش ها اهمیت الهی و دینی دارند و وسیله ای برای نزدیک شدن به خدا هستند ولی در نگاه لیبرال دموکراسی این گونه نیست.

۳۰- **در نگاه اسلامی جایگاه ارزش ها چگونه است؟ پاسخ:** ارزش ها اهمیت الهی و دینی دارند و وظیفه ارزش های تقرب (نزدیک شدن) به خداوند است.

۳۱- **عبادات در چه صورتی ارزش بیشتری می یابند؟ پاسخ:** هنگامی که بعد اجتماعی وسیع تری پیدا کنند. احساس مسئولیت متقابل مردم و نظام سیاسی نوعی عبادت محسوب می شود.

۳۲- **حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟** پاسخ: مردم در یک جمهوری اسلامی باید فعالیت خود را عبادت بدانند ولی در لیبرال دموکراسی صرفاً یک فعالیت اجتماعی عادی است.

خلاصه درس شانزدهم:

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. - راه گسترش هر فرهنگ، شناختن، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. هر چه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بسط بیشتری می یابد.

باتولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می شود و رحمت میان زن و شوهر به رابطه والدین و فرزندان تسری می یابد و باتولد فرزندان بعدی و بزرگ تر شدن خانواده، این معانی و ارزش ها گسترده تر می شود.

کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی به منزله محدود شدن گستره ی آن است که می تواند زمینه ساز بسط و تسلط جهان های اجتماعی دیگر باشد.

هدف اسلام تاسیس جهان توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف داشتن جمعیت مناسب است. پیامبر (ص) روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می کند.

جوامع غربی به علل (افزایش سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده، طلاق، رفاه زدگی، عافیت طلبی، مصرف گرایی، هزینه پنداشتن فرزندان) با کاهش جمعیت و پیری جمعیت روبه رو هستند.

تدابیر و راه حل هایی که در راستای افزایش یا کاهش جمعیت است راسیاست های جمعیتی می گویند. (۲ بار سیاست های کاهش جمعیت داشته ایم. از سال ۴۵ تا سال انقلاب. از سال ۶۸ تا سال ۹۰)

کنش اقتصادی: فعالیت های روزمره برای تهیه ضروریات مادی و معیشتی. نهاد اقتصاد: مجموعه کنش ها و روابطی که حول تولید و مصرف کالا و توزیع درآمد و ثروت است. هویت اقتصادی: ویژگی های اقتصادی که جامعه را از سایر جوامع متمایز می

کند. (تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل گرایی، غلبه فرهنگ مصرفی و... دولت بزرگی که می کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار افزایش دهد و.. رفاه ناپایدار... تحریم ها

هجوم اقتصادی به ایران : دردوره های قاجار، پهلوی و امروز - اقتصاد روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع است. - ابزاری برای هویت زدایی و غارت است. جهان غرب، هویت خود را بر اساس اقتصاد شکل می دهد و سرمایه داری عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است.

شیوه های اقتصادی غیر سرمایه اری را در سراسر جهان نابود می کند. - پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می دانند. راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن : اجرای قانون اساسی و سیاست های مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی : الگویی از اقتصاد پیشرفته و مستقل و مستحکم است که با تعالیم اسلام با اتکا به ظرفیت های مردمی و دولتی، روحیه جهادی و اخلاقی، ریسک پذیری، امید، همبستگی، حضور فعال در تع



سوالات درس شانزدهم :

- ۱- **ویژگی های جمعیتی را نام ببرید:** تعداد جمعیت، جوانی یا پیری جمعیت، میزان شهرنشینی یا جمعیت روستایی، میزان اشتغال، میزان بیکاری، رشد جمعیت، میزان مهاجرت به داخل یا خارج، بار تکفل و...
- ۲- **چرا جمعیت یکی از ویژگی های هویت ملی است؟** چون با افزایش تعداد جمعیت یک جامعه، میزان هویت اجتماعی آن جامعه افزایش می یابد و با افزایش هویت اجتماعی در واقع هویت فرهنگی گستره بیشتری خواهد داشت. (البته این پیش فرض در صورتی صحیح است که جامعه دچار تزلزل و تعارض و بحران فرهنگی نباشد).
- ۳- **چه رابطه ای میان جمعیت و هویت جوامع وجود دارد؟** هر چه تعداد جمعیت یک جامعه بیشتر باشد انتشار دهندگان (گسترش دهندگان) فرهنگ آن جامعه بیشتر خواهد بود. زیرا اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل یک فرهنگ و معانی آن هستند.
- ۴- **اولین شرط بقای هر جامعه چیست؟** جمعیت جامعه
- ۵- **جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تاثیری دارد؟** جمعیت یک جامعه می تواند بر میزان ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن تاثیر مثبت و یا منفی داشته باشد. در صورتی که میزان جمعیت یک جامعه متناسب با امکانات آن و رشد متعادل باشد و انسجام و هماهنگی اجتماعی در حد مناسبی باشد افزایش جمعیت به افزایش شاخص های فوق می انجامد و در غیر این صورت افزایش جمعیت موجب کاهش شاخص های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خواهد شد.
- ۶- **جوامع مختلف برای تامین جمعیت مطلوب خود، چه می کنند؟** به سیاست های جمعیتی روی می آورند.
- ۷- **جامعه کنونی ایران از نظر جمعیت در چه وضعیتی قرار دارد؟** طبق سرشماری سال ۹۵ رشد جمعیت ایران ۱/۲ درصد است که از نظر برخی جمعیت شناسان، جمعیتی است که روبه پیری می رود. (البته برخی از جمعیت شناسان)

۸- عینی ترین ابعاد هویت یک جامعه چیست؟ جمعیت و اقتصاد آن جامعه

۹- راه گسترش و بسط هر فرهنگ در یک جامعه چیست؟ شناختن، اندیشیدن، پذیرفتن و عمل کردن به آرمان ها، ارزش ها و عقاید آن فرهنگ با حاملان و عاملان بیشتر (جمعیت بیشتر)

۱۰- افزایش جمعیت در خانواده چه تاثیری در مودت و رحمت میان اعضای خانواده دارد؟ باز دواج

و تشکیل خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد ایجاد می شود. با تولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می شود و رحمت و مودتی که میان زن و شوهر وجود دارد، به رابطه ی فرزند و والدین تسری می یابد. با تولد فرزندان بعدی و بزرگ تر شدن خانواده، این معانی و ارزش ها گسترده تر می شود.

۱۱- نظام خویشاوندی چگونه شکل می گیرد؟ با گسترش خانواده ها و ایجاد نسبت هایی چون

پدر بزرگ، خاله، دایی، عمه، دختر عمو، پسر دایی و... نظام خویشاوندی شکل می گیرد.

۱۲- کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی چه تاثیرات هویتی دارد؟ کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی نیز

به منطقی محدود شدن گستره آن است که می تواند زمینه ساز بسط و تسلط جهان های اجتماعی دیگر باشد.

۱۳- هدف جهان اسلام چیست و چه رابطه ای با جمعیت جهان اسلام دارد؟ هدف اسلام تاسیس جهان اجتماعی

توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف داشتن جمعیت مناسب است. از این رو پیامبر اسلام روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می کند.

۱۴- در چه صورتی جهت گسترش جهان اجتماعی توحیدی، افزایش جمعیت ضروری است؟ در صورتی که اول

اینکه: فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت، بسط می یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل. دوم اینکه: افراد و اعضای این فرهنگ نیز حاملان و عاملان معانی حق باشند.

۱۵- چرا امروزه جوامع غربی با مسئله کاهش جمعیت و پیری جمعیت روبه روهستند؟ به علت هایی مانند: بالا رفتن

سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، عافیت طلبی و مصرف گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان

۱۶- منظور از سیاست های جمعیتی چیست و مسئولیت آن برعهده کیست؟ مجموعه تدابیر و راه حل هایی که

نهادهای سیاست با همراهی و همکاری مردم و با هماهنگی بین سایر نهادها جهت حل مشکلات جمعیت چاره اندیشی می کند.

۱۷- انواع سیاست های جمعیتی را نام ببرید؟ سیاست های جمعیتی افزایش دهنده یا کاهش دهنده جمعیت.

۱۸- ایران در چه دوره هایی سیاست های کاهش جمعیتی را دنبال کرده است؟ ۱- پیش از انقلاب اسلامی که

از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب طول کشید و طی آن میزان رشد سالانه جمعیت، از حدود ۳/۱٪ به ۲/۷٪ در صد در سال کاهش یافت. ۲- از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ که رشد جمعیت از ۳/۹٪ به ۱/۳٪ در صد کاهش یافت.

۱۹- مفهوم نسل کشی یا پاک سازی نسلی را توضیح دهید. هر گونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی

از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و... را نسل کشی یا پاک سازی نسلی می گویند که نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است.

۲۰- برخی از اصول کلی سیاست های جمعیتی ایران از سال ۱۳۹۳ تا کنون را نام ببرید: تشویق ازدواج و کاهش سن

ازدواج- حمایت از زوج های جوان - تشویق سیاست های فرزندآوری - حذف بودجه هایی که جمعیت را کاهش می داد- اختصاص تسهیلات ویژه برای مادران شیرده

۲۱- منظور از کنش های اقتصادی چیست؟ به آن دسته از فعالیت های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می دهیم، کنش اقتصادی می گویند.

۲۲- نهاد اقتصاد، چیست؟ مجموعه کنش ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می گیرد.

۲۳- منظور از هویت اقتصادی یک جامعه چیست؟ ویژگی های اقتصادی که جامعه ما را از سایر جوامع متمایز می کند.

۲۴- ویژگی های هویت اقتصادی ایران چیست؟ اقتصاد نفتی (وابستگی شدید بوجه به صادرات نفتی)، دولت

بزرگ (تعداد کارکنان دولت و سطح و حجم فعالیت دولتی نسبت به کل اقتصاد بزرگ باشد)، عقب ماندگی اقتصادی تاریخی

۲۵- چه عواملی در شکل گیری هویت اقتصادی کنونی ایران دخالت داشته اند؟ کشف نفت و سرمایه های حاصل از فروش نفت به خارجیان هجوم اقتصادی استعمارگران اقتصادی، وابستگی اقتصادی به نفت، تحریم های اقتصادی و مالی، جنگ تحمیلی و...

۲۶- اقتصاد ایران با چه معضلاتی روبه روست؟ تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل گرایی، غلبه فرهنگ مصرف گرایی

۲۷- اقتصاد نفتی (وابستگی اقتصاد به فروش نفت) چه پیامدهایی به دنبال دارد؟ شکل گیری تولید ملی ضعیف

و شکننده، دولت بزرگی به وجود می آید که می کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار افزایش دهد. حتی هزینه های آموزش و بهداشت را که در بیشتر نقاط دنیا از محل مالیات ها پرداخت می شود، به کمک درآمدهای نفتی تامین می کند.

۲۸- انواع تحریم های اقتصادی بر علیه ایران به چه منظوری اعمال شده اند؟ ایجاد فشار بر جامعه تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند. ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

۲۹- تاریخچه هجوم اقتصادی استعمارگران غربی به ایران چگونه است؟ در زمان قاجار با تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند رویتر و رژی و... و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیادهای تولید ملی و روح خودباوری ملت ایران

۳۰- چرا نسبت به تهاجم اقتصادی غرب ملت ها واکنش نشان داده اند؟ زیرا اقتصاد، روزه و ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می رود.

۳۱- چرا استعمارگران حضور خود را در دیگر جوامع با هجوم اقتصادی آغاز می کنند؟ چون جهان غرب هویت

خود را بر اساس اقتصاد شکل می دهد و در این جهان، هویت انسان ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها

وابسته است و هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه های اقتصادی غیر سرمایه دارانه را در سراسر جهان نابود می کند.

۳۲- چرا جوامع غربی علیه ایران جنگ اقتصادی تمام عیاری به راه انداخته اند؟ زیرا این

کشورها اقتصاد را اساس همه چیز می پندارند و تمامی شیوه های اقتصادی غیر سرمایه داری را نابود شده می بینند و پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می دانند.

۳۳- راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ اجرای قانون اساسی و سیاست های اقتصاد مقاومتی

۳۴- هویت اقتصادی نوینی که ایران به دنبال آن است چه ویژگی هایی دارد؟ ۱- باور به تعالیم حیات بخش اسلام

۲- اتکاب به ظرفیت های مولد مردمی و دولتی ۳- روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، ریسک پذیری، امید و همبستگی ۴- حضور فعال و موثر در تعاملات جهانی ۵- برای مردم امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی- اسلامی از رشد و شکوفایی ۶- استقلال اقتصادی و خودکفایی ۷- منع خام فروشی ثروت های طبیعی ۸- حفظ اقتدار و عزت ملی ۹- درون زایی در عین برون گرایی ۱۰- در مقابل انواع مشکلات و موانع مقاوم و پایداری می شود.

۳۵- نمونه هایی از سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی را نام ببرید. رفتار اقتصادی بهینه بانگاه

درون زا. حذف هزینه های اضافی. جلوگیری از فساد اقتصادی و...

۳۶- ساز و کار مقاوم سازی اقتصاد ایران در برابر موانع داخلی و خارجی پیشرفت کدام است؟ اتکاب به

خودباوری، افزایش انسجام و سرمایه ی اجتماعی، هماهنگی و پیوستگی دولت و ملت بایکدیگر و...

۳۷- دانش آموزان برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه مسئولیتی بر عهده دارند؟ مطالعه و پژوهش، روحیه

خودباوری، عمل به ارزش های فرهنگی جامعه و...

در پناه پرورگار یزدان شاد و خرم باشید. حمید رحیمی دبیر دبیرستان نمونه دولتی شهید همت شهرستان شهرضا